

"خدا شما را به ملکوت و جلال خود می خواند"
(اول تسالونیکیان ۲: ۱۲)

"آماده شوید"

(عاموس ۴: ۱۲)

"تا در عالم نور زندگی کنید"

(کولسیان ۱: ۱۲)

تقدیم به

حق جویان و نوایمانان فارسی زبان

تا

با اطاعت از تعالیم عیسی مسیح "حقیقت را بشناسند

و حقیقت آنان را آزاد سازد."

یوحنا ۸: ۳۱-۳۲

عیسی مسیح می فرماید:

"اگر کسی براستی بخواهد مطابق
خواست خدا زندگی کند، پی خواهد برد که
آنچه من می گویم، از خداست نه از خودم."

یوحنا ۷: ۱۷

پیش گفتار

این مجموعه با توجه به این فرمایش مسیح که: "همه از خدا تعلیم خواهند یافت" (یوحنا ۶: ۴۵)، به رشته تحریر درآمده و حاوی یادداشتهای و مقالات متنوعی است که بر آیات کتاب مقدس بنا شده‌اند. بنابراین، برای بهره‌گیری کامل از مطالب آن، باید به آیات مزبور در کتاب مقدس مراجعه نمود، و با در نظر گرفتن زمینه متن، آنها را مورد مطالعه دقیق قرار داد و از خدا تعلیم گرفت.

هرگز نباید حقیقت تابناکی را که مسیح در انجیل بیان می‌کند از یاد برد که می‌فرماید: "روح است که حیات می‌بخشد ولی جسم فایده‌ای ندارد. سخنانی که به شما می‌گویم روح و حیات است" (یوحنا ۶: ۶۳). مفهوم آیه اینست که: انسان در نتیجه گناه از نظر روحانی مرده است و نمی‌تواند با خدا رابطه برقرار نماید (افسیان ۲: ۵). تنها ایمان آوردن به مسیح و اطاعت از سخنان وی است که انسان را روحاً زنده و پاک می‌کند، در رابطه صحیح با خدا قرار می‌دهد، و حیات جاودانی می‌بخشد.

در این مجموعه، دو موضوع اساسی: شناخت خدای واحد حقیقی و چگونگی مقبول درگاهش شدن، که زیربنای ایمان مسیحی را تشکیل می‌دهند، بارها تکرار شده‌اند. امید است درک این حقایق آسمانی با هدایت روح القدس، آنچنان اشتیاقی در خواننده بوجود آورد تا با رغبت تمام آنها را با دیگران در میان بگذارد و در نتیجه، توفیق زیستن در عالم نور را نصیب خود و دیگران بگرداند.

آیات از چهار ترجمه مختلف کتاب مقدس به زبان فارسی: ترجمه قدیم، ترجمه جدید، ترجمه تفسیری و ترجمه هزاره نو اقتباس شده‌اند.

بعضی از مطالب این مجموعه با اقتباس از منابع مختلف با تغییرات کلی در متن آنها، به رشته تحریر درآمده‌اند.

فهرست مطالب

حقایق بنیادی

چرا عیسی مسیح از مریم باکره به دنیا آمد؟
"نزد من آئید و من به شما آرامش خواهم داد"
توبه ما و عکس العمل خدا
لزوم کسب قدرت از خدا بوسیله تکیه بر کلامش
شناخت دشمن
شناخت مذاهب و تعلیمات دروغین
دلایل اعتبار کتاب مقدس (بطور خلاصه)

شناخت خدا

شناخت خدا از طریق "پدر"
شناخت خدا از طریق "پسر"
شناخت خدا از طریق "روح القدس"
شناخت خدای ناشناخته
خدای کامل و انسان کامل
ذات پروردگار
تثلیث اقدس

پاسخ به چند سؤال

آیا خدا وجود دارد و آیا زندگی بعد از مرگ یک واقعیت است؟
آیا عیسی مسیح فرموده است که بعد از او پیامبری دیگر می آید؟
فرق مذهب و مسیحیت چیست؟
آیا واقعاً عیسی مسیح پسر خدا است؟

بشارت

زندگی مسیحائی
قربان شما
بازگشت به سوی خدا
پیام مسیحیت
حقیقت خداوندی
جام رنج و عذاب مسیح

"اگر گوش شنوا دارید بشنوید"
اعلام پادشاهی مسیح

تقویت ایمان

آیا مهر مالکیت خدا را بر خود داریم؟
"خدا همه چیزها را برای خیریت کسانی بکار می‌برد که او
را دوست دارند"
دگرگونی روحانی
تغذیه روحانی
چگونه پاک و مقدس شویم
مفهوم آب در کتاب مقدس
شفاعت چیست؟
رابطه روحانی با خدا
چگونه زندگی جاودانی نصیب ما می‌گردد؟

رشد در روحانیت

هدف نهائی انسان جلال دادن خدا و بهره‌مند شدن از او تا ابد می‌باشد
تقدس چیست؟
شرط ورود به ملکوت خدا
هم فکر با مسیح
"از روح خدا پر شوید"
شرایط دریافت روح القدس
مفهوم شاگرد مسیح و غسل تعمید
ممکن است مسیح امروز برگردد، آیا آماده‌ایم؟
مفهوم پرستش
"فیض عیسی مسیح خداوند و محبت خدا و شرکت روح القدس با جمیع
شما باد. آمین"

آماده شوید

چرا عیسی مسیح از مریم باکره به دنیا آمد؟

نویسنده‌ای در مزرعه بزرگی گردش می‌کرد که ناگهان چشمش به مورچگان بسیاری افتاد که در تکاپوی جمع‌آوری آذوقه زمستانی، مرتب به لانه خود داخل و خارج می‌شدند. در طرف دیگر مزرعه، تراکتوری نظرش را جلب کرد که مشغول شخم زدن بود و بزودی به زندگی این مورچگان بیچاره خاتمه می‌داد. دل نویسنده بحال مورچگان سوخت ولی چاره‌ای نمی‌دید تا آنها را از خطری که در کمین بود آگاه سازد، مگر اینکه خود به شکل مورچه درآید و خطر را به آنها گوشزد نماید. این است وضعیت ما که در تکاپوی برآوردن هوسهای ناپاک دل خود، بسوی هلاکت ابدی می‌رویم. ولی خدا (پدر، پسر، روح القدس) که "نزد او هیچ امری محال نیست" (لوقا ۱: ۳۷)، از فیض و رحمت عظیم خود، "پسر" را جسم گردانید. او نه تنها در زندگی پاک زمینی خود ما را از خطر هلاکت ابدی که در کمین است آگاه کرد، بلکه با مرگ و قیام و صعودش به آسمان، نجات عظیم و زندگی جاودانی را برای ایمانداران به خود فراهم ساخت.

آماده شوید

"نزد من آئید و من به شما آرامش خواهم داد"

مسیونری در جنگلی خانه‌ای داشت. روزی پسر کوچکش زیر درختی بازی می‌کرد. ناگاه صدای پدرش را شنید که فریاد می‌زد: "فوراً روی شکمت بخواب و روی شکم به طرف من بیا." پسر فوراً روی شکم خوابید و خود را به سوی پدرش کشانید. سپس پدرش به او گفت: "حالا پا شو و به طرف من بدو." پسر فوراً اطاعت کرد و وقتی که به نزد پدرش رسید به درختی که زیر آن بازی می‌کرد نگاه کرد. با تعجب بسیار دید که ماری حدوداً به طول سه متر، سرش را از درخت آویزان کرده است. اگر او یک لحظه دیر جنبیده بود، زندگیش به پایان می‌رسید.

بارها صدای مسیح را در انجیل می‌شنویم: "اگر توبه نکنید، همگی هلاک خواهید شد" (لوقا ۱۳: ۳). و همچنین "نزد من بیائید و من به شما آرامی خواهم داد" (متی ۱۱: ۲۸). آیا به اخطارهای مسیح توجه کرده‌ایم و دعوت او را پذیرفته‌ایم؟ آیا از او اطاعت کرده‌ایم؟ اگر نه، باید بدانیم که آن مار خوش خط و خال قدیمی که آدم و حوا را به دام خود کشید، شب و روز همچون شیر غران در کمین است تا ما را ببلعد (اول پطرس ۵: ۸). بنابراین، بهتر است هر چه زودتر از گناه بی‌ایمانی و بی‌قیدی خود دست برداشته، در دعا، بار گناه خود را زیر صلیب مسیح بگذاریم و با اطاعت از دستورات انجیل به او پناه ببریم و در او آرامش یابیم و در امنیت او ساکن شویم.

در خاتمه، باید دانست که آمدن به پیش مسیح، تنها و فقط با ایمان به کلام مسیح و توبه (برگشت به سوی او) امکان پذیر است و نه به هیچ طریق دیگر!

آماده شوید

توبه ما و عکس العمل خدا

چند سال پیش در آمریکا، پسری خانه پدری را ترک می‌کند و در شهری دیگر مشغول عیاشی و خوشگذرانی می‌شود. این پسر، پس از چند سال زندگی نکبت بار، بالاخره از کرده خود پشیمان می‌شود و می‌خواهد به خانه پدرش برگردد ولی خاطر جمع نبود که پدرش او را خواهد پذیرفت. تصمیم می‌گیرد نامه‌ای به این مضمون به پدرش بنویسد: "پدرجان، از گذشته خود پشیمانم و می‌خواهم در فلان تاریخ با قطاری که از کنار خانه‌مان می‌گذرد مسافرت کنم. اگر مرا به خانه راه خواهید داد، یک دستمال سفید به درخت کنار خانه آویزان کنید تا با دیدن آن، در ایستگاه بعدی پیاده شوم. اگر نه، به مسافرت خود ادامه خواهم داد." روز موعود فرامی‌رسد. وقتی قطار به خانه پدر نزدیک می‌شد، پسر از پنجره آن به بیرون نگاه می‌کند و می‌بیند که درخت پر از دستمالهای سفید است. بلی، پدران زمینی برای بازگشت فرزندان خود، دستمال سفید بر درختان می‌آویزند. ولی پدر آسمانی، برای بازگشت گناهکارانی همچون ما به سوی خود، یگانه فرزند خود را، در حدود دوهزار سال پیش، بر صلیب آویخت! نه تنها این، بلکه او را برخیزانید و "بر دست راست خود بالا برده، سرور و نجات دهنده ساخت" (اعمال رسولان ۵: ۳۱).

آماده شوید

نزوم کسب قدرت از خدا بوسیله تکیه بر کلامش

چقدر جالب است که اولین درس عملی از زندگی عیسی مسیح، یعنی بکار بردن آیات کلام خدا برای دفاع از حملات شریر، در ابتدای کتاب انجیل قرار دارد!

عیسی مسیح در باب چهارم متی با بکار بردن سه آیه از کلام خدا، شیطان را شکست داد. این آیات در ارتباط با نوع وسوسه عبارتند از: "نان نمی‌تواند روح انسان را سیر کند، بلکه فقط کلام خداست که می‌تواند نیاز درونی او را برآورده سازد" (متی ۴: ۴). "خداوند خدای خود را تجربه مکن" (متی ۷: ۴). و "خداوند خدای خود را سجد کن و او را فقط عبادت نما" (متی ۱۰: ۴). زمانی عیسی مسیح این آیات را بکار برد که "چهل شبانه روز، روزه داشت، آخر گرسنه گردید" (متی ۲: ۴). در این حال شیطان به سراغ او آمد تا او را وسوسه نماید. شیطان بسیار زرنگ است و می‌داند کی و چگونه ما را وسوسه نماید و به دام خود بکشد. او زمانی که خسته و یا افسرده هستیم، هنگامی که عصبانی می‌باشیم و یا هوسهای ناپاک در سر می‌پرورانیم، در مواقعی که احتیاج مالی داریم و یا اتفاق ناگواری در زندگی ما رخ می‌دهد و یا حتی زمانی که در اوج قدرت روحانی می‌باشیم، فوراً سر می‌رسد و با تمامی قدرتش بر ما حمله می‌برد و با وسوسه خود سعی می‌نماید ما را تحت تأثیر خود قرار دهد. اگر ما با خداوند بوسیله کلام نوشته شده‌اش در ارتباط نباشیم، در این گیرودار حتماً شکست خواهیم خورد. اگر چه مسیح، با رفتن بر صلیب، سر شیطان را کوبیده است، ولی شیطان هنوز موجود پر قدرتی می‌باشد و ما به تنهایی یارای مقاومت با او را نخواهیم داشت. بنابراین، باید کلام خدا را خوب بدانیم، خوب بفهمیم، و مطابق آن زندگی کنیم، و همیشه در حالت دعا باشیم، تا شیطان جرأت نزدیک شدن به ما را نداشته باشد. یعقوب رسول در این باره در انجیل می‌نویسد: "پس خدا را اطاعت نمائید و با ابلیس مقاومت کنید تا از شما بگریزد" (یعقوب ۷: ۴).

آماده شوید

شناخت دشمن

"شیطان که حاکم این دنیای پرگناه است، چشمان ... اشخاص بی‌ایمان را بسته است تا نتوانند نور پر جلال انجیل را ببینند" (دوم قرنتیان ۴:۴). شیطان که "دروغگو و پدر دروغگویان است" (یوحنا ۸:۴۴)، با فریبهای خود غیرایمانداران را وامیدارد تصوّر نمایند که کشورهای که اکثریت مردم آنها تاریخ و فرهنگ مسیحی دارند، لزوماً ممالک مسیحی هستند، در صورتی که حتی یک کشور مسیحی هم در دنیا وجود ندارد. وطن مسیحیان در آسمان است که درباره آن در انجیل می‌خوانیم: "اما وطن ما در آسمان است که از آنجا نیز نجات دهنده یعنی عیسی مسیح خداوند را انتظار می‌کشیم" (فیلیپیان ۳:۲۰).

اعمال و گفتار ناشایست و شرم آوری که روی پرده سینما و تلویزیون به نمایش گذارده می‌شوند، کاملاً بر خلاف تعالیم مسیح می‌باشند. این دسیسه‌ها بوسیله اشخاصی که سرسپرده شیطان هستند اجرا می‌شوند تا مسیحیان واقعی را بد نام سازند. نه تنها این، بلکه شیطان و دار و دسته او سخت در تلاش‌اند تا آموزش تعلیمات کتاب مقدس در کشورهای به اصطلاح مسیحی، غیرقانونی اعلام شود و متأسفانه تا اندازه‌ای هم موفق شده‌اند.

نسبت دادن تهمت‌های ناروا به مسیحیت کار تازه‌ای نیست. در روم قدیم، خود امپراطور، شهر روم را آتش زد و تقصیر را به گردن مسیحیان انداخت و به این بهانه مسیحیان را جلوی شیران گرسنه انداختند تا تکه پاره شوند. اموالشان را غارت کردند و هنگام شب آنان را زنده بر تیرها و ستون‌ها بسته آتش زدند تا همچون مشعل بسوزند و خیابانهای تاریک را روشن کنند. با همه این جفاها، کلیسای مسیح، امروز زنده و پا برجا است و هر روز هم صدها نفر در سراسر دنیا به مسیح زنده و قیام کرده ایمان می‌آورند!

شیطان اغلب سعی می‌کند از درون کلیسا به آن ضربه بزند. برای این منظور به وسیله سرسپردگان خود، یعنی مسیحیان اسمی، در داخل کلیسا رخنه کرده و حتی در مقام رهبری (کشیش و اسقف) اقتضاحات ننگین به بار می‌آورد. مسیح در باره اینان می‌فرماید: "از انبیاء دروغین بر حذر باشید که در لباس میش به نزد شما می‌آیند ولی در باطن گرگان درنده‌اند" (متی ۱۵:۷). پولس رسول هم در این باره می‌نویسد: "این اشخاص رسولان دروغین و خادمین فریبکار هستند که خود را به شکل رسولان مسیح در می‌آورند. این چیز عجیبی نیست، شیطان هم خود را به صورت

فرشته نور درمی‌آورد" (دوم قرن‌تیاں ۱۱: ۱۳-۱۴). آیا این پیشگوئیها هم اکنون جلو چشم ما به انجام نمی‌رسند؟ حتماً خوانده و یا شنیده‌ایم که خداوند دو شهر سدوم و غموره را بجهت شرارت مردانشان، به آتش سوزانید. کتاب مقدس دربارهٔ آینده نیز چنین پیشگوئی می‌کند: "روز خداوند چون دزد خواهد آمد که در آن آسمانها به صدای عظیم زایل خواهند شد و عناصر سوخته شده، از هم خواهد پاشید و زمین و کارهائی که در آن است سوخته خواهد شد" (دوم پطرس ۳: ۱۰).

حال که از نیرنگهای ابلیس آگاه شدیم، چقدر باید خدا را شکر و سپاس، حمد و ثنا بخوانیم که او در رحم خود نمی‌خواهد ما به هلاکت برویم و از فیض خود برای مقاومت با نیرنگهای شیطان، زره کاملی برای ما تهیه کرده است که باید همیشه به تن کنیم. این زره کامل، عبارت است از: کمر بند حقیقت (روراست بودن بر اساس کلام خدا)، زره عدالت (ردای پارسائی مسیح یا نیکی مطلق که خدا آن را بر ایمانداران حقیقی به مسیح می‌پوشاند)، نعلین آمادگی انجیل (دائم در فکر بشارت به دیگران بودن)، سپر ایمان (ایستادگی در مقابل حملات شیطان) کلاهخود نجات (خاطر جمعی از نجات خود) و شمشیر روح (بکار بردن کلام خدا با هدایت روح القدس) (افسیان ۶: ۱۱-۱۸).

شناخت مذاهب و تعلیمات دروغین

مسیحیان نوایمان باید توجه داشته باشند که مهمترین اسلحه مذاهب دروغین یا دنیوی علیه مسیحیان، همان آیات کتاب مقدس می‌باشند که یا آنها را به نفع مرام و مذهب خود عوض کرده‌اند، و یا در اثر قرن‌ها نقل قول، مفهوم حقیقی آنها عوض شده است. زیرا تنها به این وسیله است که معلمین این مذاهب می‌توانند در قلب نوایمانان به مسیح رخنه نمایند. این اشخاص خوش ظاهر و فریبکار که خود را دانا می‌پندارند بخوبی واقف هستند که مسیحیان واقعی، کتاب مقدس را تنها مرجع ایمان به خدا می‌دانند. به همین علت بعضی از آنان با نسخه‌ای از کتاب مقدس که در آن دست برده‌اند، به خانه‌های مسیحیان راه می‌یابند و آیاتی را که عمداً تغییر داده‌اند و یا آنها را اشتباه تفسیر می‌نمایند، به رخ ایمانداران می‌کشند و مورد بحث قرار می‌دهند، غافل از اینکه آیات به تنهایی هرگز نمی‌توانند حقیقتی را بازگو کنند مگر اینکه با سایر حقایق کلام خدا مقایسه شوند و در هماهنگی کامل با آنها بمانند. کلام خدا (عهد عتیق و عهد جدید) از الهام خدا به رشته تحریر درآمده و از این جهت یک پیوستگی و هماهنگی خارق العاده‌ای در آن دیده می‌شود.

برخی دیگر، کتابهای مقدس جعلی و ساختگی در دست دارند که اکثر مطالب آنها شبیه مطالب کتاب مقدس است ولی تعلیمات زیادی در آنها هست که برخلاف تعلیمات کتاب مقدس می‌باشند. علت جعلی بودن آنها اینست که خدا و عیسی مسیح که در آنها ارائه شده غیر از خدای واحد (پدر، پسر روح القدس) است که خود را در کتاب مقدس بر انسان مکشوف فرموده است. یعنی خدائی عادل مطلق، پاک و پر محبت، که از عدالت خود هرگز گناه انسان را بی‌سزا نخواهد گذاشت. و از محبت خود، عیسی مسیح بی‌گناه را به صلیب فرستاد تا تاوان گناه انسان را که همان موت ابدی است بر خود گیرد، و به آنانی که به این فیض بی‌کران او ایمان می‌آورند نجات جاودانی عطا فرماید.

کاش این اشخاص از خدا بی‌خبر، از این الهام خدا در کتاب مقدس که شصت سال بعد از مسیح در کتاب انجیل نوشته شد، با خبر شوند:

"اما حتی اگر ما یا فرشته‌ای از آسمان، انجیلی غیر از آنچه ما به شما بشارت دادیم موعظه کند ملعون باد!" (غلاطیان ۱: ۸).

هسته مرکزی کتاب مقدس بر این دو آیه استوار است:

۱- "خدا در جسم ظاهر شد و در روح، تصدیق کرده شد و به فرشتگان مشهود گردید و به امتهای موعظه کرده و در دنیا ایمان آورده و به جلال بالا برده شد" (اول تیموتائوس ۳: ۱۶).

۲- "عیسی مسیح در جسم ظاهر شد" (دوم یوحنا ۷). مفهوم این دو آیه، مرکز اصلی کلام خدا را تشکیل می‌دهد. بنابراین برای شناخت مذاهب دنیوی باید عقاید آن مذاهب را با حقیقت این دو آیه کلام خدا مقایسه کرد و نتیجه گرفت.

آنچه حائز اهمیت فراوان می‌باشد این است که در این مقایسه، خودمان حقیقت کلام خدا را به درستی شناخته باشیم. در سمیناری که برای تشخیص اسکناس جعلی تشکیل شد، تمام وقت سمینار صرف شناخت اسکناس حقیقی گردید. زیرا وقتی که اسکناس حقیقی کاملاً شناخته شود، جعلی بودن اسکناس تقلبی فوراً معلوم می‌گردد. بنابراین واجب و ضروری است که کتاب مقدس را با دقت هر چه تمامتر با هدایت روح القدس مورد مطالعه قرار دهیم تا حقایق عمیق روحانی و آسمانی آن را به درستی درک کنیم، و در فرصتهایی که خداوند به ما می‌دهد، در محبت مسیح این حقایق را با دیگران در میان بگذاریم و نتیجه را در دعا به خدا بسپاریم.

آماده شوید

دلایل اعتبار کتاب مقدس (بطور خلاصه)

- ۱- کتاب مقدس بوسیلهٔ چهل نویسنده در مدت یکهزار و پانصد سال به رشتهٔ تحریر درآمده است. نویسندگان آن از طبقات مختلف اجتماع یعنی پادشاه، دهاتی، فیلسوف، ماهیگیر، چوپان، شاعر، سیاستمدار، و عالم بوده‌اند. آنان در سه قارهٔ آسیا، اروپا و آفریقا ساکن بودند و به سه زبان عبرانی، آرامی و یونانی، در زمانهای مختلف، آن را نوشتند. ولی با وجود این همه اختلاف زمانی، نژادی، طبقاتی و منطقهٔ جغرافیائی، عجیب است که این کتاب از اول تا به آخر از یک پیوستگی و هماهنگی بی‌سابقه در مورد خدا و رابطهٔ او با انسان برخوردار می‌باشد.
- ۲- کتاب مقدس تنها کتابی است که خود شهادت می‌دهد که مکاشفهٔ خدا می‌باشد (دوم تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷) و (دوم پطرس ۱: ۲۰-۲۱).
- ۳- پیشگوئی‌هایی که قرن‌ها پیش در تورات و سایر کتب عهد عتیق دربارهٔ عیسی مسیح شده است، در عهد جدید (انجیل) تحقق پیدا کرده‌اند. در زیر فقط چند نمونه از صدها پیشگوئی دربارهٔ مسیح از نظر شما می‌گذرد:

۷۰۰ سال پیش از میلاد مسیح	در میکاه نبی ۲:۵ پیشگویی شده بود مسیح در بیت لحم یهودیه متولد خواهد شد.	در متی ۱:۲ به انجام رسید.
۷۰۰ سال پیش از میلاد مسیح	در اشعیا نبی ۱۴:۷ پیشگویی شده بود که مسیح از باکره متولد خواهد شد.	در متی ۱:۱۸ به انجام رسید.
۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح	در زکریای نبی ۹:۹ پیشگویی شده بود که مسیح بر کره الاغ سوار خواهد شد.	در یوحنا ۱۲:۱۲-۱۶ به انجام رسید.
۱۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح	در مزمو ۹:۴۱ پیشگویی شده بود که یکی از شاگردانش او را تسلیم خواهد کرد.	در مرقس ۱۰:۱۴ به انجام رسید.
۷۰۰ سال پیش از میلاد مسیح	در اشعیا ۳:۵۳ پیشگویی شده بود که او مردود خواهد شد.	در یوحنا ۱:۱۱ به انجام رسید.
۱۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح	در مزمو ۱۶:۲۲ پیشگویی شده بود که دست و پاهای او را سوراخ خواهند کرد.	در یوحنا ۲۰:۲۷ به انجام رسید.
۱۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح	در مزمو ۱۰:۱۶ پیشگویی شده بود که او در قبر نخواهد ماند.	در متی ۵:۲۸-۶ به انجام رسید. (اعمال رسولان ۱۵:۳).
۱۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح	در مزمو ۱۸:۶۸ پیشگویی شده بود که او به آسمان صعود خواهد کرد.	در اعمال رسولان ۱:۹ به انجام رسید.
۴۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح	در پیدایش ۱۵:۳ پیشگویی شده بود که او سر شیطان را خواهد کوبید.	در یوحنا ۱۹:۳۰ به انجام رسید. تفسیر آن در (کولسیان ۱۵:۲).

۴- حفاریهای باستانشناسی زیادی برای اثبات اعتبار آنچه در کتاب مقدس نوشته شده بعمل آمده، که همگی، صحت مندرجات آن را کاملاً تصدیق می‌نمایند. (کتابهای مختلفی در این زمینه نوشته شده‌اند که در کتاب فروشیهای مسیحی در دسترس می‌باشند. مطالعه آنها خواننده را به شگفتی و تعجب وامی‌دارد و بینش او را در مورد حقایق کتاب مقدس وسیعتر می‌نمایند).

۵- زندگی میلیونها نفر با شنیدن و مطالعه کتاب مقدس و اطاعت از آن تغییر کرده، از تاریکی و گمراهی به روشنائی و رستگاری، و از موت

به حیات منتقل شده‌اند. اگر شهادت تغییر زندگی آنان را مطالعه نمائیم به این حقیقت پی‌خواهیم برد که: "احکام خداوند کامل است و جان را تازه می‌سازد" (مزمور ۱۹:۷).

۶- تقریباً تمام قوانین دادگستری کشورها، مبنی بر قوانین کتاب مقدس می‌باشند. همچنین انگیزه انجام امورخیریه برای رفاه حال جامعه، از دستورات کتاب مقدس سرچشمه گرفته و توسط اشخاصی که بوسیله عیسی مسیح منور شده‌اند، با قدرت روح او به مرحله عمل در آمده‌اند.

۷- بعضی از مطالب علمی مندرج در کتاب مقدس، که قرن‌ها پیش مورد تمسخر قرار می‌گرفت، هم اکنون مورد استفاده و قبول عموم می‌باشند، مانند گرد بودن کره زمین (اشعیا ۴۰:۲۲).

۸- مهمتر از همه اینست، که خود عیسی مسیح با نقل قول از بیست و دو کتب تورات و عهد عتیق، صحت مندرجات کتاب مقدس را تصدیق کرده است. برای نمونه، در متی ۵: ۱۷-۱۸ تورات و صحف انبیا را تصدیق می‌نماید. در متی ۸: ۱۱ درباره ابراهیم، اسحق و یعقوب، در متی ۸: ۴ درباره موسی، و در متی ۶: ۲۹ درباره سلیمان صحبت می‌کند. بی‌مورد نیست که یک استاد دانشگاه معروف گفته است که "اگر در صدد تحقیق و کشف حقیقت الهی هستید، کتابی را مطالعه کنید که بیش از هر کتاب دیگر پر فروشتر می‌باشد، یعنی کتاب مقدس. زیرا، تنها با اجرای دستورات آسمانی این کتاب است که می‌توانید زندگی جاودانی را مالک شوید."

آماده شوید

شناخت خدا از طریق "پدر"

اساسی ترین حقیقتی که برای هر انسان واجب و ضروری است، همانا شناخت و رسیدن به خدا می‌باشد. ما هر چقدر از دیدگاه انسانی غنی و ثروتمند باشیم ولی اگر خدا را در زندگی خویش نداشته باشیم، باز فقیر و بیچاره خواهیم بود. بنابراین بهتر است از خود بپرسیم، "آیا حضور خدا، محبت، هدایت و همراهی او در زندگی ما محسوس می‌باشند، یا صرفاً مقداری اطلاعات درباره او داریم؟ ما شاید درباره کسی اطلاعات زیادی به دست بیاوریم، ولی تا وقتی که ملاقات شخصی با او نداشته باشیم و با او وقت نگذرانیم، نمی‌توانیم او را بشناسیم. در مورد خدا نیز همینطور است. خدا می‌خواهد ما دوستان ابدی او باشیم، و برای همین منظور بود که او "انسان را شبیه خود آفرید" (سفر پیدایش ۱: ۲۷). (شباهت روحانی) بنابراین تنها شنیدن درباره خدا، برای داشتن این رابطه ابدی کافی نیست. آنچه ما را از داشتن این رابطه محروم می‌سازد، گناه است که بهر حال در زندگی همه ما وجود دارد.

می‌دانیم که خدا عادل مطلق است و "مجرم را هرگز بی‌سزا نخواهد گذاشت" (سفر اعداد ۱۴: ۱۸). از طرف دیگر، کلام خدا این خبر خوش را به ما می‌دهد که سزای گناه را عیسی مسیح بجای هر کس که به او ایمان آورد و او را نجات دهنده و مولای خود بداند، پرداخته است. در نتیجه، هر کسی که مشتاق رسیدن به خدا باشد، پشت دیوار گناه خود نخواهد ماند. عیسی مسیح در این باره می‌فرماید: "زیرا خدا جهانیان را آنقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان بیاورد هلاک نگردد بلکه صاحب حیات جاودان شود" (یوحنا ۳: ۱۶). بلی، تنها ایمان آوردن به این حقیقت است که می‌تواند مسیر زندگی ما را از موت به حیات، و از نتایج مرگبار گناه به برکات زندگی جاوید، منتقل نماید.

در کلام خدا می‌خوانیم "خدا محبت است" (اول یوحنا ۴:۸). او ما را به شباهت روحانی خود آفرید تا با او مشارکت روحانی داشته باشیم. ولی شیطان همگی ما را به گناه آلوده ساخت و در نتیجه، این مشارکت با خدائی که پاک و از هر گناه مبرا می‌باشد قطع شد، و همگی محکوم به مرگ روحانی شدیم. زیرا طبق کلام خدا "مزدی که گناه می‌دهد موت است" (رومیان ۶:۲۳).

در این رابطه، کارهای نیک و حتی انجام فرایض دینی نیز نمی‌توانند کمکی به حال ما بنمایند. چون برای گناهایی که مرتکب شده‌ایم باید مجازات شویم و این مجازات همان موت یا هلاکت می‌باشد، یعنی (جدائی ابدی از خدائی که منبع شادی و آرامش زندگی است). اما خدا در محبت خود، نخواست ما تا به ابد از او جدا بمانیم. به این جهت، عیسی مسیح را به این دنیا فرستاد تا توان گناهان ما را بپردازد و جانش را بجای ما فدا کند. تنها به این وسیله است که عدالت و محبت خدا در حق ما انسانها به حدّ نهایت در صلیب مسیح نمایان می‌شود. حال که این خبر خوش (انجیل) را شنیدیم، طبق کلام خدا: "اگر ما نجاتی به این عظمت را نادیده بگیریم چگونه می‌توانیم از کیفر آن بگریزیم؟" (عبرانیان ۲:۳).

بنابراین، بهتر است هم اکنون که فرصت داریم، با هدایت روح خدا، و با پشیمانی و توبه از گناه خود، این هدیه نجات را دریافت کنیم، و بیاد آوریم که در این صورت، عیسی مسیح وعده داده است که با بازوان باز و دستهای سوراخ شده‌اش از ما استقبال خواهد کرد! حال، اگر در اثر رحم خدا این فیض نجات نصیب ما گشته است، طبق کلام خدا، باید بکوشیم با طرز زندگی خود عملاً به دیگران نشان دهیم که نجات یافته‌ایم. در کلام خدا می‌خوانیم: "نجات خود را به ترس و لرز (احترام عمیق) به عمل آورید" (فیلیپیان ۲:۱۲).

آماده شوید

شناخت خدا از طریق "پسر"

خدا آسمان، زمین و شگفتیهای موجود در آنها را آفرید تا انسان با دیدن آنها بتواند به وجود خالق و قدرت ابدی او که نادیدنی هستند پی ببرد و در روز داوری عذر و بهانه برای بی‌ایمانی خود و تمجید نکردن خدا نداشته باشد (رومیان ۱: ۱۹-۲۰). علاوه بر این به راههای مختلف و به وسیله پیامبران، اراده خود را در کتاب مقدس بر انسان مکشوف ساخت (عبرانیان ۱: ۱). و بالاخره در حدود دو هزار سال پیش بوسیله عیسی مسیح ما را با افکار، نیت و صفات خدا، آشنا فرمود (یوحنا ۱۷: ۲۶) که اینک به بعضی از آنها اشاره می‌نمائیم:

در مسیح پاکی و قدوسیت خدا را می‌بینیم. هر چند پیامبران پیشین به مردم می‌گفتند که خدا قدوس و پاک است ولی کسی هرگز قدوسیت کامل را ندیده بود. در کتاب مقدس می‌خوانیم: "همه گناه کرده‌اند" (رومیان ۳: ۲۳). بنابراین حتی پیامبران نیز به مفهوم کامل کلمه، مقدس نبوده‌اند. تنها در عیسی مسیح که مظهر خدای تعالی است قدوسیت کامل بر بشر آشکار شد و انسان توانست معنی "خدا قدوس است" را درک کند. در انجیل می‌بینیم که مسیح در زندگی خود هرگز مرتکب کوچکترین گناهی نسبت به خدا یا انسان نگردید. هر چه او گفت و عمل کرد کاملاً نیک بود. اعمال و گفتارش یکی بود. طمع به اموال دیگران نداشت و هرگز اجری برای خدمات خود نخواست. زندگیش کاملاً منزّه و پاک بود، با زنان چون خواهر، و با مردان چون برادر رفتار می‌کرد. او نه تنها دشمنان خود را نکشت، بلکه برای آنان دعا کرد تا خدا آنان را بیامرزد. بلی "او همان نوری است که در تاریکی می‌درخشد" (یوحنا ۱: ۵) و قدوسیت خدا را ظاهر می‌سازد!

در مسیح محبت و توجه خدا نسبت به تک تک انسانها مشاهده می‌شود. وقتی که به عظمت آنچه خدا آفریده خیره می‌شویم از خود می‌پرسیم آیا ممکن است او به موجودی ناچیز چون من نظر داشته باشد و دعایم را

بشنود؟ جواب می‌شنویم "بلی،" زیرا فیض و محبت مسیح شامل حال تمام کسانی که او را می‌دیدند می‌شد. چنانکه در انجیل می‌بینیم، مردم دسته دسته پیش او می‌آمدند و او هرگز کسی را رد نکرد. بلی، امروز نیز محبت حیرت انگیز مسیح نمونه‌ای از محبت خدا برای ما می‌باشد.

در مسیح محبت خدا نسبت به گناهکاران مشاهده می‌شود. مسلم است خدائی که پاک و مقدس است از گناه و شرارت نفرت دارد ولی آیا او از گناهکاران نیز نفرت دارد و می‌خواهد آنان را نابود سازد؟ خیر، روش عیسی مسیح نسبت به گناهکاران خلاف این را ثابت کرد. او نه تنها به آنان حمله نکرد بلکه اغلب به خانه‌های آنان می‌رفت، با آنان غذا می‌خورد و به خاطر این رفتار او بود که لقب "دوست گناهکاران" به او داده شد. بلی در رفتار مسیح با گناهکاران و آمادگی او برای فداکاری بخاطر آنان است که عمق محبت خدا نسبت به گناهکاران دیده می‌شود.

در مسیح قدرت حیات بخش خدا را می‌بینیم. در انجیل می‌خوانیم که عیسی مسیح پس از مصلوب شدن و مرگ در قبر نماند بلکه روز سوم که یکشنبه بود از مردگان قیام کرد. به این جهت مسیحیان یکشنبه را که روز پیروزی مسیح بر مرگ است جشن می‌گیرند و خدا را برای قدرت حیات بخش او در مسیح شکر و سپاس می‌خوانند. خدا به کسانی که به مسیح ایمان آورده‌اند و روح او در آنان ساکن می‌باشد وعده می‌دهد که او با همان روح، بدنهای فانی آنان را زنده خواهد ساخت (رومیان ۸: ۱۱).

در عیسی مسیح خدا را چنانکه هست می‌بینیم. کتاب مقدس بارها عیسی مسیح را خدا خطاب کرده است. در اینجا، تنها به یکی از این الهامات روح القدس در کلام خدا اشاره می‌کنیم: "هدیه رایگان خدا که همانا نجات واقعی است، اکنون در دسترس همه مردم قرار دارد. با پذیرفتن این هدیه الهی، متوجه می‌شویم که خواست خدا از ما اینست که از زندگی بی‌بند و بار و خوش گذرانی‌های گناه‌آلود دست بکشیم و زندگی پاک و خدا پسندانه‌ای در این دنیا داشته باشیم. اگر چنین زندگی کنیم، می‌توانیم با امید و اشتیاق، منتظر روز مبارکی باشیم که در آن، خدای بزرگ و نجات دهنده‌مان عیسی مسیح با شکوه و جلال ظاهر خواهد شد. او جان خود را در راه گناهان ما فدا کرد تا ما را از آن وضع گناه‌آلودمان آزاد سازد، و از ما قومی خاص برای خود بوجود آورد، قومی که دلی پاک داشته، مشتاق خدمت به مردم باشند" (تیطس ۲: ۱۱-۱۴).

می‌دانیم که در عیسی مسیح نور خدا بر دنیای تاریک ما تابیدن گرفته است. زیرا در کتاب مقدس می‌خوانیم "خدا نور است" (اول یوحنا ۱: ۵). و عیسی مسیح می‌فرماید "من نوری هستم که به جهان آمده‌ام تا هر که به من ایمان آورد در تاریکی نماند" (یوحنا ۱۲: ۴۶). روح القدس نیز درباره این نور الهام کرده است که او: "همه آدمیان را نورانی می‌کند" (یوحنا ۱: ۹). می‌دانیم که نور منبع حیات است، و بدون آن زندگی وجود نخواهد داشت. عیسی مسیح هم که نور خدا است، منبع حیات جاودانی

می‌باشد و بدون او زندگی جاودانی نخواهیم داشت. در کتاب مقدس در این باره می‌خوانیم "می‌دانیم که فرزند خدا آمده و به ما ببینش داده تا خدای حقیقی را بشناسیم. و حالا ما در خدا هستیم، زیرا در فرزندش عیسی مسیح قرار گرفته‌ایم که تنها خدای حقیقی و حیات جاودانی است" (اول یوحنا ۵: ۲۰).

در خاتمه، می‌بینیم خداوند در کمال محبت، خود را بطور کامل در عیسی مسیح بر ما ظاهر ساخته است، مسیح نیز در این باره می‌فرماید: "کسی که مرا دید، پدر را دیده است" (یوحنا ۹: ۱۴). بنابراین هم اکنون راه شناخت خداوند باز است و مسیح بوسیله انجیل همه را دعوت می‌کند که ببینند و خدا را در او ببینند. اگر طالب شناخت خدا هستیم، باید دعوت مسیح را بپذیریم، به او ایمان بیاوریم، و با اطاعت از دستوراتش خدا را در او ببینیم.

شناخت خدا از طریق "روح القدس"

"در آغاز، هنگامی که خدا آسمانها و زمین را آفرید، زمین، خالی و بی‌شکل بود، و روح خدا روی توده‌های تاریک بخار حرکت می‌کرد" (سفر پیدایش ۱: ۱-۲). در اینجا می‌بینیم که روح خدا در آفرینش دست داشت. روح القدس قبل از صعود عیسی مسیح به آسمان، بر مردمان خدا برای دادن قدرت در انجام کارهای خارق العاده نزول می‌کرد، ولی بعد از صعود مسیح، بر کلیسای او نزول کرد تا در ایمانداران به او برای همیشه ساکن شود و آنان را پشتیبانی، هدایت و تقویت نماید. برای اینکه بیشتر با عظمت و قدرت خارق العاده خدا در نقش روح القدس آشنا شویم به کتاب مقدس مراجعه می‌کنیم و در آن می‌بینیم:

خدا در نقش روح القدس تمام کتاب مقدس را بر نویسندگان آن الهام فرموده است (دوم تیموتائوس ۳: ۱۶ و دوم پطرس ۱: ۲۱).

خدا در نقش روح القدس، کلام خدا را بر انسان مفهوم می‌گرداند. در کتاب مقدس در این مورد می‌خوانیم: "چشمان مرا بگشا تا از شریعت تو چیزهای عجیب بینم" (مزمور ۱۱۹: ۱۸).

خدا در نقش روح القدس، نه تنها ما را متوجه می‌سازد که همگی گناه کرده‌ایم و به آن کمال مطلوب و پرچالی که خدا انتظار دارد به آن برسیم، نرسیده‌ایم، (رومیان ۳: ۲۳) بلکه چاره‌رهای از گناه و عقوبت آن را نیز به ما نشان می‌دهد (یوحنا ۱۶: ۸).

خدا در نقش روح القدس، مسیح را جلال می‌دهد. یعنی او بزرگی و جلال مسیح را که همان بزرگی و جلال خداست، به ما نشان می‌دهد. همان گونه که نورافکنهای بسیار قوی، عظمت و ابهت بنای عظیمی را به خوبی منور و نمایان می‌سازند، روح القدس نیز جلال، ابهت و عظمت خارق العاده عیسی مسیح را به درون قلبهای ما می‌تاباند و ما را سرشار از خوشی می‌سازد. عیسی مسیح در انجیل یوحنا می‌فرماید: "او (روح القدس) مرا جلال خواهد داد زیرا که از آنچه از آن من است خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد" (یوحنا ۱۶: ۱۴). خدا در نقش روح القدس، با ایمانداران به مسیح شراکت دارد و آنان را رهبری و تعلیم می‌دهد و به آنان قدرت عطا می‌فرماید تا بر وسوسه‌های گناه و فریب‌های شیطان غلبه یابند. در کلام خدا در این باره می‌خوانیم: "او (روح القدس) که در شماست، بزرگتر است از آنکه (شیطان) در جهان (مردم دنیوی) است" (اول یوحنا ۴: ۴). برای اینکه از قدرت عظیم و لایزال روح القدس، قوت لازم را برای پیروزی بر "شهوت جسم و خواهش چشم و غرور

زندگانی" (اول یوحنا ۲: ۱۶) کسب کنیم باید این دو آیه از کلام خدا را در نظر داشته باشیم: اول مبادا با عدم توجه به نجوای روح القدس در مورد اطاعت از کلام خدا، او را برنجانیم (افسیان ۴: ۳۰)! دوم مبادا بدون تکیه بر هدایت روح القدس زندگی کنیم و از قدرت خارق العاده او بی بهره بمانیم (اول تسالونیکیان ۵: ۱۹)!

خدا در نقش روح القدس، نجات عظیم بوسیله عیسی مسیح را ثابت می‌گرداند. در کلام خدا می‌خوانیم که: این نجات را "ابتدا عیسی خداوند اعلام نمود، و بعد کسانی که آن را از دهان او شنیدند، آن را برای ما بازگو کردند. خدا نیز با علامات، کارهای شگفت انگیز، معجزات گوناگون و عطیاتی که روح القدس مطابق اراده خود می‌بخشد، صحت کلام ایشان را ثابت نمود" (عبرانیان ۲: ۳-۴). برخی از معجزاتی را که در قرن اول مسیحیت برای تشویق، تسلی، و تقویت ایمان ما صورت گرفت می‌توان در کتاب اعمال رسولان (۲: ۴۱) و (۳: ۱-۸) و (۵: ۱۲-۱۶) و (۹: ۱-۱۹) و (۱۳: ۴-۱۲) و (۱۴: ۸-۱۰) و (۱۶: ۱۶-۳۱) و (۱۹: ۱۱-۲۰) و (۲۱: ۷-۱۲) و (۲۸: ۱-۶) مطالعه نمود.

خدا در نقش روح القدس، بزرگترین معجزه را در زندگی هر ایماندار حقیقی به عیسی مسیح انجام می‌دهد. یعنی او را روحاً از نو می‌آفریند. عیسی مسیح درباره این معجزه بزرگ، به یکی از بزرگان قوم یهود فرمود: "تعجب نکن که به تو می‌گویم همه باید دوباره متولد شوند. باد هر جا که بخواهد می‌وزد. صدای آن را می‌شنوی اما نمی‌دانی از کجا می‌آید یا به کجا می‌رود. حالت کسی هم که از روح خدا متولد می‌شود همین طور است" (یوحنا ۳: ۷-۸).

آنچه مهم می‌باشد اینست که بدانیم آیا این معجزه در زندگی ما بوقوع پیوسته است یا نه؟ برای یافتن پاسخ بهتر است به کلام خدا مراجعه کنیم و در آن چنین بخوانیم: "کسی که از آن مسیح می‌گردد (یا در روح تولد تازه می‌یابد) تبدیل به شخص جدیدی می‌شود. او دیگر آن انسان قبلی نیست، او زندگی کاملاً تازه‌ای را آغاز کرده است" (دوم قرنتیان ۵: ۱۷).

توجه: در انجیل یوحنا، عیسی مسیح روح القدس را روح راستی می‌خواند (یوحنا ۱۴: ۱۷). و کلام خدا، در اعمال رسولان ۴: ۵ روح القدس را خدا و در اعمال رسولان ۷: ۱۶ او را روح مسیح خوانده است.

آماده شوید

شناخت خدای ناشناخته

عیسی مسیح به زن سامری فرمود: "شما ... آنچه را که نمی‌دانید می‌پرستید" (یوحنا ۴: ۲۲). و اکثر مردم به خدائی ایمان دارند که او را نمی‌شناسند. این عدم آشنائی با خدای واحد حقیقی، مختص این قرن نیست. در کلام خدا می‌خوانیم وقتی که پولس رسول در شهر آتن بود، مذبحی در تپهٔ مریخ می‌بیند که بر آن نام خدای ناشناخته نوشته شده بود، و به مردمی که این خدای ناشناخته را می‌پرستیدند می‌گوید: "آنچه را شما ناشناخته می‌پرستید، من به شما اعلام می‌نمایم. خدائی که جهان و آنچه در آن است آفرید، چونکه او مالک آسمان و زمین است در هیكل‌های ساخته شده به دستها ساکن نمی‌باشد" (اعمال رسولان ۱۷: ۲۳-۲۴).

برای شناختن این خدائی که برای اکثر مردم ناشناخته است به کتاب مقدس مراجعه می‌کنیم و در اولین آیهٔ آن می‌خوانیم: "در ابتدا، خدا (الوهیم) آسمانها و زمین را آفرید." الوهیم در زبان عبری که زبان اصلی تورات و سایر کتابهای عهد عتیق می‌باشد، کلمه‌ای است مرکب. بعضی از مفسرین که به تثلیث اقدس عقیده ندارند می‌گویند کسی که صاحب مقام و منزلت است وقتی از خود سخن بگوید ضمیر جمع "ما" را بکار می‌برد چنانکه در آیهٔ ۲۶ همان باب، خدا کلمهٔ "ما" را بکار برده است. ولی می‌دانیم که خدا بی‌نیاز است، و اوست که به همه نفس و حیات می‌بخشد و مقام و منزلت عطا می‌کند (اعمال رسولان ۱۷: ۲۵). بنابراین خدا احتیاج ندارد به خود جاه و جلال قائل شود زیرا خود او منبع جاه و جلال است! خدا را شکر که روح القدس در کتاب مقدس علت بکار بردن کلمهٔ "ما" برای خدا را، کاملاً مکشوف فرموده است:

در انجیل می‌خوانیم: "عیسی از جلیل به اردن نزد یحیی آمد تا از او تعمید یابد. اما یحیی او را منع نموده، گفت من احتیاج دارم که از تو تعمید یابم و تو نزد من می‌آئی؟ عیسی در جواب وی گفت: الان بگذار زیرا که ما را همچنین مناسب است تا تمام عدالت را بکمال رسانیم. پس او را وا گذاشت" (متی ۳: ۱۳-۱۵). سپس در صحنهٔ زیبای تعمید، این حقیقت تابناک انجیل یعنی "تثلیث اقدس"، بر همهٔ کسانی که در جستجوی شناخت حقیقت خدا می‌باشند مکشوف می‌شود: پدر، (صدائی از آسمان)، پسر، (در آب) و روح القدس، (به شکل کبوتر).

باز در انجیل می‌خوانیم که خدا پسر خود را "وارث جمیع موجودات قرار داد و بوسیلهٔ او عالم‌ها را آفرید" (عبرانیان ۱: ۲). در اغلب رویدادهای کتاب مقدس این همکاری مظاهر الوهیت با هم دیده می‌شود. مثلاً در امر

نجات انسانها، می‌بینیم که "پدر"، از محبت خود طرح نجات انسانها را از دام هولناک گناه و عواقب شوم آن ریخت. "پسر"، در اثر فیض بی‌کرانش با آمدن به این جهان و مرگ بر صلیب، این طرح را به مرحله اجرا درآورد، و "روح القدس"، ایمانداران به مسیح را تولدی نو در روح عطا می‌فرماید.

درک مفهوم تثلیث اقدس، از محالات است، زیرا ما انسانها محدود هستیم و خدا نامحدود. تثلیث سرّی از اسرار خداوندی می‌باشد که با علم و منطق انسانی هرگز قادر به درک آن نخواهیم بود. خداوند این سرّ را بوسیله روح القدس بر کسانی که به مسیح ایمان می‌آورند و از او اطاعت می‌کنند مکتشف می‌سازد.

وقتی که در مفهوم عبارت "کثرت در وحدت" یا "سه در یک" فکر می‌کنیم، به یاد فرمان مسیح در آخر باب بیست هشت متی می‌افتیم که می‌فرماید: بروید و تمام ملت‌ها را شاگرد من سازید و ایشان را به اسم پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید. در این فرمان مسیح می‌بینیم که هر چند عیسی مسیح از سه اقنوم تثلیث یک به یک نام می‌برد ولی در جمع، ضمیر مفرد اسم را به کار برده است. چرا؟ زیرا این سه اقنوم یا مظهر تثلیث، از چنان ماهیتی برخوردارند که می‌توانند با یکدیگر وارد رابطه شخصی شوند و هماهنگی کامل برقرار سازند. در این رابطه، اگر بدقت توجه کنیم مفهوم اسم هر شخص، رل او را در هماهنگی کامل در تثلیث و در ارتباط با انسانها به وضوح آشکار می‌کند:

در مفهوم اسم "پدر" می‌بینیم که طبق کلام خدا او عملاً در کنترل است. او قادر مطلق، دانای مطلق، و در همه جا می‌باشد: "همه چیز از او صادر می‌شود." کلام خدا اغلب او را "خدا" خوانده است. او عیسی مسیح و روح القدس را به دنیا فرستاد. عیسی مسیح در انجیل این حقیقت را چنین فاش می‌سازد: "و اگر من حکم دهم، حکم من راست است، از آنرو که تنها نیستم بلکه من و پدری که مرا فرستاد" (یوحنا ۸: ۱۶). همچنین در جای دیگر می‌فرماید: "لیکن تسلی دهنده یعنی روح القدس که پدر او را به اسم من می‌فرستد، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد" (یوحنا ۱۴: ۲۶).

در مفهوم اسم "پسر" می‌دانیم که پسر اغلب شبیه پدر است و در رابطه با مسیح می‌بینیم که او کاملاً شبیه خدای پدر می‌باشد. در انجیل می‌خوانیم:

"مسیح چهره دیدنی خدای نادیده است" (کولسیان ۱: ۱۵). و همچنین: "فرزند خدا، منعکس کننده جلال خدا و مظهر دقیق وجود اوست" (عبرانیان ۱: ۳). مسیح در مورد خود می‌فرماید: "اگر مرا می‌شناختید پدر مرا نیز می‌شناختید ... هر که مرا دید پدر را دیده است ... من در پدر هستم و پدر در من است" (یوحنا ۱۴: ۷-۹-۱۰). در جایی دیگر عیسی مسیح می‌فرماید: "پدر همه چیز را به من سپرده است و هیچ کس جز پدر، پسر را نمی‌شناسد و هیچ کس پدر را نمی‌شناسد بجز پسر و کسانی که پسر بخواهد پدر را به ایشان بشناساند" (متی ۱۱: ۲۷). باز هم در انجیل می‌خوانیم: "کسی هرگز خدا را ندیده است اما آن فرزند یگانه‌ای که در ذات پدر و از همه به او نزدیکتر است او را شناسانیده است" (یوحنا ۱: ۱۸). همچنین، نباید این حقیقت تابناک الهام روح القدس را از یاد برد که می‌فرماید: "زیرا اراده خدا بر این تعلق گرفت که او (پسر) دارای الوهیت کامل باشد" (کولسیان ۱: ۱۹).

در مفهوم اسم "روح القدس" می‌دانیم که او "روح راستی" و "تسلی دهنده" است. در باره او در انجیل می‌خوانیم: "آنچه را که هرگز چشمی ندیده و گوشی نشنیده و به خاطر انسان خطور نکرده است، خدا برای دوستداران خود مهیا نموده است. خدا این همه را بوسیله روح خود از راه الهام به ما آشکار ساخته است زیرا روح القدس همه چیز حتی کنه نیات الهی را کشف می‌کند. کیست که بهتر از روح شخص با باطن او آشنا باشد؟ به همان طریق هیچ کس جز روح خدا با خدا آشنا نیست" (اول قرن‌تینان ۲: ۹-۱۱).

در خاتمه آنچه مایه دل‌داری ما می‌باشد این حقیقت است که این خدای واحد هرگز قوم خود را تنها نگذارده و نخواهد گذارد. او در نقش "پدر"، محبت بی‌پایان خود را بر آنان ظاهر ساخته و می‌سازد، در نقش "پسر"، فیض بی‌دریغ خود را به فراوانی به آنان عطا کرده و می‌کند، و در نقش "روح القدس"، آنان را پشتیبانی و هدایت کرده و می‌کند.

آماده شوید

خدای کامل و انسان کامل

در کلام خدا می‌خوانیم: "بدون ریختن خون، آمرزش گناهان وجود ندارد" (عبرانیان ۹: ۲۲). چرا؟ برای اینکه خداوند که عادل مطلق است، در اجرای عدالت خود می‌فرماید: "هر کسی که گناه ورزد او خواهد مرد" (حزقیال ۴: ۱۸) یعنی جانش را از دست خواهد داد یا خونس ریخته خواهد شد. طبق کلام خدا: "همه گناه کرده‌اند" (رومیان ۳: ۲۳). بنابراین می‌بایست خون همه ریخته شود، مگر اینکه چاره‌ای برای این درد بی‌درمان گناه پیدا شود. خدا را شکر که او از محبت کامل و بی‌کران خود که "فوق از عقل" است، این چاره را قبل از بنیاد عالم مهیا نمود (اول پطرس ۱: ۲۰-۲۱ و مکاشفه ۸: ۱۳). می‌دانیم که هیچ انسانی نمی‌تواند چاره این گناه باشد، یعنی در راه بخشیدن گناه دیگران خونس را بریزد. زیرا چنانکه گفتیم همگی گناهکاریم و می‌بایست برای گناه خود بمیریم بجز انسانی که از هر گناه پاک و مبرا باشد. برای حل این مشکل لازم بود که تنها خدا که هم از هر گناه پاک و مبرا است و هم تنها اوست که می‌تواند برای همه جان فدا کند (زیرا اوست که به همه زندگی می‌بخشد) به شکل انسان درآید.

در انجیل در این باره می‌خوانیم که خدا در نقش "پسر" این کار را انجام داد: "مسیح نیز زحمت دید. او خود از هر گناهی مبرا بود، اما یک بار جان خود را در راه ما گناهکاران فدا کرد تا ما را به حضور خدا بیاورد" (اول پطرس ۳: ۱۸).

در کتاب مقدس آیات زیادی وجود دارند که بوسیله آنها این راز الوهیت پیشگوئی شده بود و آیات دیگری هم هست که وقوع این پیشگوئیها را بشارت داده‌اند. که اینک به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

در کتاب اشعیا می‌خوانیم: "برای ما ولدی زائیده و پسری به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود و اسم او عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد" (اشعیا ۹: ۶).

این آیه نه تنها عیسی مسیح را خدا معرفی می‌نماید بلکه انسانیت و الوهیت او را نیز بر ما مکشوف می‌گرداند. عبارت "ولدی برای ما زائیده شد" اشاره بر انسانیت عیسی مسیح می‌کند و عبارت "پسری به ما بخشیده شد" اشاره بر الوهیت او می‌نماید. (در این جا "پسر" همان اقنوم دوم از تثلیث اقدس می‌باشد که او را "خدای قدیر" و "پدر سرمدی" می‌خوانند).

در انجیل یوحنا باب اول، آیه اول می‌خوانیم "در ازل کلمه بود، کلمه با خدا بود و کلمه خود خدا بود." در آیه ۱۴ همین باب می‌خوانیم: "کلمه انسان شد و در میان ما ساکن گردید." در انجیل متی هم در این باره می‌خوانیم: "اینک باکره آبستن شده پسری خواهد زائید (انسانیت مسیح) و نام او را عمانوئیل خواهند خواند که تفسیرش این است: خدا با ما (الوهیت مسیح)" (متی ۱: ۲۳).

روح القدس این دو جنبه از شخصیت مسیح یعنی جنبه الهی و انسانی او را در رساله به فیلیپیان چنین الهام فرموده است: مسیح عیسی ... "که چون در صورت خدا بود، با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد، لیکن خود را خالی کرده، صورت غلام را پذیرفت و در شباهت مردمان شد. و چون در شکل انسان یافت شد، خویشتن را فروتن ساخت و تا به موت بلکه تا به موت صلیب مطیع گردید. از این جهت خدا نیز او را بغایت سرافراز نمود و نامی را که فوق از جمیع نامها است، بدو بخشید. تا به نام عیسی هر زانوئی از آنچه در آسمان و بر زمین و در زیر زمین است خم شود، و هر زبانی اقرار کند که عیسی مسیح، خداوند است برای تمجید خدای پدر" (فیلیپیان ۲: ۵-۸).

آماده شوید

"ذات پروردگار"

پدر- پسر- روح القدس

این سه شخصیت (اقنوم) از خدا، هر چند در ذات و جوهر یکسان بوده و هدف و اراده آنان یکی است، ولی در عین حال از همدیگر متمایز می‌باشند. هیچ کدام از دیگری بیشتر و یا کمتر خدا نیست، ولی سه خدا را تشکیل نمی‌دهند بلکه یک خدای واحد حقیقی که هرگز از هم جدا و یا تفکیک نشده و نخواهد شد. به علت اهمیت فوق العاده‌ای که این حقیقت در زیربنای ایمان مسیحی دارد باید حقیقت آن را مورد بررسی دقیق قرار دهیم:

منظور از "یک در سه، و سه در یک" این نیست که خدا خود را گاه بصورت پدر، گاه بصورت پسر و گاه بصورت روح القدس متجلی می‌سازد. بلکه منظور اینست که هر یک از این سه مظهر همزمان وجود دارند و هر کدام نقش خاصی را در رابطه با انسان ایفا می‌کند. این همکاری را می‌توان در تولد معجز آسای مسیح (لوقا باب اول)، صحنه تعمید مسیح (متی باب سوم)، و معجزه تولد تازه روحانی (یوحنا باب سوم) و همچنین تیطس ۳: ۵-۶ بوضوح تمام مشاهده نمود.

درک و فهم این راز خدای نامحدود برای ما انسانهای محدود غیر ممکن است و هرگز نمی‌توانیم به آن دست یابیم مگر اینکه از طرف خدا بر ما مکشوف گردد. بنابراین برای کشف این راز خداوندی، باید به کتاب مقدس که مکاشفه خدا می‌باشد مراجعه کنیم و در آن بخوانیم: "فیض عیسی مسیح خداوند، محبت خدا و رفاقت روح القدس، با همه شما باد آمین" (دوم قرنتیان ۱۳: ۱۳).

این آیه به ما نشان می‌دهد که خدای ما خدائی است با سه تجلی یا (اقنوم). در فرمان بزرگ مسیح می‌خوانیم: "پس بروید تمام قومها را شاگرد من سازید، و ایشان را به اسم پدر، پسر و روح القدس غسل تعمید دهید" (متی

۱۹:۲۸). در این فرمان مسیح می‌بینیم که خدای ما خدائی است واحد. در جایی دیگر از کتاب مقدس می‌خوانیم که عیسی مسیح، خدا را خدای واحد حقیقی می‌خواند و در دعای خود به او می‌گوید: "حیات جاودانی این است که ترا خدای واحد حقیقی و عیسی مسیح را که فرستادی بشناسند" (یوحنا ۱۷:۳).

در مورد صفات خداوندی نیز در کتاب مقدس می‌بینیم که هر چند خدای پدر با صفت محبت، خدای پسر با صفت فیض، و خدای روح القدس با صفت مشارکت مشخص می‌شوند ولی هر سه اقنوم بطور کامل از این صفات برخوردار می‌باشند.

آیا این عجیب نیست که انسان هم که به شباهت روحانی خدا آفریده شده، تشنهٔ محبت، محتاج فیض و شیفتهٔ مشارکت است. او می‌تواند در اثر فیض عظیم خدا، با ایمانی راسخ به مسیح و زیستن با پیوندی ناگسستی با او، این صفات را در حد کمال در خدا بیابد و در او کامل شود. این تنها راه موفقیت در اجرای این فرمان بسیار مهم مسیح می‌باشد که می‌فرماید: "کامل باشید، همانگونه که پدر آسمانی شما کامل است" (متی ۴۸:۵).

آماده شوید

تثلیث اقدس

مذاهب، کلاً ساخته افکار انسان می‌باشند. انسان می‌خواهد با عقل و علم ناقص و محدود خود خدائی را که عقل کل و نامحدود می‌باشد بشناسد و او را بپرستد. البته این از محالات است مگر اینکه فردی مانند اکثر مردم نداند که خود را گول زده است و دلش به این خوش باشد که خدائی را که پرورده ذهن و دلخواه انسانی خود می‌باشد بپرستد و این آیه کلام خدا را که: "مردم درباره وجود خدا و اراده او عقاید احمقانه‌ای ابداع می‌کنند، به همین علت ذهن نادانشان تاریک و مغشوش است" (رومیان ۱: ۲۱) به خود اختصاص دهد. در مسیحیت اعتقاد بر این است که خدای نامحدود خود را به انسان در محبت، فیض و هدایت خود، شناسانیده است. از این جهت مسیحیت تنها راه رسیدن به خدا می‌باشد. زیرا تنها بوسیله آن می‌شود خدا را شناخت و با او رابطه روحانی ابدی برقرار ساخت. چگونه؟ با مطالعه دقیق کتاب مقدس، اطاعت از دستورات آن و با درخواست هدایت از روح القدس در دعا، و ایمان بر اینکه خدای واحد حقیقی تنها و فقط در این کتاب که از الهام روح خود اوست، خود را بر انسان مکتشف فرموده است:

او در نقش "پدر" تمام هستی را در کنترل خود دارد (دو باب اول سفر پیدایش).

او در نقش "پسر" نه تنها تمام هستی را بوجود آورد (کولسیان ۱: ۱۶) بلکه تمام کسانی را که به انجیل ایمان می‌آورند را نجات می‌بخشد (یوحنا ۱: ۱۶).

او در نقش "روح القدس" نه تنها کلام خدا را بر نویسندگان آن الهام فرمود (دوم پطرس ۱: ۲۱) بلکه کسانی را که به مسیح ایمان می‌آورند، تولدی تازه در روح عطا می‌فرماید (تیتس ۳: ۵). این سه اقنوم خدا، یعنی پدر، پسر، و روح القدس را تثلیث اقدس می‌خوانند که همان خدای واحد حقیقی می‌باشد.

هر چند درک و فهم کامل این حقیقت تابناک آسمانی برای ما غیر ممکن است، ولی با هدایت روح القدس در مطالعه کتاب مقدس، می‌توان از طرز کار این سه نقش، مظهر، جلوه، و یا بقول هاتف اصفهانی آئینه* از خدا، که هر چند متمایز از یکدیگر، ولی همیشه با هم در کار می‌باشند، پی به وجود خدا برد و با اطمینان کامل به او ایمان آورد و رستگار شد و گرنه هرگز نمی‌توان خدا را شناخت و به او رسید!

* در سه آئینه شاهد ازلی/ پرتو از روی تابناک افکند/ سه نگردد بریشم ار او را/ پرنیان خوانی و حریر و پرند.

آماده شوید

آیا خدا وجود دارد و آیا زندگی بعد از مرگ یک واقعیت است؟

یکی از دوستان که بارها در مجالس عبادتی کلیساها شرکت کرده، بارها نقشه نجات بوسیله عیسی مسیح را شنیده و کتاب مقدس را نیز در اختیار دارد، اظهار داشت: "خدا یعنی چی، بهشت کجا قرار دارد؟" و با لهجه و زبان محلی خود افزود "این چیزها سر ما نمیشه." در پاسخ به سوالات وی و کسانی که مانند او فکر می‌کنند باید گفت: آنان سخت در اشتباه هستند زیرا می‌خواهند با دانش محدود و عقل ناقص خود خدائی را که نامحدود و دانای مطلق می‌باشد ارزیابی نمایند. همه ما می‌دانیم که این محال است. به قول معروف "کس نگشود و نگشاید به حکمت این معما را."

در انجیل در این باره می‌خوانیم: "دولتمندی خدا چقدر عظیم و حکمت و معرفت او چقدر عمیق است. هدفهای او غیر قابل درک و راههای او غیر قابل فهمند" (رومیان ۱۱: ۳۳). بنابراین، چاره چیست و چگونه می‌توانیم به این دوست ما پاسخ بدهیم؟ بیایید با یکدیگر رو راست باشیم. تنها راهی که به وسیله آن می‌توان کاملاً خاطر جمع بود که خدا هست، اینست که خدا خود را در میان ما ظاهر سازد و تنها راهی که بوسیله آن می‌توانیم از واقعیت زندگی بعد از مرگ اطمینان حاصل نمائیم اینست که کسی بطور آشکار بعد از مرگ زنده شود!

خوشبختانه، اینها همان وقایعی است که اتفاق افتاده و خدا را شکر که او ما را در وادی حدس و گمان باقی نگذاشته تا کورکورانه به این حقایق ایمان بیاوریم بلکه ایمان ما را بر صخره مستحکم حتم و یقین بنا نموده است. این صخره مستحکم همان "هستم آنکه هستم" (خروج ۳: ۱۴) می‌باشد، که عیسی مسیح راز آنرا این چنین بر ما فاش می‌سازد: "یقین بدانید که پیش از تولد ابراهیم، من بوده‌ام و هستم" (یوحنا ۸: ۵۸). بلی کتاب مقدس به صراحت تمام پرده از این راز آسمانی برداشته و به دنیا اعلام می‌کند که خدا از آسمان پائین آمده "در جسم ظاهر شد" (اول تیموتائوس ۳: ۱۶) و بر روی زمین راه رفته است. اگر چه قبول این حقیقت برای بسیاری دشوار می‌باشد و برای گریز از روبرو شدن با آن، همانند دوست ما می‌گویند، "این چیزها سر ما نمیشه،" ولی اگر به کتاب

مقدس مراجعه نمایند و آن را با درخواست هدایت از روح القدس مورد مطالعه قرار دهند، این حقیقت تابناک بر آنان نیز مکشوف خواهد شد.

در مورد زندگی پس از مرگ نیز، عیسی مسیح ایمان ما را مستحکم می‌سازد و می‌فرماید: "چون من زنده‌ام شما نیز خواهید زیست" (یوحنا ۱۴:۱۹). می‌دانیم که مسیح سه روز پس از مرگ زنده شد و تا ابد زنده است. انجیل این حقیقت را این چنین فاش می‌سازد: "لیکن بالفعل (یعنی در حقیقت) مسیح از مردگان برخاسته و نوبر خوابیدگان شده است" (اول قرنتیان ۱۵:۲۰).

مرگ عیسی مسیح بر روی صلیب، قربانی و کفاره برای آمرزش گناهان ما بود، و قیام او از مردگان نشان داد که خدا این قربانی را پذیرفت. در نتیجه کسانی که به عیسی مسیح ایمان بیاورند و از گناهان خود با پشیمانی توبه نمایند، و در دعا از خدا بخواهند تا آنان را بیمارزد، آمرزیده خواهند شد و صاحب زندگی جاودانی خواهند گردید. بلی روزی خواهد رسید که تمام آنانی که زندگی خود را به عیسی مسیح تسلیم کرده و او را منجی و مولای خود می‌دانند و از موت به حیات منتقل شده‌اند (یوحنا ۵:۲۳)، همانند او زنده خواهند شد و با بدنی آسمانی و جلال یافته برای همیشه با مسیح در بهشت زندگی خواهند کرد.

آماده شوید

آیا عیسی مسیح فرموده است که بعد از او پیامبری دیگر می‌آید؟

برای پاسخ، به کتاب انجیل مراجعه می‌کنیم و در آن می‌بینیم که عیسی مسیح می‌فرماید: "و من از پدر درخواست خواهم کرد و او پشتیبان دیگری به شما خواهد داد که همیشه با شما بماند یعنی همان روح راستی که جهان نمی‌تواند بپذیرد، زیرا او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد ولی شما او را می‌شناسید، چون او پیش شما می‌ماند و در شما خواهد بود" (یوحنا ۱۴: ۱۶-۱۷). کسانی که شایعه آمدن پیامبر دیگر بعد از مسیح را عنوان می‌کنند یا دسترسی به کتاب انجیل نداشته، و یا نمی‌خواهند آنرا بررسی نمایند تا حقیقت را بیابند. آنان می‌گویند که منظور مسیح از کلمه پشتیبان، کسی است که بعد از مسیح به پیامبری مبعوث خواهد شد. در صورتی که در آیات فوق می‌بینیم، مسیح فرمود پیامبر، بلکه فرمود روح راستی خواهد آمد. همچنین مسیح فرمود پشتیبان (پاراکلیتس) دیگری خواهد آمد. در اینجا باید بدانیم، که در زبان یونانی که انجیل به آن زبان به رشته تحریر در آمده، کلمه "دیگر" دو معنی مختلف پیدا می‌کند. یک معنی آن "یکی دیگر" است و معنی دیگر آن، "دیگری که همانند است" می‌باشد. کلمه‌ای که در زبان یونانی برای دیگر در آیه فوق بکار رفته است به معنی "دیگری که همانند است" می‌باشد. زیرا عیسی مسیح و روح راستی که همان روح القدس است، همانند هستند، یعنی دو شخصیت از خدای واحد حقیقی (پدر، پسر، و روح القدس)

در دو آیه فوق باز هم می‌بینیم که عیسی مسیح می‌فرماید "چون او را نمی‌بیند" و همچنین "در شما خواهد بود." اگر منظور مسیح آمدن پیامبر دیگر بود آیا این دو گفته را بکار می‌برد؟ خیر! از طرف دیگر، عیسی مسیح که بعد از قیام از مردگان بر شاگردانش ظاهر می‌شد، قبل از صعود به آسمان به آنان فرمود: "از اورشلیم جدا مشوید بلکه منتظر آن وعده پدر باشید که از من شنیدید" (اعمال رسولان ۱: ۴). می‌دانیم که این وعده، همان وعده فرستادن روح القدس بر آنان بود. آیا منظور مسیح از این انتظار صدها سال بود؟ خیر! زیرا می‌خوانیم که بعد از ده روز روح القدس بر آنان نزول کرد که چگونگی آن در باب دوم اعمال

رسولان به تفصیل نوشته شده است. همچنین مسیح در (اعمال رسولان ۴: ۵) به شاگردانش می‌فرماید: "منتظر آن وعده باشید زیرا با روح القدس تعمید خواهید یافت." (تعمید نشانه عوض شدن باطن انسان بوسیله روح القدس است.) بنابراین آن وعده همان نزول روح پاک خدا یا روح القدس بود زیرا "خدا بوسیله روح القدس، به ما تولدی تازه و حیاتی نو بخشید" (تیطس ۳: ۵).

آماده شوید

فرق مذهب و مسیحیت چیست؟

مسیحیت چنانکه بعضی می‌پندارند مذهب نیست، بلکه تنها راه و رابطه بین خدا و انسان است، که از خود خدا شروع می‌شود و به خود خدا می‌رسد. در مذهب، انسان می‌خواهد با اجرای قوانینی چند به خدا برسد، ولی می‌دانیم که این کار امکان پذیر نیست. در مسیحیت خدا به سوی انسان می‌آید و انسان هیچ نقشی در برقراری رابطه با خدا ندارد جز اینکه به آنچه درباره این رابطه در کتاب مقدس بر دنیا مکتشف شده است ایمان بیاورد. می‌دانیم این ایمان به خاطر مسیح به ما عطا می‌شود (فیلیپیان ۱: ۲۹) و از ما سرچشمه نمی‌گیرد (افسیان ۸: ۲).

این رابطه روحانی با خدا چگونه برقرار می‌شود؟ مذهب جواب می‌دهد: انسان با انجام اعمال نیک خود می‌تواند به خدا برسد. ولی خدا در کلامش می‌فرماید "حتی کارهای خوب ما نیز تماماً به گناه‌آلوده است" (اشعیا ۶۴: ۶). یعنی اعمال نیک ما نمی‌توانند لکه‌های گناه را که بهر حال در همه ما وجود دارند پاک کنند تا شایسته آن باشیم که خدائی که پاک و قدوس است با ما رابطه روحانی برقرار نماید. برای درک این حقیقت، اعمال نیک را به آب تشبیه می‌کنیم و گناه را به روغن سیاه. اگر حوضی را پر از آب زلال کنیم و قطره‌ای روغن در آن بریزیم روغن بر سطح آب می‌ماند. حال اگر برای از بین بردن روغن، مجدداً به این حوض آب اضافه کنیم، باز قطره روغن بر سطح آب باقی خواهد ماند. افزودن بر حجم آب هرگز نمی‌تواند آن قطره روغن را از بین ببرد. به همین نحو، لکه گناه که در ما است، با انجام اعمال نیک از بین نخواهد رفت. از طرف دیگر، طبق کلام خدا، "خدا مجرم را هرگز بی‌سزا نخواهد گذاشت" (سفر اعداد ۱۴: ۱۸).

می‌دانیم که خداوند سزای گناه را مرگ (ریختن خون) تعیین فرموده است. به همین دلیل بارها در کلام خدا می‌خوانیم: "بدون ریختن خون، هیچ گناهی بخشیده نمی‌شود" (عبرانیان ۹: ۲۲). اغلب می‌شنویم "خدا بخشنده مهربان است،" در نتیجه گناه را جدی نمی‌گیریم و ارتکاب آن برای بعضی مثل آب خوردن شده است. چرا؟ چون فراموش می‌کنیم که خدا در عین حالی که بخشنده و مهربان است، عادل مطلق هم می‌باشد. او هر بی‌اطاعتی از کلام خود را گناه می‌داند و مانند داور عادل هرگز از گناه

چشم پوشی نخواهد کرد. عیسی مسیح در این باره می‌فرماید: "هرکس برادر خود را احمق بخواند مستوجب آتش جهنم خواهد بود" (متی ۲۲:۵). بلی خدا تا این درجه از گناه نفرت دارد! بنابراین همگی در پیشگاه عدل خدائی محکوم به مرگ می‌باشیم و مذهب هم در این باره راه حلی به ما نشان نمی‌دهد.

در مورد انجام اعمال نیک هم باید بدانیم که "خدا ما را در مسیح عیسی از نو آفریده است تا آن کارهای نیکوئی را که او قبلاً برای ما مقدر فرموده است انجام دهیم" (افسیان ۲:۱۰). کارهای نیکویی که بدون بوجود آمدن این تولد جدید روحانی در ما انجام می‌گیرند، در پیشگاه عدل خدائی اجری در بر نخواهند داشت.

خدا در کلامش می‌فرماید: "خیال دل انسان از طفولیت بد است" (سفر پیدایش ۸:۲۱). یعنی انسان انگیزه گناه را از آدم و حوا به ارث برده و گناه بر او مسلط می‌باشد. مادامی که او از زیر تسلط گناه رهایی نیافته است، قادر نخواهد بود شخصاً با خدای پاک و قدوس رابطه روحانی داشته باشد. (ظلمت و روشنایی با هم سازگار نمی‌باشند). پس چاره چیست؟ چاره را تنها کتاب مقدس نشان می‌دهد و این رویداد واقعی درک آن را آسان می‌سازد: در کالیفرنیا، روزی قاضی عادل بر مسند داوری نشسته بود. ناگهان متوجه شد که پسرش را به محل دادگاه آوردند و در صف مجرمین در مقابل او قرار دادند. قاضی دلش بحال او سوخت، ولی با وجود این حکم محکومیت و میزان جریمه او را صادر کرد. منتها چون دید پسرش نمی‌تواند جریمه را بپردازد و باید به زندان برود، ردای قضاوت را از تن خود بیرون آورد، از مسند داوری پائین آمد و در صف مجرمین قرار گرفت. او جریمه پسرش را پرداخت و او را آزاد کرد. آنگاه مجدداً بالا رفت و بر مسند داوری خود نشست.

خدا که داور عادل است، همین کار را در حق ما انجام داده است. این کار او، بر مبنای این سه حقیقت کلام خدا انجام گرفت:

۱- خدا خواهان داشتن رابطه با انسان است. به این جهت "خدا انسان را به شباهت خود آفرید" (پیدایش ۱:۲۷) تا با او در رابطه باشد.

۲- "خدا محبت است" (اول یوحنا ۴:۸). خدا در محبت عظیم خود وقتی که دید انسانی را که برای خود آفریده است به گناه آلوده شده و دارد با پای خود به هلاکت ابدی می‌رود، دلش بحال او سوخت و از آسمان به زمین آمد تا جریمه گناه او را بپردازد و مجدداً با او رابطه برقرار نماید. کلام خدا می‌فرماید: "خدا در مسیح بود و مردم را به آشتی با خود فرا می‌خواند تا گناهانشان را ببخشاید" (دوم قرنتیان ۵:۱۹).

بلی، مسیح "در صورت خدا بود، با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد، لیکن خود را خالی کرده، صورت غلام را پذیرفت و در شباهت مردمان شد" (فیلیپیان ۲:۶-۷)، تا با ریختن خون خود بر صلیب، جریمه گناه انسان را بپردازد. او مرد و مدفون گردید و روز سوم از مردگان

برخاست و بعد از چهل روز که بر شاگردانش ظاهر می‌شد، به آسمان صعود نموده در بالاترین مکان عزّت و افتخار به دست راست خدا نشست. مسیح بوسیله روح خود در قلب ایمانداران زندگی می‌کند و آنان را قدرت می‌بخشد تا همواره در رابطه روحانی با او "که برای ایشان مرد و برخاست" (دوم قرنتیان ۵: ۱۵) زندگی کنند.

عیسی مسیح در انجیل می‌فرماید: "من راه و راستی و حیات هستم، هیچ کس جز بوسیله من نزد پدر نمی‌آید" (یوحنا ۱۴: ۶). پولس رسول نیز با الهام گرفتن از روح القدس چنین بیان می‌کند: "زیرا یک خدا و یک واسطه بین خدا و انسان وجود دارد، یعنی شخص عیسی مسیح" (اول تیموتائوس ۲: ۵).

۳- "نزد خدایچه امری محال نیست" (لوقا ۱: ۳۷). او در نقش پدر پرمحبت، روح القدس پرقدرت را بوسیله عیسی مسیح پرفیض، به ایمانداران به مسیح عطا می‌فرماید تا با راهنمایی او (یعنی روح القدس) در اطاعت از کلام خدا، طرز تفکر و نحوه زندگی آنان کلاً تغییر یابد و به اشخاصی جدید در مشارکت روحانی با خدا تبدیل شوند. اینست مفهوم واقعی مسیحیت یعنی: راه و ارتباطی که از خود خدا شروع می‌شود و به خود خدا می‌رسد.

آماده شوید

آیا واقعاً عیسی مسیح پسر خدا است؟

برای پاسخ به این سوال، ابتدا باید بدانیم که "خدا روح است" (یوحنا ۴:۲۴). بنابراین، هرگز نباید اصطلاح پسر خدا را از لحاظ جسمانی تعبیر کنیم، بلکه باید به کتاب مقدس مراجعه کنیم تا در آن با هدایت روح القدس برای این سؤال بسیار مهم پاسخ بیابیم:

در انجیل می‌خوانیم "فرشته به مریم گفت: "روح القدس بر تو خواهد آمد و قدرت خدای متعال بر تو سایه خواهد افکند و به این سبب آن نوزاد مقدس، پسر خدا نامیده خواهد شد" (لوقا ۱:۳۵). در اینجا می‌بینیم که عیسی مسیح از یک رابطه جنسی انسانی و یا از شراکت خدا و انسان بوجود نیامد، بلکه تنها به اراده و خواست خدا از مریم باکره به دنیا آمد و به این علت است که او را پسر خدا می‌خوانند و آن کاملاً جنبه روحانی دارد. باید توجه کرد که این اسم یعنی "پسر خدا" را، خدا بوسیله فرشته خود بر عیسی مسیح گذاشت. البته نباید این حقیقت تابناک انجیل را نادیده گرفت، که مسیح قبل از اینکه جسم بگیرد، "پسر" در تثلیث اقدس بود "لیکن خود را خالی کرده ... در شباهت مردمان شد" (فیلیپیان ۲:۷).

می‌دانیم که فرزند حقیقی اغلب شخصیت پدر را منعکس می‌کند. عیسی مسیح نیز چون در ماهیت و ذات با خدا یکسان است، در زندگی زمینی خود، خدا را آنطور که هست بر جهانیان مجسم می‌کرد. از این جهت در انجیل می‌خوانیم که خدا سه بار در باره او فرمود: "این است پسر عزیز من که از او خوشنودم. به او گوش دهید".

می‌دانیم که پسر وارث پدر خود می‌باشد، بنابراین آنچه به خدا تعلق دارد از آن مسیح است. در انجیل می‌خوانیم: "خدا اراده فرمود که الوهیت کامل او در وجود فرزندش قرارگیرد" (کولسیان ۱:۱۹). عیسی مسیح پسر روحانی خدا می‌باشد، یعنی: "چهره دیدنی خدای نادیده" (کولسیان ۱:۱۵).

مسیح زنده هم اکنون بوسیله انجیل به دنیا اعلام می‌دارد: "کسی که مرا دید پدر را دیده است" (یوحنا ۹:۱۴). بلی، عیسی مسیح نه تنها پسر عزیز خداست، بلکه "مظهر دقیق وجود اوست" (عبرانیان ۱:۳).

آماده شوید

زندگی مسیحانی

ادبیات بسیار غنی ایرانی همیشه موجب افتخار و سربلندی ما ایرانیان بوده و می‌باشد. سبکهای متنوع و آثار گوناگون شعرای نامی ایران همواره زبانزد خاص و عام است. این گنجینه‌های گرانبهای ادبی، علاوه بر نوازش روح حساس و طبع لطیف خوانندگان، بسا اوقات حاوی معانی و مطالب بسیار عمیق روحانی نیز می‌باشند. نمونه‌ای از آن، قطعه شعر زیبایی زیر است که شاید چشم اندازی از نجات انسان بوسیله عیسی مسیح را در قالب کلماتی بسیار ساده و معمولی مجسم می‌نماید و بی‌اختیار خواننده را در حالتی شیرین و بس روحانی و آسمانی فرو می‌برد:

خوشا دردی که در مانش تو باشی

خوشا راهی که پایانش تو باشی

خوشا چشمی که رخسار تو ببیند

خوشا ملکی که سلطانش تو باشی

برای یافتن راه، راهی که به آینده پر جلال یعنی بهشت خدا می‌انجامد، به عیسی مسیح گوش فرا دهیم که می‌فرماید: "من راه و راستی و حیات هستم، هیچ کس جز به وسیله من نزد پدر نمی‌آید" (یوحنا ۱۴: ۶).

برای دیدن او، یعنی عیسی مسیح، باز در کلام خدا می‌خوانیم: "می‌دانیم که وقتی مسیح ظهور کند، ما مثل او خواهیم بود زیرا او را آنچنان که هست خواهیم دید" (اول یوحنا ۳: ۲).

برای ماندن تا به ابد در ملک او، بیاد آوریم که مسیح فرمود: "در خانه پدر من منزل‌های بسیاری هست. اگر چنین نبود، به شما می‌گفتم. من می‌روم تا مکانی برای شما آماده سازم. پس از اینکه رفتم و مکانی برای شما آماده ساختم، دوباره می‌آیم و شما را پیش خود می‌برم، تا جایی که من هستم شما نیز باشید" (یوحنا ۱۴: ۲-۳).

طبیعی است که هر وقت دردی در بدن خود احساس می‌کنیم، فوراً به پزشک متخصص مراجعه می‌نمائیم و درد خود را با او در میان می‌گذاریم. بهمین منوال، هر وقتی که در اثر خواندن و یا شنیدن کلام خدا،

روح القدس ما را به گناه ملزم می‌کند، باید فوراً بوسیلهٔ دعا به تنها متخصص بر طرف کردن درد ناشی از گناه، یعنی عیسی مسیح زنده مراجعه کنیم و از او بخواهیم تا با فیض بی‌کران خود، گناه ما را بیامرزد و در مقابل، زندگی پاک و پربار عطا فرماید.

بنابراین بر هر یک از ما واجب است که برای پی‌بردن به درد خود و رهایی از آن، به کلام خدا مراجعه کنیم و در آن بخوانیم: "همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا محرومند" (رومیان ۳: ۲۳) و "مزدی که گناه می‌دهد موت است، اما خدا به کسانی که با خداوند ما عیسی مسیح متحد هستند حیات جاودان می‌بخشد" (رومیان ۶: ۲۳). بنظر می‌رسد ناصر خسرو مطالعات عمیقی در کلام خدا داشته و کاملاً به این درد ناشی از گناه پی برده بود که چنین شعر پر محتوایی سروده است:

ای دردمند مرد، مشو خیره بر طبیب

زیرا نشسته بر در، عیسی بن مریمی

آماده شوید

"قربان شما"

عیسی مسیح می‌فرماید که آمده است تا: "جان خود را فدای بسیاری کند" (مرقس ۱۰: ۴۵).

عبارت "قربان شما" تکیه کلام اکثر ایرانیان می‌باشد که بیش از هر عبارت دیگر در ابراز روابط دوستی و مودت بین آنان بکار می‌رود و در نتیجه، به شنونده احساس خوشایندی دست می‌دهد. مفهوم حقیقی این عبارت همانا فروتنی و تواضع بی‌حد و حصری است که تا به بذل جان منتهی می‌شود. اما در اینکه این عبارت نوازشگر روح و روان تا چه اندازه به مفهوم حقیقی خود بکار برده می‌شود، خدا داند! ولی آنچه مسلم است و تاریخ نیز بر صحت آن گواهی می‌دهد این است که تنها کسی که این عبارت را نه تنها به مفهوم واقعی آن بکار برد بلکه آن را به مرحله عمل نیز درآورد، عیسی مسیح است. مسیح جان خود را به خاطر نجات "هر کس که به او ایمان آورد" (یوحنا ۳: ۱۶) فدا کرد و سپس با قیام خود از مردگان به کلمه "قربانی" معنای بس عمیقی بخشید.

قاعده کلی جانبازی و یا فداکاری در تار و پود تحولات دنیای مادی ما سرشته شده است. طبیعت، خود شاهد زنده‌ای بر این حقیقت می‌باشد. صخره‌ها بتدریج خرد شده تبدیل به خاک می‌گردند مواد غذایی موجود در خاک جذب گیاه و گل و میوه گشته به بدن حیوانات و آدمیان وارد می‌شوند. دنیای عاطفی ما هم معنی جانبازی را به خوبی درک کرده است. ما اغلب به خاطر همدیگر فداکاری و از جان گذشتگی می‌کنیم: سرباز به خاطر میهن می‌جنگد، جانبازی و ریخته شدن خون گذشتگان موجب آسایش ما گردیده، جنگهای آنان فتوحات ما، ناراحتی‌های دیگران راحتی ما گشته‌اند. ما به ندرت می‌توانیم نیاز دیگران را برآورده سازیم، مگر اینکه حاضر شویم به خاطر آنان فداکاری نماییم.

جانبازی کیمیای عجیبی است، کسی که می‌خواهد درگیر تسکین آلام و مصائب دیگران از زیر بار فشار روحی و جسمی شود، ناگزیر باید به این سلاح جانبازی مسلح گردد، و این مرهم شفابخش را بکار بندد.

چه خارق‌العاده که ما این امر را از خداوند یاد گرفتیم، زیرا او در اثر فیض و محبت بی‌پایانش اراده فرمود تا در جسم پاک و بی‌الایش عیسی مسیح ظاهر شود و جان فدا کند تا ما با ایمان به این قربانی آسمانی یعنی مرگ جانبازانه و قیام مظفرانه او، از خونش پاکی گناهان و از قیامش زندگی جدید و جاودان را به ارمغان گیریم و تا به ابد او را حمد و ثنا خوانیم و نامش را برافرازیم.

آماده شوید

بازگشت به سوی خدا

عیسی مسیح در مورد کار روح القدس می‌فرماید: "وقتی او (روح القدس) می‌آید جهان را در مورد گناه و عدالت و داوری متقاعد می‌سازد" (یوحنا ۱۶: ۸). درک این آیه، خالی از اشکال نیست. بنابراین، برای فهمیدن کار خدا در قلب انسانها، مفهوم این آیه را با سه کلمه‌ای که با حرف "چ" شروع می‌شوند خلاصه می‌کنیم تا حقایق روحانی آن را به آسانی درک کنیم:

کلمه اول "چنگال" است که ما را به یاد این حقیقت کلام خدا می‌اندازد که: "همه انسانها گناه کرده‌اند" (رومان ۳: ۲۳). یعنی در چنگال شیطان که گناه را به دنیا آورد گرفتار می‌باشند، و او هرگز حاضر نمی‌شود اسیران خود را آزاد سازد. می‌دانیم که شیطان قدرت زیادی دارد و ما را یارای مقاومت با او نیست مگر اینکه برای خلاصی از چنگال او به خدا پناه ببریم.

کلمه دوم "چاره" است که ما را کمک می‌کند تا این پیام انجیل را به یاد آوریم که: "پسر خدا ظاهر شد تا اعمال ابلیس را باطل سازد" (اول یوحنا ۳: ۸). بنابراین برای رهائی از چنگال بی‌رحم شیطان، تنها چاره، همان عیسی مسیح است که می‌فرماید: "اگر پسر شما را آزاد کند، در حقیقت آزاد خواهید بود" (یوحنا ۸: ۳۶). عیسی مسیح نه تنها این وعده را داد، بلکه با رفتن بر روی صلیب و فداکردن جان خود برای آزادی اسیران گناه، آن را به مرحله عمل درآورد و بر شیطان پیروز شد. در انجیل در این باره می‌خوانیم: "خدا به تمام مردم دنیا به روشنی نشان داد که مسیح بر روی صلیب بر شیطان چیره شده است، و شما هم بوسیله او، از تمام گناهان خود پاک شده‌اید" (کولسیان ۲: ۱۵).

کلمه سوم "چاه" است که ما را به یاد این حقیقت کلام خدا می‌اندازد که "خداوند نمی‌خواهد که کسی هلاک گردد" (دوم پطرس ۳: ۹).

از طرف دیگر، "خداوند گناه را هرگز بی‌سزا نخواهد گذاشت" (سفر خروج ۳۴: ۷)، و سزای گناه هم همان مرگ ثانی یا چاه هلاکت (مزمور ۲: ۴۰) می‌باشد. بنابراین، اگر کسی برای رهائی از چنگال گناه به عیسی مسیح که تنها چاره می‌باشد پناه نبرد، بعد از مرگ جسمانی، در حالی که روح و روانش زنده و حساس می‌ماند به دریاچه آتش (چاه هلاکت) افکنده خواهد شد (مکاشفه ۱۵: ۲۰) و تا به ابد در عذاب جاودانی خواهد ماند.

درمورد اینکه چرا روح و روان ما تا ابد زنده و حساس خواهد ماند، در کلام خدا می‌خوانیم: "خداوند خدا پس آدم را از خاک زمین بسرشت و در بینی وی روح حیات دمید" (سفر پیدایش ۲: ۷). می‌دانیم که خدا ازلی و ابدی است و هرگز نمی‌میرد، بنابراین روحی که از او در آدم دمیده شد و از او به هر یک از ما رسیده است، هرگز نخواهد مرد.

در خاتمه، هر چند شیطان با حيله و نیرنگ، تمام نسل بشر را اسیر چنگال گناه و در نتیجه مرگ ابدی نمود، ولی خدای واحد در جلوه پدر از محبت بی‌کران خود، و در جلوه پسر از فیض فراوان خود، و در جلوه روح القدس از مشارکت بی‌پایان خود، چاره رهایی از این اسارت را، قبل از بنیاد عالم در صلیب مسیح مهیا نمود. هر کس که به این تنها راه چاره، یعنی عیسی مسیح، روی آورده از گناه خود توبه نماید، و از خدا بخواهد که به خاطر خون ریخته شده عیسی مسیح بر صلیب، گناه او را بیامرزد، از چنگال مرگ ابدی یا چاه هلاکت رهایی خواهد یافت. عیسی مسیح دو هزار سال پیش این خبرخوش را به ما داد و هم اکنون که زنده است، بوسیله انجیل و نجوای روح القدس به گوش ما می‌رساند که: "خدا جهان (مردم دنیا) را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد، هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد" (یوحنا ۳: ۱۶).

آماده شوید

پیام مسیحیت

علم پزشکی نشان می‌دهد که بدن انسان پر از عوامل بیماری‌زا می‌باشد. همانطور که دوندگان در مسابقه دو آماده‌اند به محض شلیک طپانچه با سرعت بسوی هدف بدونند، این عوامل هم، آماده‌اند در لحظه‌ای که مرگ به سراغ انسان می‌آید، با سرعت هر چه تمامتر بر بدن هجوم آورند و آثار حیات را در آن به کلی ریشه کن کنند. این عمل که در جسم انسان صورت می‌گیرد، در قلمرو زندگی روحانی نیز صادق می‌باشد و چگونگی آن نیز در کتاب مقدس بر ما مکشوف شده است.

در باب اول کتاب مقدس می‌بینیم که خدا انسان را به شباهت خود آفرید تا با او رابطه و مشارکت روحانی داشته باشد. ولی وقتی که شیطان، انسان را به گناه آلوده ساخت، این رابطه قطع شد و انسان به مرگ روحانی دچار شد. در نتیجه، عوامل مخرب گناه با سرعت تمام بر زندگی روحانی آدم و حوا و بعد، در اثر وراثت، بر زندگی روحانی تمام انسانها هجوم آوردند و هرگونه امید به ارتباط مجدد با خدا را از بین بردند. این مرگ روحانی همان موت است که خدا در کلامش آن را پیشگویی کرد و به آدم و حوا فرمود: مبادا از فرمان من سر پیچی کنید، که هر آینه خواهید مرد (پیدایش ۲: ۱۷). متأسفانه، آدم و حوا و در نتیجه تمام نوع بشر از اطاعت خدا سرپیچی کرده‌اند و به دام وحشتناک مرگ روحانی ابدی گرفتار شده‌اند.

خدا، "آنقدر در رحمت و بخشایش ثروتمند و در محبتش نسبت به ما کریم است" (افسیان ۴: ۲) که قبل از بنیاد عالم راه نجاتی برای ما انسانها که می‌دانست گرفتار مرگ روحانی خواهیم شد، فراهم کرد. خداوند در اولین پیشگویی خود درباره این نقشه نجات فرمود: "عداوت در میان تو (شیطان) و زن (حوا)، و در میان ذریت تو (دشمنان خدا) و ذریت وی (عیسی مسیح) می‌گذارم. او سر ترا خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی کوبید" (سفر پیدایش ۳: ۱۵).

اگر کتاب مقدس را به دقت مطالعه کنیم خواهیم دید که شیطان از همان ابتدا در صدد آن بود که از آمدن مسیح به این دنیا و رفتن او بر روی صلیب جلوگیری کند و نگذارد که نقشه نجات انسان عملی شود. ولی، عیسی مسیح با رفتن بر روی صلیب و فداکردن جان خود برای آمرزش گناهان، نجات آنانی را که به او ایمان می‌آورند فراهم کرد و با این کار

سر شیطان را کوبید (کولسیان ۲: ۱۵) و ما را از دامی که شیطان برای نابودی بشر کشیده بود رها ساخت، و یک بار دیگر ما را در ارتباط و مشارکت روحانی با خدا قرار داد. بنابراین مژده و پیام مسیحیت به دنیا اینست که:

خدائی که ما را به شباهت روحانی خود آفریده، کسانی را که با دل و جان به عیسی مسیح به عنوان نجات دهنده و مولای زندگی خود ایمان می‌آورند، دوباره به وسیله روح مقدسش به شباهت روحانی خود در می‌آورد، تا شایسته آن باشند که در پادشاهی او تا به ابد، با وی، در خوشی و آرامش کامل زندگی نمایند.

اگر کسی به این تعلیم آسمانی اعتراض کند و بگوید: "از این چیزها سر در نمی‌آورم، مثل اینکه شما عقلمان را از دست داده‌اید که به این چیزها ایمان دارید،" در پاسخ باید با محبت بگوئیم: جای تعجب نیست که شما چنین قضاوت می‌کنید، زیرا: "کسی که روحانی نیست نمی‌تواند تعلیم روح خدا را بپذیرد، زیرا به عقیده او این تعلیم پوچ و بی‌معنی هستند" (اول قرننتیان ۲: ۱۴)؛ و بعد حقایق زیرین از کتاب مقدس را با او در میان بگذاریم تا با پیام مسیحیت بیشتر آشنا شود:

در انجیل می‌خوانیم: "در زمانهای گذشته، خدا بوسیله پیامبران، اراده و مشیت خود را بتدریج بر اجداد ما آشکار می‌فرمود. او از راههای گوناگون، گاه در خواب و رویا، گاه حتی روبرو، با پیامبران سخن می‌گفت. اما در این ایام آخر، او توسط فرزندش با ما سخن گفت" (عبرانیان ۱: ۱-۲).

کسانی که عیسی مسیح را دیدند، درباره او چنین شهادت داده‌اند: "ما شکوه و جلالش را دیدیم، شکوه و جلالی شایسته فرزند یگانه پدر و پر از فیض و راستی" (یوحنا ۱: ۱۴). در جایی دیگر در این باره می‌خوانیم: "از ابتدا، کلمه حیات بخش خدا وجود داشته است، او را با چشمان خود دیده‌ایم، و سخنان او را شنیده‌ایم، با دستهای خود او را لمس کرده‌ایم. این کلمه حیات بخش از جانب خدا آمد و خود را بر ما آشکار فرمود" (اول یوحنا ۱: ۱).

اگر زندگی زمینی عیسی مسیح را در انجیل به دقت مورد مطالعه قرار دهیم، پی‌خواهیم برد که تمام خصوصیات خدا، یعنی محبت، فیض، فداکاری، قدرت و قدوسیت در مسیح، منعکس می‌باشد. شرح حال عیسی مسیح، بوسیله چهار نویسنده معتبر به رشته تحریر درآمده است. این نویسندگان از ملل مختلف، در زمانها و مکانهای مختلف، این شرح حال را با الهام از روح القدس، در قرن اول مسیحیت تحت عنوان انجیل، یعنی خبر خوش نوشتند. هر انجیل نام نویسنده‌اش را بر خود دارد.

معجزات عیسی مسیح، مانند سیر کردن پنج هزار مرد با دو قرص نان و پنج ماهی، شفا دادن بیمارانی که امید و علاجه به شفا یافتن نداشتند، اخراج ارواح پلید از مردم، راه رفتن روی آب، و زنده کردن مردگان،

همگی نشان دهنده قدرت بی نظیر او و گواه بر پری الوهیتی هستند که در وی وجود داشت.

نکته قابل توجه اینست که عیسی مسیح از طرف خدا فرستاده نشد تا ما را تهدید نماید، بلکه آمد تا با ما قرارداد صلح ببندد و ما را با خدا آشتی دهد (یوحنا ۳: ۱۷). از این جهت است که او را پادشاه صلح و سلامتی خوانده‌اند. او این قرارداد را با خون خود که بر روی صلیب ریخته شد امضاء کرد و بدین وسیله انسان گناهکار را در دادگاه عدل خدائی تبرئه نمود و مقبول درگاه خدا گردانید. بنابراین قرارداد، کسانی که بوسیله روح خدا از خواب غفلت بیدار می‌شوند و به گناهان خود پی می‌برند، اگر با تمام وجود به این تنها راه نجات روی آورند و از او بخواهند که طبق قرار داد صلحی که امضاء کرده است آنان را از گناهانشان پاک سازد و نجات بخشد، او نه تنها به این درخواست آنان جامعه عمل خواهد پوشانید، بلکه روح خود را نیز در درون آنان ساکن خواهد ساخت تا با قدرتش بتوانند در مقابل وسوسه گناه ایستادگی نمایند.

این تحوّل زندگی را تولد تازه در روح می‌گویند که از بالا به وسیله روح خدا انجام می‌گیرد. بعضی از نشانه‌های این نوع تحوّل، داشتن میل و اشتیاق فراوان به مطالعه کتاب مقدس و اجرای دستورات آن، دادن خبر خوش انجیل به دیگران، اشتیاق به معاشرت با سایر ایمانداران و کوشش مستمر در رشد روحانی شخصی می‌باشند. تولد روحانی تنها شرط ورود به ملکوت خداوند می‌باشد. عیسی مسیح خود در این مورد می‌فرماید: "تا شخص (روحاً) از نو تولد نیابد نمی‌تواند پادشاهی خدا را ببیند" (یوحنا ۳: ۳).

آماده شوید

حقیقت خداوندی

آرزوی قلبی هر انسانی باید شناخت حقیقت در مورد خداوند باشد تا بتواند بر اساس آن زندگی کرده، مقبول درگاهش واقع شود. برای شناخت این حقیقت، چند نکته اساسی را در نظر می‌گیریم:

۱- خدا پاک و قدوس است. او هرگز شخصی را که قلبش از گناه (عدم اطاعت از خدا) پاک نشده باشد را به حضور خود نمی‌پذیرد.

۲- خدا داور عادل است. او بنی آدم را که همگی با ذات گناه‌آلود (که از آدم و حوا به ارث برده‌اند) به دنیا می‌آیند و در طول عمرشان نیز مرتکب گناه می‌شوند، محکوم به جدائی ابدی از حضور خود نموده است تا جریمه و تاوان گناهانشان را، که همان هلاکت ابدی است، بیابند. مذهب، این وضع رقت‌بار انسان را نشان می‌دهد ولی راه‌حلی برای رهایی از این درد بی‌درمان گناه ارائه نمی‌دهد. ولی خدا را شکر که خبر خوش (انجیل) این راه حل را برای ما این چنین مکشوف می‌گرداند.

۳- خدا محبت است. او بنی آدم را که برای خود آفریده محبت می‌نماید و نمی‌خواهد به راه هلاکت بروند. به این جهت برای رهایی انسان از زیر بار گناه، خدای پدر کلمه خود، یعنی عیسی مسیح را به شکل انسان به جهان فرستاد. مسیح پاک و بی‌گناه با میل خود و از روی محبت، به خاطر گناهان ما بر صلیب مرد و با این کار، جریمه گناه آدمیان را پرداخت. البته مسیح ازلی، پس از مرگ، دوباره زنده شد و تا ابد زنده است، و برای تمام کسانی که با تمامی وجود خود به او و کاری که او به نیابت آنان بر صلیب انجام داد، ایمان می‌آورند و عنان زندگی خود را به او می‌سپارند، در نزد خدا شفاعت می‌نماید.

۴- خدا بخشاینده مهربان است. اگر کسی خود را فروتن سازد، از گناه روگردان شود (توبه نماید)، واقعیت مرگ و دفن و زنده شدن مسیح را بپذیرد و با ایمان و اعتماد، آن را به خود اختصاص دهد، خدا نیز گناهانش را می‌آمرزد و روح القدس را در او ساکن می‌گرداند تا قدرت یابد که نسبت به گناه خود بمیرد و در اتحاد با مسیح زندگی جدیدی را در پیش گیرد.

آماده شوید

جام رنج و عذاب مسیح

چند سال پیش مردم برای دیدن فیلم "رنجهای مسیح" به سینماها هجوم بردند. ای کاش این فیلم تاکید بیشتری بر رنج و عذاب روحی مسیح می‌کرد، رنجی که بمراتب شدیدتر از رنج و عذاب جسمی او بود. ما باید به عمق درد و رنجی که مسیح در راه رهائی ما از ورطهٔ هلاکت ابدی کشید پی‌ببریم، و به زانو درآئیم و او را همانند تومای رسول چنین بخوانیم: "ای خداوند من و ای خدای من" (یوحنا ۲۰:۲۸).

در کلام خدا می‌خوانیم: "عیسی در زمان حیات خود بر روی زمین با ناله و اشک از درگاه خدائی که به رهائی او از مرگ قادر بود دعا کرد و حاجت خویش را خواست و به خاطر این که کاملاً تسلیم بود، دعایش مستجاب شد" (عبرانیان ۵:۷). در کتاب مقدس آیاتی از قبیل "خداوند تقصیرها و گناهان همهٔ ما را به حساب او گذاشت" (اشعیا ۵۳:۶) و "او گناهان بسیاری را بر خود گرفت" (اشعیا ۵۳:۱۲) توسط روح القدس به نویسندگان کتاب مقدس الهام شده بودند. علاوه بر اینها، مسیح قبلاً می‌دانست که پدری که در او بود (یوحنا ۱۴:۱۰)، پدری که با او بود (یوحنا ۸:۱۶)، و پدری که مسیح دربارهٔ او فرمود "من و پدر یک هستیم" (یوحنا ۱۰:۳۰). او را ترک خواهد کرد. ترک کردن در این جا که به معنی برگرداندن روی پدر از پسر است و هرگز تجربه نشده بود، حتی برای مدت کوتاه، برای مسیح بغایت دردناک بود. در آن مدت بود که خدا روی خود را از فرزند یگانه‌اش برگرداند. "زیرا او را که گناه شناخت، در راه ما گناه ساخت" (دوم قرنتیان ۵:۲۱). این بود که مسیح در عذاب شدید روحی با فریاد بلند پدر را خدا خطاب کرد و گفت: "خدای من، خدای من، چرا مرا ترک کردی" (متی ۲۷:۴۶). (این ترک کردن همان مرگ روحانی است.) در پایان آن مدت، عیسی مجدداً خدا را پدر خواند و با فریادی بلند گفت: "ای پدر، روح خود را به تو تسلیم می‌کنم" (لوقا ۲۳:۴۶). می‌دانیم این دعای مسیح در همان لحظه مستجاب شد زیرا می‌بینیم که به آن جنایتکار که با او مصلوب می‌شد و عده داد و گفت: "خاطر جمع باش، امروز با من در فردوس خواهی بود" (لوقا ۲۳:۴۳).

صلیب، که زمانی سمبل نفرت و وسیلهٔ اعدام بود، با رفتن مسیح بر روی آن به سمبل شکوه و جلال و محبت خدا تبدیل شد. وقتی که با چشم ایمان به صلیب مسیح و نگاه حیرت انگیز او خیره می‌شویم و به محبت بی‌حد و

حصر او در دعایش برای بخشایش گناهان ما می‌اندیشیم، آنچنان تحت تاثیر قرار می‌گیریم که عکس‌العمل دیگری نمی‌توانیم نشان دهیم جز اینکه با گذشته گناه‌آلود خود خداحافظی کنیم و او را که زنده است، مشتاقانه به درون قلب خود خوش‌آمد بگوئیم.

کاش در اثر فیض خدا، محبت بی‌قیاس او را در قلبهای خود حس کنیم و طعم آن را در زندگی خود بچشیم و با یاد آوردن آنچه عیسی مسیح بر صلیب متحمل شد، به بزرگی و عظمت این محبت پی‌ببریم. او با آغوش باز از ما دعوت می‌کند به نزد او برویم و در آغوش گرم و پر محبت او جای گیریم تا گناهان و احساس بیچارگی ناشی از آنها را از ما بردارد و در عوض آن زیبایی زندگی به ما ببخشد. بلی، مسیح، مسیر زندگی کسانی که به او ایمان می‌آورند را این چنین، از دوزخ آتشین به بهشت برین تغییر می‌دهد.

عیسی مسیح در قبال این همه مهر و محبت و فداکاری از ما می‌خواهد که صلیب خود را برداشته و به دنبال او برویم (متی ۲۴:۱۶). آیا به امید روزی که همراه مسیح بر تخت او با او بنشینیم (مکاشفه ۳:۲۱)، آماده هستیم صلیب خود را به دوش گیریم و از او پیروی نمائیم؟ می‌دانیم که در این تلاش، قسمت سنگین صلیب ما را او، و نه ما، بر دوش خواهد کشید.

آماده شوید

"اگر گوش شنوا دارید بشنوید"

(متی ۱۱: ۱۵)

همه انسانها خواهان داشتن زندگی پر از شادی و آرامش در این دنیا و آخرت می‌باشند. این زندگی تنها بوسیله ارتباط با خدا که منبع شادی و آرامش حقیقی است، به دست می‌آید. ولی اشکال کار در این است که همه انسانها، نه تنها با ذات گناه‌آلود، که از آدم و حوا به ارث برده‌اند، متولد می‌شوند، بلکه خود نیز عمداً گناه می‌کنند. در دادگاه عدل خدائی هر بی‌اطاعتی از کلام خدا گناه شمرده می‌شود. بنابراین همگی ما گناهکاریم و نمی‌توانیم با خدای پاک و قدوس، روحاً در ارتباط باشیم مگر اینکه خود خداوند چاره‌ای بیندیشد. او پیش از بنیاد عالم این چاره را برای ما مهیا ساخته و آنرا هزار و پانصد سال پیش از میلاد مسیح در کلام خود این چنین بر ما مکشوف فرموده است: "جان هر موجودی در خون اوست و من خون را به شما داده‌ام تا برای کفاره جانهای خود، آن را بر روی قربانگاه بپاشید. خون است که برای جان کفاره می‌کند" (لاویان ۱۷: ۱۱).

می‌دانیم که خون موجب حیات است و گناه موجب مرگ. برای اینکه حیات بر مرگ چیره شود، می‌باید خون، گناه را بزداید. این خون زداينده، تنها در عیسی مسیح بی‌گناه جریان داشت که دو هزار سال پیش برای آمرزش گناه انسان بر صلیب (قربانگاه) ریخته شد. تا هر کس به او ایمان آورد از گناه پاک شده و در ارتباط با خدا قرار گیرد زیرا تنها خون عیسی مسیح است که گناه ما را کفاره می‌کند. در انجیل این حقیقت چنین الهام شده است: "خون عیسی، فرزند خدا، ما را از هر گناه پاک می‌سازد" (اول یوحنا ۱: ۷).

واضح است اگر کسی به این طریق در ارتباط با خدائی که منبع شادی و آرامش لایتناهی می‌باشد قرار گیرد، زندگی وی تا به ابد در شادی و آرامش خداوند سپری خواهد شد. زیرا این حقیقت انجیل در زندگی او تحقق یافته است که عیسی مسیح می‌فرماید: "من آمدم تا ایشان حیات یابند و آن را زیادتراً حاصل کنند" (یوحنا ۱۰: ۱۰).

در باره این حیات، مسیح می‌فرماید: "من راه راستی و حیات هستم. هیچ کس نزد پدر جز بوسیله من نمی‌آید" (یوحنا ۱۴: ۶).

در جائی دیگر، این حقیقت چنین بیان شده است: "می‌دانیم که فرزند خدا آمده و به ما ببینش داده تا خدای حقیقی را بشناسیم. و حالا ما در خدا هستیم، زیرا در فرزندش عیسی مسیح قرار گرفته‌ایم که تنها خدای حقیقی و حیات جاودانی است" (اول یوحنا ۵: ۲۰).

آیا از این وا‌ضح‌تر می‌شود حقیقتی را بیان کرد؟ بنابراین، واجب است که به این هشدار عیسی مسیح که بارها در انجیل تکرار شده است توجه نمائیم: "هر که گوش شنوا دارد، بشنود!"

آماده شوید

اعلام پادشاهی مسیح

هر کشوری قانون اساسی مخصوص به خود دارد. کسی که بخواهد تبعه کشوری شود، باید قانون اساسی آن مملکت را کاملاً رعایت نماید و گرنه مقصر شناخته می‌شود و محکوم خواهد شد. اشعیاى نبی، هفتصد سال قبل از تولد مسیح، درباره او چنین پیشگویی کرد: "سلطنت بر دوش او خواهد بود و ... پادشاهیش انتها نخواهد داشت" (اشعیا ۹: ۶-۷). عیسی مسیح در باب پنجم متی، برای اینکه ما را از قدرت ظلمت رهایی بخشد و به ملکوت محبت خود انتقال دهد (کولسیان ۱: ۱۳) از ما می‌خواهد:

از اتکا به خود (غرور) و عقاید دیگران برای نجات خود دست برداریم و در مقابل خدا به فقر روحی خود اقرار کنیم و برای نجات خود تنها بر او متکی باشیم. مبدا بگوئیم: "دولتمند هستیم ... و به هیچ چیز محتاج نیستیم" (مکاشفه ۳: ۱۷).

با پشیمانی و ندامت به گناهکار بودن خود پی‌ببریم و برای گناه خود ماتم بگیریم و از آن توبه نمائیم. به یاد آوریم که وقتی ایوب به گناه خود پی‌برد، گفت: "از خویشتن کراحت دارم و در خاک و خاکستر توبه می‌نمایم" (ایوب ۴۲: ۶).

خود را در مقابل خداوند فروتن و متواضع سازیم، و به یاد آوریم که اگر زیر دست زورآور خدا فروتنی نمائیم، او ما را در وقت معین سرافراز خواهد ساخت (اول پطرس ۵: ۶). همچنین تا ضعف و ناتوانی خود را حس نکنیم، نمی‌توانیم عظمت فیض خدا را ببینیم.

گرسنه و تشنه عدالت او شویم و به یاد آوریم که: "خداوند می‌داند که عادلان را از تجربه رهایی دهد و ظالمان را تا به روز جزا در عذاب نگاه دارد" (دوم پطرس ۲: ۹).

نه تنها از خدا رحم بطلبیم، بلکه فیض، تا اینکه خود نیز رحیم باشیم. در این جا باید این فرمایش میسح را به یاد بیاوریم: "رحیم باشید چنانکه پدر شما نیز رحیم است" (لوقا ۶: ۳۶). و باز این الهام کلام خدا را به یاد آوریم و در باره آن عمیقاً فکر کنیم: "رحمت خدا بر داوری او چیره خواهد شد" (یعقوب ۲: ۱۳).

پاکدل باشیم و به یاد بیاوریم: بدون پاکی و قدوسیّت، هرگز خدا را نخواهیم دید (عبرانیان ۱۲: ۱۴). آن وقت به زانو درآئیم و در دعا از خدا

بخواهیم که ما را بخاطر خون ریخته شده عیسی مسیح پاک سازد، زیرا می‌دانیم تنها: "خون پسر او عیسی مسیح ما را از هر گناه پاک می‌سازد" (اول یوحنا ۱: ۷).

پیشنهاد صلح خداوند را پذیرفته و نه تنها بوسیله خون عیسی مسیح با او مصالحه کنیم، بلکه خودمان نیز صلح دهنده شویم زیرا او "خدمت مصالحه را به ما سپرده است" (دوم قرنتیان ۵: ۱۸).

در پایان، نظر به اینکه با مشکلات زیاد باید داخل ملکوت خدا شد (اعمال رسولان ۱۴: ۲۲)، می‌دانیم که در این راه جفا خواهیم دید. ولی خدا را شکر، ملکوتی را که داخل آن خواهیم شد: "نیکی (پارسائی)، آرامش و خوشی در روح القدس است" (رومیان ۱۴: ۱۷).

بنابراین تمام زحمات را با شادمانی در روح تحمل خواهیم کرد. زیرا نه تنها اجر و پاداش ما در آسمان عظیم است، بلکه: "یقین می‌دانیم که دردهای زمان حاضر نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد هیچ است" (رومیان ۸: ۱۸).

آماده شوید

آیا مهر مالکیت خدا را بر خود داریم؟

از مطالعه کتاب مقدس درمی‌یابیم که کسانی که با تمام وجود خود (افکار، احساسات، و اراده)، به عیسی مسیح بعنوان تنها منجی و مولای خود ایمان می‌آورند، خدا مهر مالکیت خود را بوسیله روح القدس بر آنان می‌زند و آنان را به خانواده خود می‌پذیرد. او این معجزه را بوسیله پنج کار عجیب و اسرارآمیز روح القدس در قلب آنان انجام می‌دهد. برای سهولت در یادآوری، این پنج کار را با کلماتی که حرف اولشان "م" است مشخص می‌کنیم:

کلمه اول "متقاعد" است. روح القدس ما را متقاعد می‌سازد که همگی در چنگال گناه اسیر هستیم. تنها چاره رهایی از آن، ایمان قلبی به کاری است که عیسی مسیح به نیابت و به خاطر ما بر روی صلیب انجام داد تا زندگی ما به کلی عوض شود. در غیر این صورت با پای خود راهی چاه هلاکت یا جهنم سوزان خواهیم شد.

کلمه دوم "متبدل" است. وقتی که به تنها چاره گناه، یعنی عیسی مسیح زنده پناه می‌بریم، روح القدس ما را روحاً متبدل می‌کند، یا به قول کلام خدا، ما را از نو می‌آفریند. در کلام خدا می‌خوانیم که چگونه سه جلوه خدا، باهم در کار می‌باشد، تا ما را تولدی تازه در روح عطا فرمایند: "اما هنگامی که مهر و محبت نجات دهنده ما خدا آشکار شد، او ما را نجات داد، اما این نجات به خاطر اعمال نیکوئی که ما کردیم نبود، بلکه به سبب رحمت او و از راه شستشویی بود که بوسیله آن، روح القدس به ما تولد تازه و حیات تازه بخشید. زیرا خدا، روح القدس را به وسیله عیسی مسیح نجات دهنده ما به فراونی به ما عطا فرمود" (تیتس ۳: ۴-۶).

کلمه سوم "متوجه" است. در زندگی تازه، وقتی که هدایت روح القدس را می‌طلبیم، او ما را از گناه دور و به سوی خدا متوجه می‌سازد و به ما قدرت می‌بخشد تا از داشتن افکار دنیوی و طرز زندگی به پیروی از هوسهای ناپاک خود، که از زمان کودکی به آنها عادت کرده‌ایم، رها شویم و در راه قدوسیّت به همراه مسیح زنده قدم برداریم. در این جا باید یادآور شد که روح القدس هرگز ما را به زور بکار نمی‌برد، بلکه این ما هستیم که باید روزانه خود را در اختیار او قرار دهیم، تا با اطاعت از نجوای او، مطابق دستورات کلام خدا، زندگی خدا پسندانه‌ای را برای خشنودی خداوند در پیش‌گیریم و در اثر فیض بی‌کران مسیح به هدف خود

که رسیدن به جلال خدا می‌باشد، برسیم. چقدر باید خدا را شکر و سپاس بخوانیم که عیسی مسیح جلال خود را به ما داده است زیرا در انجیل می‌خوانیم که او به خدای پدر چنین دعا می‌کند: آن جلالی را که تو به من داده‌ای به آنان داده‌ام تا آنان یکی باشند آنچنانکه ما یکی هستیم" (یوحنا ۱۷:۲۲).

کلمه چهارم "مطمئن" است. وقتی که برای رهائی از گرداب "گناهی که ما را سخت می‌پیچد" (عبرانیان ۱۲:۱)، به عیسی مسیح زنده رو می‌آوریم، و او را بعنوان نجات دهنده و مولای زندگی خود دریافت می‌کنیم، روح القدس "در عمق وجود ما، به ما می‌گوید، که ما فرزندان خدا هستیم" (رومیان ۸:۱۶). حال که این اطمینان را در خود داریم، باید به این هشدار روح القدس نیز توجه کنیم: "می‌دانیم هر که فرزند خدا شده است، خود را به گناه آلوده نمی‌کند" (اول یوحنا ۵:۱۸).

کلمه پنجم "مملو" است. وقتی که از نجات خود مطمئن شدیم، باید اغلب در دعا از خدا بخواهیم تا ما را از روح خود پر سازد زیرا امر خدا برای ما اینست "مست شراب مشوید... بلکه از روح پر شوید" (افسسیان ۵:۱۸). در این جا باید به این حقیقت بسیار مهم کلام خدا توجه داشته باشیم که پر شدن از روح القدس به معنی کنترل شدن توسط او می‌باشد. شدت و ضعف این کنترل، بستگی به این دارد، که تا چه اندازه خود را در اختیار روح القدس قرار می‌دهیم.

کسانی که روح القدس آنان را متقاعد کرده، متبدل ساخته، متوجه خدا نموده، و مطمئن کرده است که فرزندان خدا هستند، همیشه از خدا می‌خواهند آنان را از روح خود مملو سازد تا دائم در دلهای خود سرود حمد بخوانند، برای خداوند میوه بیاورند (یوحنا ۱۵:۸) و با طرز زندگی خود او را خشنود سازند.

آماده شوید

"خدا همه چیزها را برای خیریت کسانی بکار می‌برد که او را دوست دارند"

در کلام خدا می‌خوانیم: "واقعاً شاد باشید، حتی اگر لازم باشد در این دنیا برای مدتی سختیها و زحماتی را متحمل گردید. این سختیها به منظور آزمایش ایمان شما پیش می‌آید، همانطور که آتش نیز طلا را می‌آزماید و پاک می‌سازد، ایمان شما پس از آنکه وارد کوره آزمایش گردید و سالم بیرون آمد، سبب خواهد شد که در روز بازگشت عیسی مسیح، مورد تحسین و تمجید و تکریم قرار بگیرید" (اول پطرس ۱: ۶-۷). مفهوم این آیات در زندگی بسیاری از مردان و زنان خداپرست تحقق یافته و می‌یابد. شرح حال زندگی این مردان و زنان، شهادت گویائی است بر وفاداری خداوند نسبت به آنچه او در کلامش بر ما مکتشف فرموده است. نویسنده مزامیر این حقیقت تابناک را چنین بیان می‌کند: "مرا نیکو است که مصیبت را دیدم، تا فرائض ترا بیاموزم" (مزمور ۱۱۹: ۷۱). چگونه؟ "با صبر و شکیبائی انتظار خداوند را کشیدم، و او بسوی من توجه نمود و فریادم را شنید. او مرا از چاه هلاکت و از گل لجن بیرون کشید و در بالای صخره گذاشت و جای پایم را محکم ساخت" (مزمور ۴۰: ۱-۲). قبل از آفرینش عالم، خداوند سختیهای را که با آنها روبرو خواهیم شد دیده است. او اجازه بروز آنها را می‌دهد تا به وسیله آنها در ایمان رشد کنیم و مستحق ورود به ملکوت آسمان بشویم. در کلام خدا این نقشه چنین فاش شده است: "این آزارها ثابت می‌کند که خدا از روی انصاف داوری می‌کند و می‌خواهد که شما شایسته پادشاهی خدا که به خاطر آن رنج می‌برید بشوید" (دوم تسالونیکیان ۱: ۵).

این حقیقت الهی، از بس مهم و حیاتی است که بارها در کلام خدا به آن اشاره شده است: "با مصیبتهای بسیار می‌باید داخل ملکوت خدا گردیم" (اعمال رسولان ۱۴: ۲۲). همچنین: "همه کسانی که می‌خواهند در مسیح عیسی به دینداری زیست کنند، زحمت خواهند کشید" (دوم تیموتائوس ۳: ۱۲).

در ادبیات مسیحی نیز کتابها و سرودهای زیادی در این باره به رشته تحریر در آمده است. برای مثال فقط به یک نمونه از شاعر نابینای انگلیسی اکتفا می‌نمائیم، که خطاب به خدا چنین می‌سراید:

"در اثر نردبان درد به تو رسیده‌ام و اشکهایم رنگین کمان زندگیم را تشکیل داده‌اند."

عده‌ای هنگامی که دچار مصیبت می‌شوند، شکوه آغاز می‌کنند و می‌پرسند: "پس خدا کجا بود وقتی که این مصیبت به ما روی آورد؟" که در جواب باید در محبت مسیح بگوئیم: "اگر خدا هنگامی که فرزند دلبندهش را بر روی چوبه‌دار می‌خکوب می‌کردند در کنارش حضور داشت، الان نیز در این مصیبت در کنار شما می‌باشد." نتیجه درد و رنج مسیح را کلام خدا چنین بیان می‌کند: "هر چند پسر بود، به مصیبت‌هایی که کشید، اطاعت را آموخت و کامل شده، جمیع مطیعان خود را سبب نجات جاودانی گشت" (عبرانیان ۵: ۸-۹).

یعقوب، نامه خود را برای کسانی که دچار مشکلات فراوان بودند چنین آغاز می‌کند: "وقتی مشکلات و آزمایش‌های سخت از هر سو بر شما هجوم می‌آورند، بسیار شاد باشید، زیرا در آزمایش و سختی هاست که صبر و تحملتان بیشتر می‌شود ... وقتی صبرتان به حد کمال رسید، افرادی کامل و بالغ خواهید شد و به هیچ چیز نیاز نخواهید داشت" (یعقوب ۱: ۲-۴). در واقع خداوند، هم خدای گلها و هم خدای خارهایی است که به هر حال در زندگی ما رشد می‌کنند. شکر به نامش که او همه را برای خیریت آنانی بکار می‌برد که او را دوست دارند و با دل و جان و شادی تمام از کلامش اطاعت می‌کنند. چقدر خوشبخت هستند چنین کسانی که خدا را بوسیله اطاعت از کلامش دوست دارند. زیرا که این فرمایش مسیح در یوحنا ۱۴: ۱۵ که: "اگر مرا دوست دارید احکام مرا نگاه دارید،" در زندگی آنان تحقق یافته است.

پطرس رسول کسانی را که در زحمت و نگرانی بسر می‌برند چنین دلداری می‌دهد: "بار تمام نگرانی‌های خود را به دوش او بگذارید، زیرا او همیشه در فکر شما است" (اول پطرس ۵: ۷).

در خاتمه، به این حقیقت توجه نمائیم که: "زمین درد و رنجی ندارد، که آسمان نتواند آن را شفا بخشد." در آخرین صفحات کتاب مقدس این حقیقت تابناک این چنین بر ما فاش شده است: "خدا هر اشکی را از چشمان ایشان پاک خواهد کرد" (مکاشفه ۲۱: ۴).

آماده شوید

دگرگونی روحانی

در کتاب مقدس چنین می‌خوانیم: "انسان که کرمی بیش نیست" (ایوب ۶:۲۵)، می‌تواند مانند نور بدرخشد (فیلیپیان ۲:۱۵). این تحول اسرارآمیز را دگرگونی روحانی می‌خوانند که شامل چندین مرحله است. این مراحل به ترتیب عبارتند از، مرحله بیداری از خواب غفلت و بی‌قیدی، مرحله توبه و ایمان، مرحله تولد تازه در روح، و مرحله رشد روحانی در مسیح. نظر به اینکه در مرحله رشد روحانی است که اغلب موفق نمی‌شویم، بهتر است چگونگی تحقق یافتن آن در زندگی را با مثالی زنده تجسم نمائیم، تا بتوانیم حقیقت روحانی آن را درک نموده و با نوع زندگی روحانی که داریم مقایسه کنیم و موفقیت حاصل نمائیم.

می‌دانیم که کرم سبز رنگ درخت، در آخر پائیز، خود را با پیله مخصوصی می‌پوشاند، و در حالی که رابطه خود را با دنیای خارج کاملاً قطع کرده، تمام زمستان را به خواب می‌رود. در بهار چیز خارق‌العاده‌ای اتفاق می‌افتد. زیرا از درون پیله پروانه‌ای زیبا خارج می‌شود، بال و پر می‌گشاید و پرواز می‌کند. این تغییر و تحول، بوسیله قدرتی مخفی که در اسرار خلقت نهفته است صورت می‌گیرد و در نتیجه کرم چاق و چله چند پا به پروانه‌ای با بالهای زیبا و رنگارنگ تبدیل می‌گردد که خود یکی از عجایب و شاهکارهای طبیعت می‌باشد.

برای کشف این راز عجیب، اگر از نزدیک و با دقت به شاخه‌ای که پیله از آن آویزان است خیره شویم می‌بینیم وقتی که شبیره می‌خواهد از درون پیله خارج شود، تلاش و کشمکش فوق‌العاده‌ای را آغاز می‌کند. با دیدن این تلاش سخت و دردناک، دلمان بحال پروانه می‌سوزد زیرا مرتب بخود می‌پیچد و به خود فشار می‌آورد، خسته می‌شود و برای لحظه‌ای از تلاش باز می‌ایستد. سپس دوباره شروع به تقلا می‌کند و باز هم خسته می‌شود و مجدداً دست از تلاش بر می‌دارد. باز هم شروع به تلاش برای رهائی خود از پیله‌ای که بر خود پیچانده است می‌نماید. آنقدر به این کار ادامه می‌دهد تا بالاخره خود را از آن بیرون می‌افکند و در حالی که رنجهای خود را فراموش کرده آزاد در آسمان به پرواز درمی‌آید.

در اینجا باید یادآور شد که این تلاش و تقلا برای ادامه زندگی پروانه بسیار لازم و ضروری است، زیرا بدون آن، بالهای او قوت لازم را برای پرواز نخواهند داشت. همچنان که گذشت زمان و تلاش و تقلازی زیادی

لازم است تا یک کرم تبدیل به پروانه گردد، همچنین است در مورد کسی که تازه در خانواده خدا متولد می‌شود. زیرا او نیز احتیاج به زمان و کوشش فراوان دارد تا از بند جسم آزاد شود و علائق، ارزشها و تمایلات دنیوی او به علائق، ارزشها و تمایلات آسمانی تبدیل گردند. این همان مرحله رشد روحانی است که ایماندار در آن قدم می‌گذارد و باید روز به روز بیشتر به شباهت مسیح درآید و همواره در نور روی او بدرخشد (دوم قرن‌تینان ۱۸:۳). خوشا بحال چنین کسی که این فرمان مسیح در زندگی او تحقق می‌یابد: "بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا اعمال نیکوی شما را دیده، پدر شما را که در آسمان است تمجید نمایند" (متی ۵: ۱۶).

آماده شوید

تغذیه روحانی

مطالعه کتاب مقدس را باید همواره به همراهی و هدایت الهام کننده آن، یعنی روح القدس، انجام دهیم تا بتوانیم به مفهوم واقعی آنچه خدا در آن بر ما مکتشف می‌نماید، پی ببریم. عیسی مسیح می‌فرماید: "کسی که کلمه ملکوت را شنیده آن را نفهمید، شریر می‌آید و آنچه در دل او کاشته شده است می‌رباید" (متی ۱۳: ۱۹).

یکی از حقایق بسیار مهم کتاب مقدس که درک مفهوم واقعی آن خالی از اشکال نیست، خوردن بدن مسیح و نوشیدن خون او می‌باشد که عیسی مسیح آن را در یوحنا ۶: ۵۳-۵۸ مطرح می‌کند. خواندن این قسمت از کلام خدا، خواننده را به یاد آئین مقدس شام ربانی می‌اندازد (اول قرنیتان ۱۱: ۲۳-۲۶).

در این دو قسمت، نان نشانه بدن مسیح است که به عوض ما بر روی صلیب پاره گشت. نان، چه جسمانی و چه روحانی برای زیستن ضروری است. خون او نیز که به خاطر گناهان ما ریخته شد ضروری است زیرا "بدون ریختن خون، هیچ گناهی بخشیده نمی‌شود" (عبرانیان ۹: ۲۲). واقعیت اینست که بدن ما گناهکاران می‌بایستی پاره می‌شد و خون ما ریخته می‌شد. ولی در اثر محبت عظیم خدا، مسیح با فیض بی‌کران خود، بدن خویش را سپرد تا پاره شود و اجازه داد که خورش را بریزند تا به این وسیله، تمامی گناهان ما را پاک نماید. با این فداکاری، مسیح رابطه گسسته ما را شفا بخشید و ما را با خدا مصالحه داد. خون و بدن مسیح موجب گردید که رابطه‌ای شیرین روحانی بین ما و خدا بوجود بیاید و ما را از هلاکت ابدی به حیات جاودانی منتقل نماید.

برای درک مفهوم خوردن بدن مسیح و نوشیدن خون او، باید بدانیم که در کتاب مقدس کلام خدا به غذای روحانی تشبیه شده است. در سفر تثبیه می‌خوانیم: "انسان نه به نان تنها زیست می‌کند بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر شود" (سفر تثبیه ۸: ۳).

ارمیا نبی نیز می‌فرماید: "سخنان تو یافت شد و آنها را خوردم و کلام تو شادی و ابتهاج دل من گردید" (ارمیا ۱۵: ۱۶). منظور مسیح هم از خوردن بدن و نوشیدن خون او، همان تغذیه از کلام خداوند است. برای اثبات این امر باید موضوع کلی باب را در نظر بگیریم زیرا اگر بخواهیم مطلبی را در کلام خدا کاملاً درک نماییم باید به موضوع کلی آن کتاب و

آن باب توجه کنیم. در شروع باب ششم یوحنا می‌بینیم که عیسی مسیح دارد به پنج هزار مرد، علاوه بر زنان و بچه‌ها غذا می‌دهد. بنابراین، وقتی که به مطلب خوردن بدن و نوشیدن خون مسیح در این باب می‌رسیم، پی می‌بریم که منظور همان غذای روحانی است.

عیسی مسیح که گرسنگی جسمانی آن جماعت بزرگ را برآورده ساخت، حالا می‌خواهد توجه آنان را به غذای حیاتی روحانی جلب نماید و به این وسیله به آنان بفهماند که آنچه واقعاً احتیاج دارند، کلمات خود او می‌باشند که در صورت ایمان آوردن به او و اطاعت از تعلیمات وی، گرسنگی و عطش روحانی آنان را برای همیشه سیراب خواهند کرد.

مسیح در تاکید آنچه بر آنان مکتوف کرد، می‌فرماید: "هر که جسد (بدن) مرا می‌خورد و خون مرا می‌نوشد، در من می‌ماند و من در او" (یوحنا ۶:۵۶). در پیرو این تعلیم، چند باب بعد، می‌فرماید: "جدا از من هیچ نمی‌توانید کرد" (یوحنا ۱۵:۵). بلی، همچنان که غذای جسمانی با عمل هضم وارد دستگاه گوارشی ما می‌شود و به ما قوت و قدرت زندگی می‌بخشد، همچنان کلام خدا با عمل اطاعت از دستوراتش جذب روح ما می‌شود و با هدایت روح القدس که در ما است، قوت روحانی برای خدمت به خدا و دیگران را در ما به وجود می‌آورد و در نتیجه مسیح جلال می‌یابد. به عبارتی دیگر، هر وقت از کلام خدا اطاعت می‌کنیم، قدرت و قوت مسیح در ما جریان پیدا می‌کند و به وسیله آن، او در ما می‌ماند و ما در او.

کاش در اثر فیض مسیح به این راز آسمانی پی‌ببریم و از خدا بخواهیم تا بر ما رحم فرماید و ما را بوسیله اطاعت بدون چون و چرا از کلامش، با مسیح پیوند دهد تا قدرت و قوت مسیح همواره در ما جریان داشته باشد. چه شگفت انگیز، که روح القدس بیاد آوردن کلام و اطاعت از آن را در یک آیه این چنین زیبا گوشزد کرده است:

"کسی که به کلام خدا ... توجه داشته باشد، نه تنها آنرا همیشه بخاطر خواهد داشت، بلکه به دستوراتش نیز عمل خواهد کرد، و خدا عمل او را برکت خواهد داد" (یعقوب ۱:۲۵).

آماده شوید

"چگونه پاک و مقدس شویم"

وقتی که در اثر فیض خداوند، با شنیدن کلامش و هدایت روحش، به عیسی مسیح ایمان می‌آوریم، او بی‌گناهی و اطاعت مسیح را مانند ردائی سفید، روحاً بر ما می‌پوشاند و ما را بی‌گناه محسوب می‌دارد. در کتاب اشعیاى نبی می‌خوانیم: "در خداوند شادی بسیار می‌کنم و جان من در خدای خود وجد می‌نماید زیرا که مرا به جامهٔ نجات ملّیس ساخته، ردای عدالت (پاکی از گناه) را به من پوشانید" (اشعیا ۶۱: ۱۰). آیا این ردای عدالت مسیح را بر خود داریم؟ و آیا می‌دانیم که بدون آن هرگز نمی‌توانیم با خدا در رابطه باشیم؟ برای پاسخ به این سوال بسیار مهم، باید از نجات خود کاملاً مطمئن شویم، بدانیم و بخاطر بسپاریم: ایمانی که برای خشنودی خدا در عمل مشاهده نشود، ایمان نیست و نجاتی که مرحلهٔ تقدس را به دنبال نداشته باشد، نجات نیست.

بلی، فیض نجات همیشه مرحلهٔ رشد روحانی را در عمل به دنبال دارد، که تا آخر عمر ادامه خواهد داشت. زیرا کسانی که نجات را دریافت کرده‌اند، لابد افکار، احساسات و اعمال آنان تغییر یافته است و در نتیجه زندگی مقدسی را که شایستهٔ خدائی است که آنان را به ملکوت و جلال خود خوانده است (اول تسالونیکیان ۲: ۱۲) سپری می‌سازند. اگر در کسانی که اقرار می‌کنند نجات یافته‌اند، چنین زندگی دیده نشود، باید در اطمینان به نجات خود تجدید نظر نمایند و بدانند که هرگز نمی‌توانیم مقدس شویم مگر اینکه:

۱- بخواهیم تا به ما داده شود- (متی ۷: ۷). ما باید مدام از مسیح زنده که قول داده همیشه همراه ما خواهد بود، بخواهیم تا همانطوری که عدالت (پارسائی) خود را به ما عطا کرده است، قدوسیّت خود را نیز به ما بدهد. برای دریافت جواب باید به یاد بیاوریم که: "اطمینان ما در حضور خدا این است که اگر از او چیزی بخواهیم که مطابق ارادهٔ او باشد، به ما گوش خواهد داد" (اول یوحنا ۵: ۱۴). عمل تقدیس ما مطابق کلام خدا و کاملاً بر طبق ارادهٔ او می‌باشد.

۲- در اتحاد با مسیح زندگی کنیم- در کلام خدا می‌خوانیم: "پس چنانکه مسیح عیسی خداوند را پذیرفتید، در وی رفتار نمائید" (کولسیان ۲: ۶). رفتار کردن در مسیح به معنای زیستن و داشتن مشارکت و رابطهٔ دوستی با او بوسیلهٔ اطاعت از کلام او می‌باشد. روح القدس، افکار، امیال و

اراده ما را به مرور به شباهت افکار، امیال و اراده او در می‌آورد و زمانی می‌رسد که دیگر از روی عادت، نمی‌توانیم بر خلاف اراده او رفتار نمائیم! این روند از زمانی که به او ایمان می‌آوریم آغاز می‌شود و تا زمانی که عمر زمینی ما به پایان می‌رسد و رو در رو با مسیح قرار می‌گیریم، ادامه خواهد داشت. چه فیض عظیمی است این، که خدا: "آنانی را که از قبل شناخت، ایشان را نیز پیش معین فرمود تا به صورت پسرش متشکل شوند تا او (مسیح) نخست زاده (ارشد) از برادران بسیار باشد" (رومیان ۸: ۲۹).

۳- کلمات او را در دل خود حفظ نمائیم- (ایوب ۲۳: ۱۲). همچنانکه مسیح خداوند در آزمایشهای سه گانه خود در بیابان، با بکاربردن آیات کلام خدا از دام شیطان رهائی یافت، ما نیز باید آیات زیادی از کلام خدا را از بر کنیم و مفهوم آنها را در دل خود مخفی سازیم (مزمور ۱۱۹: ۱۱) تا از افتادن به دام گناه رهائی یابیم. در خاتمه، نباید فراموش کنیم که، ما نجات می‌یابیم تا مقدس شویم.

آماده شوید

مفهوم آب در کتاب مقدس

در کتاب مقدس کلمه آب هم به معنای آب معمولی، هم به معنای روح القدس و هم به معنای کلام خدا بکار رفته است. برای پی بردن به معنای آب در کتاب مقدس، باید قبلاً با خصوصیات آب و چگونگی بکار بردن آن در کلام خدا آشنا شویم تا مطلب را کاملاً درک نماییم:

۱- آب زندگی می‌بخشد- می‌دانیم که زندگی کردن بدون آب محال خواهد بود. در عالم روحانی نیز زندگی کردن بدون قدرت روح القدس امکان ندارد. زیرا اوست که به ما تولد تازه روحانی عطا می‌فرماید. در انجیل در این باره می‌خوانیم: "(خدا) ما را نجات داد. او نه بخاطر خوبی و پاکی ما، بلکه فقط در اثر رحمت و دلسوزی که نسبت به ما داشت، ما را از گناهانمان شست و ظاهر ساخت و بوسیله روح القدس، به ما تولد تازه و حیاتی نو بخشید" (تیطس ۳: ۵).

۲- آب موجب رشد و نمو می‌باشد- بدون آب رشد و نمو تمام موجودات زنده متوقف می‌شود. در نتیجه انسان نیز غذای لازم را برای ادامه زندگی خود نخواهد داشت. در عالم روحانی نیز بدون مطالعه و اطاعت کلام خدا که به آب تشبیه شده است، غذای روحانی لازم را برای رشد روحانی خود نخواهیم داشت. خداوند می‌فرماید "ای همه تشنگان نزد آنها بیائید ... و از من اطاعت کنید تا بهترین خوراک را بخورید" (اشعیا ۵۵: ۱-۳). در این جا باید به این نکته بسیار مهم توجه کرد: همچنانکه نوشیدن آب برای هضم غذا ضروریست، غذای روحانی هم با هدایت روح القدس قابل هضم می‌باشد!

۳- آب قدرت می‌بخشد - از آب ذخیره شده برای تهیه برق استفاده می‌شود و می‌دانیم که نیروی برق چه تحول عظیمی در زندگی بشر پدید آورده و می‌آورد. کلام خدا را نیز وقتی در دل خود ذخیره می‌نماییم، به ما قدرت و نیروی روحانی می‌بخشد. در زندگی زمینی عیسی مسیح می‌بینیم که او با بکار بردن آیاتی از کلام خدا بر قدرت شیطان غالب آمد و برای ما نمونه گذاشت (متی ۴: ۱-۱۱).

۴- آب پاک می‌کند - آب وسیله پاکی و طهارت است. روح القدس نیز همین کار را در زندگی روحانی ما انجام می‌دهد. در انجیل می‌خوانیم که تنها با هدایت روح القدس است که مردم متوجه می‌شوند که گناهکارند و باید از گناه پاک شوند و در غیر اینصورت دچار غضب و کيفر خداوند

خواهند شد (یوحنا ۱۶:۸)، همچنین در رابطه با کلام خدا، عیسی مسیح به شاگردان خود می‌فرماید "شما با سخنانی که به شما گفتم پاک شده‌اید" (یوحنا ۱۵:۳). البته منظور عیسی مسیح اطاعت از سخنان اوست، نه فقط خواندن و یا شنیدن آنها!

۵- آب سیراب می‌سازد - اگر آب نباشد مردم از تشنگی هلاک خواهند شد. ولی تشنگی روحانی به مراتب دردناک‌تر از تشنگی جسمانی است و اگر سیراب نشود تا به ابد ادامه خواهد یافت. در حکایت مرد ثروتمند و گدا می‌بینیم که بعد از آنکه هر دو مردند "او (مرد ثروتمند) که در دنیای مردگان در عذاب بود نگاهی به بالا کرد و از دور، ابراهیم را با ایلعازر که در کنار او بود دید فریاد زد "ای پدر من ابراهیم، به من رحم کن. ایلعازر را بفرست تا سر انگشتش را به آب بزند و زبان مرا خنک کند چون من در این آتش عذاب می‌کشم" (لوقا ۱۶:۲۳-۲۴). این تشنگی روحانی در اثر جدائی از چشمه آب حیات یعنی عیسی مسیح، در او بوجود آمده بود.

در حکایت زن سامری (یوحنا باب ۴) می‌خوانیم که او برای رفع تشنگی خود به چاه آمده بود. عیسی مسیح او را متوجه تشنگی روحانی‌اش کرد و فرمود: "هرکس از آبی که من می‌بخشم بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد" (یوحنا ۴:۱۴). این زن از تشنگی روحانی خود بی‌خبر بود زیرا شیطان چشمان روحانی او را بسته بود (دوم قرن‌تینان ۴:۴). ولی وقتی با نور عالم و منبع آب حیات یعنی عیسی مسیح زنده روبرو شد، تشنگی روحانی خود را حس کرد. در نتیجه کوزه خود را همان جا گذاشت و به ده بازگشت تا مردم را از این خبر خوش آگاه سازد (یوحنا ۴:۲۸).

بارها در کلام خدا درباره چشمه آب حیات می‌خوانیم که خداوند می‌فرماید: "مرا که چشمه آب حیاتم ترک نموده و برای خود حوضها کنده‌اند، یعنی حوضهای شکسته که آب را نگاه ندارد" (ارمیا ۲:۱۳).

کاش در اثر فیض خدا از گناه ترک کردن او با پشیمانی توبه نمائیم، و به دعوت او در آخرین باب کتاب مقدس گوش دهیم: "آب حیات بی‌قیمت" (مکاشفه ۲۲:۱۷) را با ایمان آوردن به او و اطاعت از سخنانش، از او بگیریم و با هدایت روح او، دیگران را نیز بسوی این چشمه آب حیات یعنی عیسی مسیح زنده، رهنمون سازیم.

آماده شوید

شفاعت چیست؟

در کتاب مقدس می‌خوانیم: "اگر شخصی بر شخصی گناه ورزد، خدا او را داوری خواهد کرد. اما اگر شخصی بر خداوند گناه ورزد، کیست که برای وی شفاعت نماید" (اول سموئیل ۲: ۲۵). معنای شفاعت، آشتی دادن، به مصالحه در آوردن، و دست در دست هم گذاشتن دو نفر می‌باشد. در کلام خدا این کلمه در مورد آشتی دادن انسان گناهکار با خدای پاک و قدوس بکار رفته است. این شفاعت نه تنها توسط عیسی مسیح زنده که بر دست راست خدا نشسته، انجام می‌شود، بلکه بوسیله روح القدس و ایمانداران حقیقی نیز انجام می‌گیرد.

۱- شفاعت عیسی مسیح - شفاعت منجی و مولای ما عیسی مسیح با کار تمام شده او بر صلیب که بوسیله آن مشکل گناه برای همیشه حل شد و عدالت خداوندی کاملاً اجرا گردید، به وضوح تمام دیده می‌شود. در پیدایش باب دوم می‌خوانیم که خدا به آدم و حوا فرمود: اگر از من اطاعت نکنید هر آینه خواهید مرد (پیدایش ۲: ۱۷). در این جا مردن به معنای مرگ روحانی و جسمانی می‌باشد. متأسفانه هم آدم و حوا و هم هر یک از ما، از کلام خدا سرپیچی کرده‌ایم و محکوم به موت می‌باشیم. این مرگ (موت)، همان لحظه‌ای که آدم و حوا کلام خدا را اطاعت نکردند در آنان شروع شد و در ما هم از بدو تولد شروع می‌شود (مزمور ۵۱: ۵). ولی خدا را شکر که او از محبت بی‌پایان خود نسبت به ما انسانها، عیسی مسیح را به این دنیا فرستاد تا با رفتن بر بالای صلیب به جای همه ما، طعم بسیار تلخ موت را بچشد تا ما با ایمان به این جانفشانی او در راه ما، به هلاکت نرویم. این تنها راهی بود که بوسیله آن عدالت خداوندی در حق ما اجرا شد و ما می‌توانیم، به شرط ایمان به او از زیر بار محکومیت و جدائی ابدی از خدا آزاد شویم.

هر چند حق و بجا است که با شغف و شادی فراوان در مورد کار تمام شده عیسی مسیح صحبت کنیم و شادی نجات را در دل‌های خود جشن بگیریم، ولی فراموش نکنیم که بهمان اندازه هم، حق و بجا است که در مورد کار تمام نشده او نیز با شادی و شکرگزاری فکر کنیم. هنگامی که عیسی مسیح کاری را که پدر به او سپرده بود بر صلیب به انجام رسانید و در پدر جلال یافت، مجدداً به نزد پدر برگشت و پیوسته به کار شفاعت ایمانداران ادامه می‌دهد. زیرا می‌خوانیم: "اما عیسی، از آنجا که تا ابد

زنده است، برای همیشه کاهن می‌باشد و نیازی به جانشین ندارد. بنابراین، قادر است همهٔ آنانی را که بوسیلهٔ او به حضور خدا می‌آیند، بطور کامل نجات بخشد، و چون همیشه زنده است، پیوسته در حضور خدا برای ما وساطت می‌کند و این حقیقت را یادآور می‌گردد که تاوان گناهان ما را به بهای خون خود پرداخته است" (عبرانیان ۷: ۲۴-۲۵).

۲- شفاعت روح القدس - در کلام خدا می‌خوانیم: "همچنین روح نیز ضعف ما را مدد می‌کند، زیرا که آنچه دعا کنیم بطوری که می‌باید نمی‌دانیم، لکن خود روح برای ما شفاعت می‌کند به ناله‌هایی که نمی‌شود بیان کرد" (رومیان ۸: ۲۶). بدون شک برای اغلب ما پیش آمده است هنگامی که در حضور خداوند به زانو درآمده‌ایم آنچنان روح و روان ما تحت فشار شدید بوده که نتوانسته‌ایم و یا ندانسته‌ایم چگونه برای مطلبی که به آن نیاز داریم دعا کنیم. در این حالت است که روح القدس ساکن در ما، به کمک ما می‌شتابد و برای ما مطابق خواست خدا شفاعت می‌کند.

۳- شفاعت ایمانداران - در کلام خدا می‌خوانیم: "از همه چیز اول، سفارش می‌کنم که صلوات و دعاها و مناجات و شکرها را برای جمیع مردم بجا آورند" (اول تیموتائوس ۲: ۱). در اینجا روح القدس مسئولیت خطیر شفاعت برای دیگران را بر دوش مسیحیان می‌گذارد. بنابراین بدون در نظر گرفتن مقام و منزلت، اختلاف طبقاتی و نژادی، مسئولیت‌های کلیسایی و اجتماعی، فقر و گمنامی، همهٔ ما این امتیاز را دارا می‌باشیم که می‌توانیم آزادانه و بی‌پروا به پیش تخت فیض و رحمت خدا راه یابیم و درحضور خدا زانو بزنیم برای احتیاجات روحانی و جسمانی آنانی که خداوند ما را در تماس با آنان قرار داده و می‌دهد با شرف و شادی شفاعت نماییم. آیا امتیازی از این والاتر وجود دارد؟ زیرا در نتیجهٔ شفاعت مرتب ما برای دیگران است که افراد، خانواده‌ها، اجتماعات، کلیساها، و حتی ملت‌ها بهره می‌گیرند و از خدا فیض و برکت می‌یابند!

آماده شوید

رابطه روحانی با خدا

اغلب کسانی که به عیسی مسیح ایمان می‌آورند و خود را مسیحی می‌دانند، آن رابطه روحانی عمیقی را که می‌باید با خدا داشته باشند، ندارند. زیرا:

در زندگی روحانی آنان فراز و نشیب‌های زیادی دیده می‌شود.

دائماً احساس تقصیر و شرمندگی نسبت به گذشته خود دارند.

نسبت به بخشش گناه و حیات جاودانی خود مشکوک و متردد می‌باشند.

از داشتن دیسپلین برای تقویت رابطه روحانی با خدا باز می‌ایستند.

اگر چه از خدا می‌ترسند، ولی از روی عادت باز هم گناه می‌کنند.

ممکن است ریشه تمام این عوامل در این باشد که این ایمانداران خاطر جمع نیستند که عیسی مسیح آنان را بخشیده است. این شک، تمام انگیزه‌های روحانی آنان را تحت شعاع خود قرار می‌دهد. در حالی که اگر به کلام خدا مراجعه نمایند پی‌خواهند برد که رابطه با خدا بوسیله عیسی مسیح، بر حقایق زیرین استوار است که برای سهولت در یادآوری، آنها را با حرف "الف" شروع می‌کنیم:

۱- این رابطه روحانی با خدا، بر اساس ایمان متکی است. "زیرا هر کس به سوی خدا می‌آید باید ایمان داشته باشد که او هست و به جویندگان (آنانی که در جستجوی رابطه‌ای با او هستند)، پاداش می‌دهد" (عبرانیان ۱۱: ۶).

۲- این رابطه بر پایه آمرزش بنا شده است. زیرا کسی که به سوی خدا آمده است باید خاطر جمع باشد که با مرگ مسیح بر صلیب، مزد تمام گناهان او پرداخت شده است (کولسیان ۲: ۱۳-۱۴).

۳- این رابطه بر پایه آشتی استوار است. زیرا کسی که به سوی خدا آمده است باید مطمئن باشد که او از گناه خود تبرئه شده است و در اثر فیض مسیح با خدا آشتی کرده است (رومیان ۵: ۱).

۴- این رابطه بر مبنای ابدیت بنا شده است. زیرا کسی که بوسیله عیسی مسیح به سوی خدا می‌آید، باید بداند که (او هم اکنون) حیات جاودانی دارد (یوحنا ۵: ۲۳). این حیات در عیسی مسیح است که تا ابد زنده است (اول یوحنا ۵: ۱۱-۱۳).

در خاتمه باید یادآور شد کسانی که رابطه روحانی آنان با خدا بر مبنای چهار حقیقت فوق الذکر برقرار شده است، باید به این الهام خدا توجه بیشتری مبذول دارند: "اکنون زندگی کاملاً تازه‌ای را در پیش گرفته‌اید، که طی آن در شناخت راستی ترقی می‌کنید و می‌کوشید هر روز بیشتر شبیه مسیح، خالق این زندگی تازه، شوید" (کولسیان ۳: ۱۰).

برای موفقیت در بتدریج به شباهت مسیح درآمدن، باید بدانیم: کوشش یا اطاعت از آنچه به آن ایمان داریم، از ما است، ولی به شباهت مسیح در آوردن از خدا! زیرا در کتاب مقدس می‌خوانیم که این کار: "کار خداوند یعنی روح القدس است" (دوم قرنتیان ۳: ۱۸).

آماده شوید

چگونه زندگی جاودانی نصیب ما می‌گردد؟

بعد از آنکه انسان در اثر عدم اطاعت از خدا به دام شیطان گرفتار شد، رابطه او با خدا قطع گردید. خدا در حدود دو هزار سال پیش، عیسی مسیح را به این دنیا فرستاد تا بر طبق کلام خدا: "با قربانی خود، گناه را محو سازد" (عبرانیان ۹: ۲۶).

برای انجام این خواست خدا، عیسی مسیح با بدن زمینی خود، داوطلبانه بر روی صلیب رفت و کفاره (قربانی گناهان) ما شد و مدفون گردید و بعد از سه روز با همان بدن که جلال یافته بود، از قبر برخاست. در انجیل می‌خوانیم که مسیح "نخستین کسی است که پس از مرگ زنده گردید" (کولسیان ۱: ۱۸). آنگاه پس از چهل روز که بر شاگردانش ظاهر می‌شد، به آسمان صعود نمود و بدست راست کبریائی خدا نشست. او به زودی از آنجا خواهد آمد تا زندگان و مردگانی را که در وقت آمدنش زنده خواهد کرد، داوری نماید.

عیسی مسیح در شبی که او را تسلیم کردند فرمود: "بعد از اندک زمانی جهان دیگر مرا نمی‌بیند و اما شما مرا می‌بینید و از این جهت که من زنده‌ام، شما هم خواهید زیست" (یوحنا ۱۴: ۱۹). در این آیه، منظور از کلمه "جهان" کسانی هستند که یا به مسیح ایمان ندارند و یا اگر اقرار می‌کنند که ایمان دارند، از احکام او در کتاب مقدس اطاعت نمی‌کنند (متی ۲۱: ۲۳-۲۴). و منظور از کلمه "شما" ایمانداران حقیقی به عیسی مسیح می‌باشند که از احکام او با دل و جان اطاعت می‌نمایند.

در مورد زیستن با او، عیسی مسیح می‌فرماید: "هر که به پیغام من گوش دهد و به خدا که مرا فرستاده است ایمان بیاورد، زندگی جاوید دارد و هرگز به خاطر گناهانش بازخواست نخواهد شد، بلکه از همان لحظه از مرگ نجات پیدا کرده، به زندگی جاوید خواهد پیوست" (یوحنا ۵: ۲۴). حال برای اینکه مطمئن باشیم که زندگی جاودانی را دریافت داشته‌ایم یا نه باید از خود بپرسیم:

۱- آیا به پیغام مسیح در انجیل گوش داده‌ایم؟ یعنی وقتی که سخنان او را در انجیل می‌خوانیم و یا از انجیل می‌شنویم، احساس می‌کنیم که این مسیح زنده است که دارد بوسیله روحش با دل‌های ما صحبت می‌کند؟ آیا در دل خود از روح القدس که الهام کننده کتاب مقدس است می‌خواهیم که ما را

در درک و به کار بستن آن پیغام کمک و یاری نماید؟ و آیا از دل و جان، خدا را برای دسترسی به کلامش شکر می‌کنیم؟

۲- آیا واقعاً باور می‌کنیم که خدا عیسی مسیح را به این دنیا فرستاد تا نجات دهنده گناهکارانی چون ما باشد؟ آیا با شنیدن کلام خدا، در خود احساس می‌کنیم که گناهکاریم و برای رهایی از دام مهلک گناه از خود چاره‌ای نداریم؟ آیا ایمان داریم که او با قبول درد و شکنجه بسیار، بوسیله مرگ و قیام خود، تاوان گناهان ما را پرداخت نمود تا زندگی جدید و جاودان را بر ایمان به ارمغان آورد؟ عیسی مسیح در دعای خود به خدا می‌گوید: "حیات جاودانی این است که تو را خدای واحد حقیقی و عیسی مسیح را که فرستادی بشناسند" (یوحنا ۱۷:۳). بلی، زندگی جاودانی در لحظه‌ای نصیب ما می‌گردد که عیسی مسیح را بوسیله کتاب مقدس بشناسیم، به او ایمان بیاوریم و "با لبان خود اعتراف کنیم که عیسی، خداوند است و در قلب خود ایمان آوریم که خدا او را پس از مرگ زنده ساخت" (رومان ۱۰:۹). ولی باید بدانیم که توبه و ایمان دو طرف یک سکه می‌باشند که نمی‌توان آنها را از هم جدا کرد. بنابراین، وقتی که به کار تمام شده مسیح بر صلیب ایمان می‌آوریم، و او را نجات دهنده و مولای خود می‌دانیم، باید برای توبه از گناه خود با اعتراف به آن، و پشیمانی از اینکه گناه ما قلب خدا را رنجانده است، در دعا به او بگوئیم: "خدایا، بر من گناهکار ترحم فرما" (لوقا ۱۸:۱۳). گناهم را پاک ساز و مرا توبه و آمرزش عطا فرما.

۳- آیا توبه کرده‌ایم؟ توبه بمعنی برگشت است. برگشت از نحوه زندگی (افکار، احساسات و اعمال) گذشته که برای برآوردن هوسهای نفسانی خود سپری می‌شد، به یک زندگی پاک که در اطاعت از کلام خدا بجهت خدمت به او، و دیگران در نام او، سپری می‌شود. در اینجا نباید فراموش کرد که: توبه حقیقی، مانند ایمان هدیه خداوند است.

۴- آیا هم اکنون اطمینان کامل داریم که از مرگ هولناک ابدی نجات پیدا کرده و به زندگی جاودانی در مسیح منتقل شده‌ایم؟ آیا هم اکنون حس می‌کنیم که "شادی نجات" (مزمور ۵۱:۱۲) به ما روی آورده و بوسیله عیسی مسیح در رابطه شیرین روحانی با خدا بسر می‌بریم؟ اگر جواب ما مثبت است، خوشا به حال ما زیرا این الهام خدا در زندگی ما تحقق یافته است: "زندگی شما با مسیح در خدا مخفی است. چون مسیح که زندگی ما است ظاهر شود، آنگاه شما هم با وی در جلال ظاهر خواهید شد" (کولسیان ۳:۳-۴).

آماده شوید

"هدف نهائی انسان جلال دادن خدا و بهره‌مند شدن از او تا به ابد می‌باشد"

گفتن و نوشتن درباره هدف نهائی انسان کار آسانی است، ولی به قول معروف "دو صد گفته چون نیم کردار نیست"، عملاً رسیدن به آن هدف، کاریست بس دشوار، که بدون داشتن ایمان واقعی به خدا و کسب قدرت و هدایت از او در دعا، هرگز نمی‌توان به آن رسید. مفهوم عبارت "جلال دادن" در جمله فوق، آشنا کردن دیگران با جلال خدا بوسیله نحوه زندگی خود و یا به عبارتی دیگر، آشکار کردن جلال خدا در خدمت به دیگران می‌باشد. عیسی مسیح در این باره می‌فرماید: "جلال پدر من آشکارا می‌شود به اینکه میوه بسیار بیاورید و شاگرد من بشوید" (یوحنا ۱۵: ۸).

چنانکه در بالا اشاره شد رسیدن به خدا و آشکار کردن جلال او کار ما نیست. در واقع ما انسانها هر قدر بخواهیم یا بکوشیم، قادر نخواهیم بود به معیارهای قدوسیت خدا برسیم و در نتیجه هرگز نخواهیم توانست مقبول درگاه خدا شویم مگر اینکه به عیسی مسیح زنده روی آوریم و از او بخواهیم تا ما را در این راه یاری و همراهی فرماید. او قول داده است که پیوسته و در همه جا با حضور پر قدرت و پرمحبت خود یاور ایمانداران حقیقی خود باشد. مسیح در آخرین آیه از انجیل متی می‌فرماید: "بدانید که من هر روزه تا انقضای عالم با شما هستم" (متی ۲۸: ۲۰).

آیا تاحال دانسته و باور کرده‌ایم که عیسی مسیح به خاطر ایمانداران بر صلیب رفت؟ او در اثر فیض بی‌کران خود به جای ما بر صلیب جان داد تا ما دیگر مرگ جاودانی را نبینیم. آیا محبت عظیم خدا را در صلیب مسیح برای خودمان حس کرده‌ایم؟ و آیا ایمان آورده‌ایم که بخاطر خون ریخته شده عیسی مسیح، و نه بخاطر شایستگی خودمان، گناهان ما بخشیده شده‌اند؟ در انجیل می‌خوانیم: "عیسی مسیح امروز همان است که دیروز بوده و تا ابد هم خواهد بود" (عبرانیان ۱۳: ۸).

بنابراین، بخشش، قدرت، و محبت او نیز همان است و هرگز کم نمی‌شود. کافی است به محبت او اعتماد کرده، خودمان را با صداقت تسلیم او کنیم. آنگاه خواهیم دید که چگونه تمامی برکت، آرامش، و شادی روحانی نصیب ما می‌شود و در نتیجه زندگی ما رنگی دیگر، هدفی دیگر، و امیدی دیگر به خود می‌گیرد. این تحول در زندگی، نتیجه زندگی جاودانی است که خداوند آن را به رایگان به ما عطا می‌کند.

این است هدف نهائی انسان. باشد که همه ما با هدایت روح خدا، متوجه این حقیقت درخشان شده، خود را به دستهای توانا و پرمهر و محبت عیسی مسیح بسپاریم و در امنیت او ساکن شویم. او با نور روی خود هر تاریکی و ظلمت را از زندگی ما می‌زداید و روشنائی و شادمانی واقعی را جانشین آن می‌سازد.

بعد از این مقدمه، مرحله تلاش برای رسیدن به هدف می‌رسد که برای موفقیت در آن، بهتر است اصولی را که کلام خدا در این مورد به ما نشان می‌دهد در نظر بگیریم که عبارتند از:

۱- کوشش و تلاش نمائیم تا خداوند در زندگی ما بوسیله گفتار و کردارمان ستوده شود (متی ۵: ۱۶).

۲ - بدن خود را آماده و تربیت کنیم تا "قربانی زنده مقدس پسندیده خدا" (رومیان ۱۲: ۱) باشد. پولس رسول با الهام از روح خدا چنین می‌نویسد:

"... من مستقیم و با اطمینان بسوی خط پایان مسابقه می‌دوم. همچون مشت زنی هستم که از هر ضربه مشتش برای پیروزی استفاده می‌کند، ... من مثل یک ورزشکار با تمرینهای سخت، بدنم را آماده می‌کنم، و آنقدر بر آن سخت می‌گیرم تا آن کاری را انجام دهد که باید بکند، نه آنچه را که می‌خواهد" (اول قرننتیان ۹: ۲۶-۲۷).

البته این کوشش و تلاش ما برای آماده کردن بدن خود، تنها با دریافت قدرت از روح القدس در دعا، و اطاعت از کلام الهام شده او یعنی کتاب مقدس امکان پذیر می‌باشد و نه به هیچ طریق دیگر!

آماده شوید

تقدس چیست؟

در کتاب مقدس می‌خوانیم: "در پی سلامتی (صلح) با همه بکوشید و تقدسی که بغیر از آن هیچ کس خداوند را نخواهد دید" (عبرانیان ۱۲:۱۴).

متعاقب این اخطار تکان دهنده خدا، واجب است بدانیم که تقدس چیست و چگونه صورت می‌گیرد. تقدس به معنی جدا شدن برای منظوری خاص است، که در مسیحیت این منظور، پشت کردن به زندگی در دنیائی است که مردم آن تحت قدرت شیطان قرار دارند (اول یوحنا ۵:۱۹) و زیستن در دنیائی که خداوند در آن حکومت می‌کند. این جدائی را خداوند به سه وسیله انجام می‌دهد:

۱- بوسیله روح القدس. از کتاب مقدس می‌آموزیم که هیچ کس خود به خود نمی‌تواند و نمی‌خواهد به خبرخوش انجیل ایمان بیاورد. چون "انسان ... دلش از کودکی بطرف گناه متمایل است" (پیدایش ۸:۲۱)، خداوند باید بوسیله روح القدس در قلب شخص کار کند و او را آماده شنیدن مژده انجیل بنماید. کلام خدا می‌فرماید: "ای برادران و ای عزیزان خداوند، می‌باید ما همیشه برای شما خدا را شکر نمائیم که از ابتدا خدا شما را برگزید برای نجات به تقدیس روح و ایمان به راستی" (دوم تسالونیکیان ۲:۱۳). مفهوم این آیه اینست که روح القدس ما را از گناه و از حالت بی‌خبری، بی‌ایمانی، و خود پرستی جدا می‌کند و متوجه نقشه عظیم نجات خدا که او بوسیله قربانی یگانه فرزند دلبندهش برای ما فراهم کرده است، می‌نماید، و "مطابق آن حقیقت که در عیسی است" (افسیسیان ۴:۲۱) ایمان می‌آوریم.

۲- بوسیله خون مسیح. در کتاب مقدس می‌خوانیم: "به این اراده مقدس شده‌ایم، به قربانی جسد (بدن) عیسی مسیح، یک مرتبه فقط" (عبرانیان ۱۰:۱۰). اگر به مفهوم این آیه دقیق شویم، پی خواهیم برد که دیگر احتیاجی به تکرار قربانی و یا هر وسیله دیگر برای جدا شدن از زندگی دنیوی و پاک شدن از گناه نداریم. هنگامی که مسیح بر روی صلیب اعلام کرد و فرمود: "تمام شد"، کار نجات ما انجام گرفت و جریمه گناهان ما پرداخت گردید. کسانی که به این فیض و فداکاری عیسی مسیح ایمان می‌آورند و بوسیله خون مسیح از گناه مبرا گشته و از ملکوت

شیطان جدا می‌شوند، فرزندان خدا می‌گردند. در جائی دیگر درباره تقدیس با خون مسیح چنین می‌خوانیم: "بنابراین، عیسی نیز تا قوم را به خون خود تقدیس نماید، ... عذاب کشید" (عبرانیان ۱۳: ۱۲).

۳- بوسیله کلام خدا. عیسی مسیح برای شاگردان خود چنین دعا می‌کند: "ایشان را به راستی خود تقدیس نما. کلام تو راستی است" (یوحنا ۱۷: ۱۷). کسی که بوسیله روح القدس و خون مسیح، برای خدمت خدا جدا شده و شاگرد مسیح گشته، باید به رشد روحانی خود ادامه بدهد. برای این منظور، او احتیاج به راهنمایی، هدایت و دستورالعمل دارد. خداوند این دستورالعمل را در کلام راستین خود یعنی کتاب مقدس بر ایماندار مکتوف کرده است. در این کتاب می‌خوانیم: "مسیح هم کلیسا (ایمانداران به او) را محبت نمود و خویشتن را برای آن (کلیسا) داد تا آن را به غسل آب بوسیله کلام طاهر ساخته، تقدیس نماید" (افسیان ۵: ۲۵-۲۶). سراینده مزمور می‌نویسد: "به چه چیز مرد جوان راه خود را پاک می‌سازد؟ به نگاه داشتنش موافق کلام تو" (مزمور ۱۱۹: ۹).

در رساله یعقوب باب اول می‌بینیم که کلام خدا به آئینه تشبیه شده است. مطالعه کلام خدا لکه‌های گناهانمان را به ما نشان می‌دهد و ما را وادار می‌کند با توبه به نزد تقدیس کننده خود برویم و پاک شویم. یوحنا رسول این مطلب را با الهام از روح القدس چنین تشریح می‌کند: "اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را بیامرزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد" (اول یوحنا ۱: ۹).

بلی در تقدس، ابتدا بوسیله هدایت روح القدس به گناهکار بودن خود پی‌می‌بریم و لزوم توبه را در می‌یابیم. بعد بوسیله ایمان به اینکه خون مسیح در راه بخشش گناهان بر صلیب ریخته شد، از گناه بخشیده می‌شویم و بعد بوسیله اطاعت از کلام خدا از گناه دور و دورتر شده، در پاکی و قدوسیت "به همراه مسیح" که قول داده تا انقضای عالم همراه ما خواهد بود (متی ۲۸: ۲۰) زیست می‌نمائیم.

آماده شوید

شرط ورود به ملکوت خدا

عیسی مسیح در بدو شروع خدمت خود می‌فرماید: "توبه کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیک است" (متی ۴: ۱۷). بعید نیست که مردم از او پرسیده باشند که منظور او از توبه چیست که آن را شرط ورود به ملکوت خدا می‌داند؟ عیسی مسیح در باب بعدی، این شرط را که معروف به خوشا به حالها یا قانون اساسی آسمان می‌باشد، در چند ماده بیان می‌کند که باید در مجموع اجرا شوند.

منظور از عبارت خوشابحال، خوش و خندان بودن و موفق زیستن نیست، بلکه داشتن شادی، آرامش و امید زنده در هر وضعیتی که هستیم می‌باشد. واضح است که این نوع زندگی بر خلاف زندگی بی‌ایمانان است زیرا آنچه ما می‌گوئیم و به آن عمل می‌کنیم، به نظر آنان عجیب و غریب می‌آید. مثلاً چیزی که شخص دنیوی می‌خواهد به دست بیاورد، ما می‌خواهیم از دست بدهیم. جائی که او نفرت می‌ورزد، ما محبت می‌نمائیم. جائی که وی اهمیت نمی‌دهد، ما می‌خواهیم کمک کنیم. ولی طبق وعده کلام خدا اطمینان داریم که پاداش ما در آسمان عظیم بوده و مالک همه چیز خواهیم بود، در حالی که شخص دنیوی همه چیز را از دست خواهد داد. برای اینکه بهتر به مفهوم خوشابحال‌ها پی‌ببریم، بهتر است آنچه عیسی مسیح در متی ۵: ۱-۱۲ از ما می‌خواهد، از دیدگاه اشخاص روحانی و اشخاص دنیوی مورد مطالعه قرار بدهیم:

۱- کسی که دنیوی است، برای نجات خود، بر خود و یا بر دیگران توکل می‌کند و اغلب مغرور است. ولی کسی که در رابطه با مسیح زندگی می‌کند، از فقر روحی خود آگاه است و تنها بر خدا توکل دارد.

۲- کسی که دنیوی است خود را به هر دری می‌زند تا خوشحال باشد. ولی کسی که در رابطه با مسیح زندگی می‌کند، خوشحالی را وقتی بدست می‌آورد که برای گناهی که از او سرزده است ماتم بگیرد و آن را در حضور خدا اقرار نموده، طلب آمرزش نماید. تنها در این صورت است که او از زیر بار گناه آزاد شده، تسلی می‌یابد و شادی توأم با امید را بدست می‌آورد.

۳- کسی که دنیوی است، همواره طالب قدرت است، ولی کسی که در رابطه با مسیح زندگی می‌کند، آموخته است که چگونه حلیم و افتاده دل

باشد (متی ۱۱: ۲۹). حلم و تواضع نشان ضعف نیست بلکه قدرتی است که تحت کنترل روح القدس عمل می‌کند.

۴- کسی که دنیوی است، سعی می‌کند احتیاجات خود را بهر طریقی که شده برآورده نماید. هر چه هم بیشتر بدست می‌آورد، بیشتر می‌طلبد. ولی کسی که در رابطه با مسیح زندگی می‌کند، گرسنه و تشنه عدالت (پارسائی) یا نیکی مطلق می‌باشد. او این عدالت را در مسیح می‌یابد و آنطوری که کلام خدا می‌گوید سیر می‌شود، یعنی عادل شمرده می‌شود.

۵- شخص دنیوی، بیشتر به خود فکر می‌کند و نفع خود را طالب است. ولی کسی که در رابطه با مسیح زندگی می‌کند، در فکر دیگران بوده و بر آنان ترحم می‌کند. در نتیجه، خدا بر او رحم می‌نماید.

۶- کسی که دنیوی است نمی‌تواند از دیدگاه خدا پاکدل باشد. حتی برای برخی، فریب و کلاه برداری نوعی زرنگی تلقی می‌شود. ولی کسی که در رابطه با مسیح زندگی می‌کند، می‌خواهد یک زندگی پاک و بی‌آلایش داشته باشد. بنابراین اغلب از خدا می‌خواهد تا قلب او را با خون مسیح شستشو دهد، تا بتواند خدائی را که پاک و بی‌آلایش است ببیند.

۷- کسی که دنیوی است، همیشه در فکر رفاه و آسایش خود می‌باشد. ولی کسی که در رابطه با مسیح زندگی می‌کند، همواره در فکر صلح و آرامش خود و دیگران بسر می‌برد، و چون منبع صلح و آرامش او عیسی مسیح فرزند خدا می‌باشد، او نیز فرزند خدا خوانده خواهد شد.

۸- کسی که دنیوی است، وقتی جفا می‌بیند و یا طوفانهای سخت زندگی بر او هجوم می‌آورند، گله و شکایت آغاز می‌کند و خدا را مسئول آن وقایع می‌داند. ولی کسی که در رابطه با مسیح زندگی می‌کند، در جفاها و مصیبت های زندگی، بیشتر بر خدا توکل می‌نماید، زیرا می‌داند: "بجهت آنانی که خدا را دوست می‌دارند و بحسب اراده او خوانده شده‌اند، همه چیزها برای خیریت (ایشان) با هم در کار می‌باشند" (رومیان ۸: ۲۸).

او با تکیه بر این وعده خدا که ملکوت آسمان از آن او خواهد بود، با توکل بیشتر بر خداوند، به زندگی پر ثمر خود ادامه می‌دهد و سعی می‌کند شاهد امینی برای خداوند باشد.

آماده شوید

هم فکر با مسیح

در کتاب مقدس می‌خوانیم: "طرز تفکر شما درباره زندگی باید مانند طرز تفکر مسیح عیسی باشد" (فیلیپیان ۲: ۵). ولی آیا چنین چیزی امکان پذیر است؟ بلی، اگر ممکن نبود، خدا چنین فرمائی را صادر نمی‌کرد. برای روشن شدن این مطلب، به کلام خدا مراجعه می‌کنیم و در آن چنین می‌خوانیم: "هر که به خداوند بپیوندد، روحاً با او یکیست" (اول قرننتیان ۶: ۱۷). این "پیوستن" چگونه انجام می‌گیرد؟ پاسخ: وقتی نقشه نجات از گناه و ورود به ملکوت آسمانی و فرستادن روح القدس بر ایمانداران را از کتاب مقدس می‌شنویم و به این فیض نجات ایمان می‌آوریم، خداوند روح خود را به قلب و روح ما می‌فرستد تا به وسیله او با خدا بپیوندیم.

پیوستن به خدا معجزه‌ای است که تنها خدا می‌تواند در آنانی که به عیسی مسیح ایمان می‌آورند انجام دهد. این پیوند برای ایمانداران بسیار لازم و پر جلال است زیرا جدا از او نمی‌توانیم کاری انجام دهیم (یوحنا ۱۵: ۵). این معجزه خارق‌العاده مختص یک قوم و یا ملت بخصوص نیست، بلکه "به همه کسانی که او (مسیح) را قبول کردند (دریافت هدیه از خداوند) و به او ایمان آوردند این امتیاز را داد که فرزندان خدا شوند" و (روحاً) از خدا تولد یابند (یوحنا ۱: ۱۲-۱۳). آیا چنین معجزه‌ای در درون ما بوقوع پیوسته است؟ اگر بلی، "اکنون می‌توانیم مثل مسیح فکر کنیم". (اول قرننتیان ۲: ۱۶). البته هم فکر مسیح شدن یک روند تدریجی است و مرحله‌ای دارد که برای سهولت در یادآوری، هر یک از آنها را با حرف "ت" شروع می‌کنیم:

مرحله تصمیم: در این مرحله است که تصمیم می‌گیریم فکرمان را با فکر مسیح هماهنگ سازیم. چگونگی این کار را کلام خدا به این صورت بیان می‌کند: "در آنچه بالا است تفکر کنید، نه در آنچه بر زمین است" (کولسیان ۲: ۳). همچنین: "درباره هر آنچه راست، شریف، درست، پاک، دوست داشتنی، نیکنام و هر چه عالی و قابل ستایش است، بیندیشید" (فیلیپیان ۴: ۸). می‌دانیم که اراده قسمتی از فکر است که روی آن کنترل داریم. احساسات را نمی‌توان همیشه کنترل کرد، اما کنترل اراده در اختیار خودمان می‌باشد. در انجیل می‌خوانیم: "هر مانعی که در مقابل معرفت خدا قرار بگیرد، از بین می‌بریم و تمام افکار و خیالات را تحت فرمان مسیح در می‌آوریم" (دوم قرننتیان ۱۰: ۵). عیسی مسیح بارها

فرمود که اراده او، اراده پدر است. بنابراین، برای داشتن فکر مسیح، اولین قدم این است که اراده‌مان را به خدا بسپاریم. یعنی هر فکری که به مغز ما خطور می‌کند، اگر نمی‌توانیم خدا را توسط آن جلال دهیم، باید تصمیم بگیریم آن را از خود دور کرده، و نگذاریم در ما ریشه بگیرد.

مرحله تبدیل: وقتی اراده خود را به خدا سپردیم، او افکار ما را تجدید می‌نماید تا طبق کلام خدا "بوسیله تجدید افکار، وجود شما (وجود روحانی) تغییر شکل یابد تا بتوانید اراده خدا را تشخیص دهید و آنچه را که مفید و پسندیده و کامل است بشناسید" (رومیان ۱۲: ۲). تنها در این صورت است که "به تدریج در جلالی روز افزون به شکل او (مسیح) مبدل می‌شویم و این کار، کار خداوند یعنی روح القدس است" (دوم قرنتیان ۳: ۱۸).

مرحله تلاش: با مسیح هم فکر شدن تنها در راه خدمت به او انجام پذیر است زیرا مرکز فکر مسیح، خدمت می‌باشد. در انجیل می‌خوانیم: "پسر انسان (مسیح) نیامده است تا مخدوم شود بلکه تا به دیگران خدمت کند" (مرفس ۱۰: ۴۵). مسیح این را عملاً با شستن پایهای شاگردان خود به ما نشان داد و فرمود: "به شما نمونه‌ای دادم تا همانطور که من با شما رفتار کردم، شما هم رفتار کنید ... هرگاه این را فهمیدید، خوشحال شما اگر به آن عمل نمائید" (یوحنا ۱۳: ۱۵-۱۷).

مرحله توبه: شرط اساسی در هم فکر شدن با مسیح اطاعت از اولین فرمان او، "توبه کنید"، می‌باشد (متی ۴: ۱۷). توبه به معنی برگشتن است: برگشتن از طرز زندگی گذشته (با ذات ناپاک، اسیر هوسها و افکار خود، و طبیعت سرکش، زیر خشم و غضب خدا) به طرز زندگی جدید (با روشی که از مسیح آموخته‌ایم و دنبال می‌کنیم که در آن فکر و ذهن ما روز به روز تغییر می‌کند و بسوی کمال پیش می‌رود). در نتیجه این، شخص جدید و متفاوتی می‌شویم: شخصی مقدس و درستکار، با طبیعتی نو به شباهت خدا (افسیان ۴: ۲۴).

آماده شوید

"از روح خدا پر شوید"

"مست شراب مشوید که در آن فجور (هرزگی) است، بلکه از روح پر شوید" (افسیان ۵: ۱۸)

در کلام خدا می‌خوانیم: "ما این محبت گرم او (خدا) را در سراسر وجود خود احساس می‌کنیم، زیرا او روح القدس را به ما عطا فرموده تا دل‌های ما را از ... محبتش لبریز سازد" (رومیان ۵: ۵). می‌دانیم که زندگی مسیحائی، زندگی پر از شادی و قدوسیت است. ولی باید اقرار کنیم که زندگی اغلب کسانی که خود را مسیحی می‌دانند فاقد شادی و قدوسیت می‌باشد زیرا دستور خدا را که باید از روح القدس پر شوند، اطاعت نمی‌کنند.

برای پر شدن از روح القدس یا به عبارت دیگر، تحت کنترل روح القدس قرار گرفتن، شرایطی چند لازم و ضروری است که برای سهولت در یادآوری، هر یک از آنها را با حرف "ت" شروع می‌کنیم:

تمایل به کنترل - یعنی با تمامی جان و دل مایل باشیم که زندگی ما بوسیله روح القدس کنترل شود. در این تمایل باید از خدا بخواهیم تا روح خود را به فراوانی به ما عطا فرماید. عیسی مسیح در این باره می‌فرماید: "پدر آسمانی شما روح القدس را خواهد داد به هر که از او سوال کند" (لوقا ۱۱: ۱۳). اوست که پری روح را به ما عطا می‌کند. جای تاسف است که اکثر کسانی که خود را مسیحی می‌دانند، تنها به داخل شدن به ملکوت خدا اکتفا می‌کنند ولی مایل نیستند عنان زندگی خود را کاملاً به خداوند بسپارند. آنان هر چند به مسیح ایمان آورده‌اند ولی از دستور کتاب مقدس که می‌فرماید: "مانع کار روح خدا نشوید" (اول تسالونیکیان ۵: ۱۹)، اطاعت نمی‌کنند و بوسیله روح خدا پر و کنترل نمی‌شوند، در نتیجه زندگی پیروزمندانه مسیحی را که سرشار از شادی و قدوسیت است تجربه نمی‌کنند.

تفتیش قلب (باطن) - اگر واقعاً مایل باشیم که بوسیله روح القدس کنترل شویم، باید خود را امتحان و تفتیش کنیم و به این وسیله هر نوع گناه، عادت بد، دوستی و معاشرتهای ناشایست و افکار گناه‌لود را از خود دور سازیم. پولس رسول در این باره می‌نویسد: "ما نیز از تمام گناهانی که جسم و روحمان را آلوده می‌کنند دست بکشیم و خود را پاک ساخته، با خدا ترسی زندگی کنیم و خود را تماماً به خدا تقدیم نمائیم" (دوم قرنتیان

۱:۷). بنابراین، اگر احیاناً به وجود گناه در خود پی‌نمی‌بریم باید از خدا بخواهیم تا آن را در زیر میکروسکوپ روح القدس به ما نشان دهد.

تسلیم وجودمان به خدا - اینست معنی واقعی پرشدن و تحت کنترل روح القدس قرار گرفتن. در این تسلیم شدن، افکار، احساسات و اراده خود را کاملاً به روح القدس می‌سپاریم و تصمیم می‌گیریم که با اطاعت نکردن از راهنمایی‌های او در کلام خدا، او را محزون نسازیم (افسیان ۴:۳۰). در اثر این تصمیم است که او به ما قدرت خواهد داد تا "هر نوع تلخی، خشم، غضب، درشت خوئی، ناسزاگوئی و نفرت را از خود دور کنیم، و در عوض نسبت به هم مهربان و دلسوز باشیم و یکدیگر را ببخشیم، همانطور که خدا نیز ما را بخاطر مسیح بخشیده است" (افسیان ۴:۳۱-۳۲).

توکل بر خدا - در کلام خدا می‌خوانیم: "به روح رفتار کنید، پس شهوات جسم را به جا نخواهید آورد" (غلاطیان ۵:۱۶). مفهوم به روح رفتار کردن در این آیه اینست که هر روز برای داشتن قدرت و قوت و راهنمایی در زندگی، بر خدا توکل کنیم، چنانکه مسیح بر پدر خود اعتماد می‌کرد و در انجیل می‌فرماید: "پدر مرا تنها نگذارده است زیرا که من همیشه کارهای پسندیده او را بجا می‌آورم" (یوحنا ۸:۲۹). آیا برای داشتن زندگی شاد، مقدس و تحت کنترل روح القدس بر خداوند توکل می‌کنیم یا بر خود و قابلیت‌های خود؟ آیا بر ثروت، مقام، تشریفات مذهبی و نیکوئی خود متکی هستیم، یا بر فیض و رحمت خداوند؟ ما باید به این حقیقت حیاتی پی‌بریم که هر وقت با تمام دل و جان بر خدا و احکام کلام راستین او (با تصمیم به اطاعت از آنها) توکل کردیم، آنوقت آماده‌ایم که از روح خدا پرشویم.

حال، چگونه مطمئن شویم که زندگی ما تحت کنترل روح القدس قرار دارد؟ به کتاب مقدس مراجعه می‌کنیم و در آن می‌خوانیم: "اما ثمری که روح القدس ببار می‌آورد: محبت، خوشی، آرامش، بردباری، مهربانی، خیرخواهی، وفاداری، فروتنی و خویشن داری است" (غلاطیان ۵:۲۲). بنابراین، اگر این ثمر در زندگی ما دیده شود، باید خاطر جمع باشیم که تحت کنترل روح القدس بسر می‌بریم. نتایج این چنین کنترل، طبق کلام خدا، شادمانی، شکرگزاری و اطاعت خواهد بود (افسیان ۵:۱۹-۲۱).

در خاتمه، بهتر است با دقت به این آیه از کلام خدا توجه کنیم: "اگر روح خدا منشا زندگی (روحانی) ما است، او هم باید هادی زندگی ما باشد" (غلاطیان ۵:۲۵). در تفسیر این آیه باید بگوئیم: همچنانکه والدین هادی زندگی فرزندان خود می‌باشند، خداوند نیز هادی زندگی کسانی است که به آنان بوسیله روح القدس تولدی تازه عطا می‌فرماید!

با مطالعه دقیق آیات زیر، روح القدس که الهام کننده آنها می‌باشد مفهوم این حقیقت را بیشتر بر ما روشن خواهد ساخت:

"اما او (مسیح) به تمام کسانی که به او ایمان آوردند، این حق را داد که فرزندان خدا گردند ... این اشخاص تولدی نو یافتند، نه همچون تولدهای معمولی که نتیجه امیال و خواسته‌های آدمی است، بلکه این تولد را خدا به ایشان عطا فرمود" (یوحنا ۱: ۱۲-۱۳).

"زیرا این خدا، خدای ما است تا ابدالآباد و ما را تا به موت هدایت خواهد نمود" (مزمور ۴۸: ۱۴).

"موافق رأی خود مرا هدایت خواهی نمود و بعد از این مرا به جلال خواهی رسانید" (مزمور ۷۳: ۲۴).

"زیرا که در همان ساعت روح القدس شما را خواهد آموخت که چه باید گفت" (لوقا ۱۲: ۱۲).

"ولیکن چون او یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد" (یوحنا ۱۶: ۱۳).

آماده شوید

شرایط دریافت روح القدس

در کلام خدا می‌خوانیم: "توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح بجهت آمرزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح القدس را خواهید یافت" (اعمال رسولان ۲: ۳۸).

طبق کلام خدا نجات یافتن یا زنده شدن از مرگ روحانی (هلاکت ابدی) از اول تا به آخر کار خداوند است. این معجزه حیاتی در زندگی انسان، بوسیله روح القدس (جلوه سوّم از خدای یکتا) انجام می‌گیرد و بدون او هیچ کس هرگز نمی‌تواند نجات یابد. مفهوم آیه فوق اینست که شرط دریافت روح القدس، فقط توبه کردن از گناهان و ایمان آوردن به آمرزش گناهان بوسیله عیسی مسیح می‌باشد! برای درک این فیض عظیم، به کتاب مقدس مراجعه می‌کنیم و در آن می‌خوانیم که روح القدس ما را به گناه، عدالت و داوری ملزم (متقاعد) می‌سازد (یوحنا ۱۶: ۸). یعنی در اثر فیض خدا بوسیله روح خدا به گناه خود پی‌می‌بریم و برای رهائی از داوری خدا به عیسی مسیح به عنوان تنها نجات دهنده از گناه ایمان می‌آوریم و از گناه خود توبه می‌نمائیم. چنانکه قبلاً هم گفته‌ایم، این همه، از اول تا به آخر از فیض و رحمت خداوند است. باید بدانیم که در نتیجه این توبه و ایمان حقیقی، طبق کلام خدا ایمان خود را بر زبان می‌آوریم (رومیان ۱۰: ۱۰) و به توبه خود جامعه عمل می‌پوشانیم (متی ۳: ۸). به عبارتی دیگر، توبه و ایمان خود را آشکارا در زندگی خود نشان می‌دهیم. چگونه؟

بیاد آوریم که مسیح در اولین فرمان خود فرمود، و امروز نیز به ما می‌فرماید: "توبه کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیک است" (متی ۴: ۱۷). می‌دانیم که توبه به معنای بازگشت از زندگی گناه‌آلودی است که داشتیم به یک زندگی پاک و مقدس که به خداوند تعلق دارد. بلی، توبه دست کشیدن از افکار، امیال، و اعمال ناپاک جسمانی است که از کودکی به آنها عادت کرده‌ایم. در توبه است که با توکل کامل بر قدرت و هدایت خدا، این طبیعت کهنه و گناه‌آلود خود را از تن به در می‌آوریم و طبیعت نو را که به صورت خدا آفریده شده است می‌پوشیم (افسیان ۲۲: ۴-۲۴). در این مرحله است که خدا ما را از دنیای تاریک شیطان نجات می‌دهد و به ملکوت فرزند عزیزش منتقل می‌سازد (کولسیان ۱: ۱۳).

همچنین بیاد آخرین فرمان مسیح نیز می‌افتیم که فرمود: "موعظه به توبه و آمرزش گناهان در همه امتها به نام او کرده شود" (لوقا ۲۴: ۴۷). چقدر جالب است کار روح القدس در الهام کتاب مقدس که اولین و آخرین

فرمان مسیح را در یک آیه این چنین زیبا خلاصه کرده است تا ما به آسانی به مفهوم آن دست یابیم و بدانیم که هر دو این موهبت، یعنی توبه و آمرزش گناهان، با هم از طرف خدا به ما عطا می‌شوند تا ما از خود خالی و از گناه پاک و در نتیجه آماده دریافت عطای روح القدس و برقراری رابطه شیرین روحانی تا به ابد با شاه شاهان و مولای مولایان، یعنی عیسی مسیح زنده، باشیم.

چرا داشتن عطای روح القدس در زندگی مسیحیان واجب و حیاتی می‌باشد؟ این سؤالی است که خدا قرن‌ها پیش بوسیله انجیل به آن جواب داده و فرموده است: "احدی جز به روح القدس عیسی را خداوند نمی‌تواند گفت" (اول قرنتیان ۳: ۱۲).

آماده شوید

مفهوم "شاگرد مسیح" و "غسل تعمید"

عیسی مسیح زنده و قیام کرده، ضمن آخرین فرمان خود به شاگردانش فرمود، و امروز هم به همه ایماندارانش می‌فرماید: "پس بروید تمام قوما را شاگرد من سازید و ایشان را به اسم پدر، پسر و روح القدس غسل تعمید دهید" (متی ۲۸: ۱۹). حال برای درک مفهوم این فرمان باید دید: شاگرد مسیح کیست و غسل تعمید چیست؟

۱- شاگرد مسیح (مسیحی واقعی) کسی است که به عیسی مسیح بعنوان تنها نجات دهنده و مولای زندگی خود ایمان آورده، توسط مرگ و قیام او، از گناهانش طاهر گشته و در تازگی حیات سلوک می‌نماید. این شخص با هدایت روح القدس سعی می‌کند با مطالعه کلام خدا از مسیح تعلیم یابد و او را اطاعت و خدمت نماید.

۲- غسل تعمید یکی از اولین قدمهایی است که پس از ایمان آوردن به مسیح باید برداریم. تعمید، عملی است بیرونی که بوسیله آن، تغییر درونی و روحانی که توسط روح القدس در شخص انجام گرفته به دیگران اعلام می‌شود. با تعمید، ایماندار نشان می‌دهد که روحاً شریک موت، دفن و قیام مسیح می‌باشد (رومیان ۶: ۳-۵). در نتیجه، "او دیگر آن انسان قلبی نیست" (دوم قرنتیان ۵: ۱۷) بلکه هم اکنون با هدایت روح القدس، زندگی جدید و جاودانی در او شروع شده است که در آن زندگی، مشغول خدمت به مولای خود و مشتاق ملاقات با او، "خواه در جسم" (بوسیله مطالعه کلام و دعا) و "خواه جدا از جسم" (در عالم بالا)، می‌باشد!

این نوع زندگی در اثر کوشش، برنامه‌ریزی و اجرای اصول و عقاید مذهبی بدست نمی‌آید، بلکه نتیجه علاقه قلبی کسانی است که در اطمینان کامل، کنار پایهای عیسی نشسته و می‌دانند که این زندگی هرگز از آنان بازگرفته نخواهد شد (لوقا ۱۰: ۳۸-۴۲).

کاش به فیض مسیح و با ایمانی که از او سرچشمه می‌گیرد (افسیان ۲: ۸) به کار تمام شده او به نیابت ما بر صلیب، اعتماد نموده و در اثر مطالعه دقیق انجیل با هدایت روح القدس، به شاگردی مسیح درآئیم و با "شادی غیر قابل توصیف" (اول پطرس ۱: ۸)، تعمید بگیریم و با قدردانی از خدا چنین بسرائیم:

ای منجی و ای شاه من
خونت ریختی در راه من
هلاک بودم بدون تو
وجود من مدیون تو

تویی تنها دلخواه من
کردی رفع گناه من
نجات یافتم در خون تو
چون ذبح شدی در راه من

آماده شوید

ممکن است مسیح امروز برگردد، آیا آماده‌ایم؟

مسیونری می‌نویسد: در یک دانشکده علم الهی آفریقا، به سوالات دانشجویان پاسخ می‌دادم. دانشجویی پرسید: در انجیل می‌خوانیم: "در همان موقع که فریاد فرمان الهی و صدای رئیس فرشتگان و بانگ شیپور شنیده می‌شود، خود خداوند از آسمان به زیر خواهد آمد" (اول تسالونیکیان ۴: ۱۶). آیا می‌دانید که این فرمان الهی چه خواهد بود؟ مسیونر ادامه می‌دهد: می‌خواستم از پاسخ دادن به این سؤال شانه خالی کنم و بگویم، نباید بیش از آنچه کلام خدا بر ما مکشوف کرده است، چیزی از خود حدس بزنیم و یا بر آن اضافه نمایم. ولی در آن لحظه، فکرم متوجه برخوردی شد که در آن روز با یکی از پناهندگان از کشور همسایه داشتم.

این پناهنده، در کشور خود مدیر مدرسه بود. ناگهان روزی بدون هیچ علتی، دو نفر از ماموران جوخه آتش زندان او را دستگیر کرده و می‌خواستند بعد از شکنجه دادن، او را تیرباران کنند. این اشخاص ساعتها با توضیح درباره چگونگی شکنجه و نحوه تیرباران، او را آزار و شکنجه روحی داده بودند. در یک فرصت مناسب، او با زحمت بسیار توانسته بود از چنگ آنان فرار کرده و خود را به مدت دو روز در زیر بوته‌ها مخفی سازد و بالاخره به خانواده خود پیوسته و به همراه آنان از مرز بگریزد. او در این گیرودار، متأسفانه دو تا از فرزندانش را هم از دست داده بود.

با شنیدن این نوع ظلم و ستم که بر انسانهای بی‌گناه وارد می‌شد، همچنین با دیدن گدایان بسیار در سر راهم که هر چند انسان بودند و اشرف مخلوقات، ولی در اثر فقر و فلاکت و بیچارگی به درجه‌ای از ذلت و خواری رسیده بودند که زندگی آنان پست‌تر از زندگی حیوانات شده بود، و با مشاهده مردمانی که به جای شمع و شادی، آثار غم و اندوه و یاس و ناامیدی نسبت به آینده در قیافه‌های آنان دیده می‌شد، روحیه‌ام سخت تحت فشار بود. غرق این افکار بودم که دانشجوی مذکور دوباره از من پرسید: "پاسخ سؤال چه شد؟" در جواب او گفتم، "بس است." او با تعجب بسیار از من پرسید: "منظورتان از بس است چیست؟" پاسخ دادم: "بس است درد و رنج کشیدن، بس است جنگ و خونریزی، بس است ترس از ترور، بس است فقر و فلاکت و گرسنگی، بس است بیماری، بس است ناامیدی، بس است مرگ." در این هنگام، او به پاسخ سؤال خود رسیده بود.

از سؤال مطرح شده چنین برمی‌آید که این نوشته در مورد ربودن ایمانداران است، که در باره آن در کلام خدا می‌خوانیم: "زیرا خود خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست. آنگاه ما که زنده و باقی باشیم، با ایشان در ابرها ر بوده خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود" (اول تسالونیکیان ۴: ۱۶-۱۷).

در کتاب مقدس آیات دیگری هم در مورد این رویداد یافت می‌شوند: "چونکه کلام صبر مرا حفظ نمودی، من نیز تو را (کلیسا) محفوظ خواهم داشت، از ساعت امتحان که بر تمام ربع مسکون خواهد آمد تا تمامی ساکنان زمین را بیازماید" (مکاشفه ۳: ۱۰). از همه مهمتر اینکه عیسی مسیح در یوحنا ۳: ۱۴ این وعده پر میمنت را به ما داده است: "باز می‌آیم و شما را برداشته با خود خواهم برد." و در جایی دیگر ما را چنین هشدار می‌دهد: "پس شما نیز چشم براه باشید، چون نمی‌دانید کی برمی‌گردم: سرشب، نیمه شب، سحر یا صبح. مواظب باشید که وقتی می‌آیم، در خواب غفلت نباشید. باز هم می‌گویم چشم براه من باشید. اینست پیام من به شما و به همه" (مرقس ۱۳: ۳۵-۳۷).

آماده شوید

مفهوم پرستش

پرستش دسته‌جمعی

پرستش، اعلام عظمت و کبریائی خداوند و تشکر و قدردانی از او می‌باشد که در مجالس عبادتی کلیساها بوسیلهٔ جماعت انجام می‌گیرد. در پرستش باید خیلی دقت کرد و آن را با احترام و وقار هر چه تمامتر ادا نمود زیرا خداوند را مخاطب قرار می‌دهیم و او ما را می‌شنود. شبان یا واعظ و تمامی جماعت با هم، توسط سرودها، دعاها، و هدایای مالی خود او را تمجید و ستایش می‌کنند. در همهٔ اینها باید روح و روان ما کاملاً متوجه خدا باشد و به او و آنچه او در کلامش بر ما مکتشف می‌فرماید بیندیشیم.

قبل از پرستش خداوند، باید در سکوت، در دعا به حضور خدا برویم و طبق کلامش، از خود "هر بار گران و گناهی را که ما را سخت می‌پیچد، دور بکنیم" (عبرنیاں ۱:۱۲). یعنی با هدایت و قدرت روح خدا تمام افکار دنیوی و تمام موانع را به کنار بگذاریم و او را "به آن آزادی که مسیح ما را به آن آزاد کرد" (غلاطیان ۵: ۱) در "روح و راستی" (یوحنا ۴: ۲۴) بپرستیم. که منظور اینست: آنچه انجام می‌گیرد از دل برآید و بر طبق کلام خدا که "راستی است" (یوحنا ۱۷: ۱۷) باشد.

پرستش شخصی

طرز زندگی پیروان مسیح، پرستشی است که خدا بوسیلهٔ آن جلال می‌یابد. این نوع پرستش در نتیجهٔ داشتن ملاقات شخصی با خدا توسط کلامش انجام می‌گیرد. در آن ذهن ما از حقایق کلام خدا تغذیه می‌کند، تصورات ما بوسیلهٔ عظمت، زیبایی و کبریائی خدا تصفیه، و دل ما از امیال و افکار دنیوی خالی و از محبت مسیح پر می‌گردد. در این حالت است که بدنهای خود را مانند قربانی زنده و مقدس به او تقدیم می‌کنیم. اینست پرستش و خدمتی که مورد پسند خدا و شایستهٔ نام مقدس اوست (رومیان ۱: ۱۲).

در پرستش طبق کلام خدا، باید نکات زیر را مدّ نظر قرار داد:

۱- خدا پرستش ما را قبول نخواهد کرد اگر در زندگی روزمرهٔ خود تنها به فکر خوشی و لذت شخصی خود باشیم و رضایت و خوشنودی او را نادیده بگیریم.

۲- خدا پرستش ما را قبول نخواهد کرد اگر مرتب به فکر توبه از گناهان و داشتن زندگی پاک و مقدس نباشیم. ما باید در فروتنی و روح تواضع به گناه خود اعتراف کنیم. آنگاه خداوند نه تنها ما را می‌بخشد بلکه فیض عطا می‌کند تا با تمامی دل و جان، او را پرستش نمائیم و نامش را بر افرازیم. زیرا او می‌فرماید: "من در مکانهای بلند و مقدس ساکنم و نیز در وجود کسی که روحی متواضع و توبه‌کار دارد، تا دل او را زنده سازم و نیروی تازه به او بخشم" (اشعیا ۵۷: ۱۵).

۳- خدا پرستش ما را قبول نخواهد کرد اگر تنها به فکر رفاه و آسایش خود و خانواده خود باشیم و نیازهای روحانی و جسمانی دیگران را نادیده بگیریم و از کمک به آنان دریغ نمائیم.

۴- خدا پرستش ما را قبول نخواهد کرد اگر تنها برای برکاتی که به ما می‌بخشد از او تشکر کنیم و نه برای خود او، یعنی برای ذات الهیش، برای تقدس و کبریائیش و برای عظمت و خداوندیش.

آماده شوید

"فیض عیسی مسیح خداوند و محبت خدا و شرکت روح القدس با جمیع شما باد. آمین"

(دوم قرنتیان ۱۳:۱۳)

مسیحیت رابطه و پیوندی است روحانی و جاودانی بین خدا و انسان که در اثر محبت بی‌پایان خدا در جلوه "پدر" و فیض بی‌کران او در جلوه "پسر" و شراکت بی‌انتهای او در جلوه "روح القدس" قبل از آفرینش عالم مهیا شد و تا به ابد نیز ادامه خواهد یافت. در کلام خدا می‌خوانیم: "خدا ما را نجات داد و به یک زندگی مقدس دعوت کرد و این، در اثر اعمال ما نبود، بلکه بر طبق نقشه خود خدا و فیضی است که او از ازل در شخص عیسی مسیح به ما عطا فرمود" (دوم تیموتائوس ۱:۹).

در اثر محبت پدر است که ما توسط کلام خدا با خبرخوش نجات بوسیله مرگ و رستاخیز مسیح آشنا می‌شویم. و با فیض پسر، آن را به دل می‌پذیریم و به عیسای زنده ایمان می‌آوریم. در اثر شراکت روح القدس، از کلام خدا تعلیم گرفته، آن را اطاعت می‌کنیم و روحاً به خدا می‌پیوندیم. بلی، این تنها راهی است که: از سوی خدای پدر به همراه خدای پسر و با پشتیبانی خدای روح القدس به سوی خدای واحد (پدر، پسر، و روح القدس) می‌رسد!

خوشا بحال کسی که به آنچه از کلام خدا می‌شنود ایمان آورد و به زانو درآید و خدای واحد حقیقی، یعنی خدائی که "هست و بود و خواهد آمد" (مکاشفه ۴:۱) را با تمام دل و جان بپرستد.

هم اکنون که از کلام او شنیده‌ایم، بیائید این دعا را که بر اساس آیات کتاب مقدس است تقدیم حضورش کنیم:

"ای خداوند مسکن ما تو بوده‌ای، در جمیع نسلها، قبل از آنکه کوهها به وجود آید و زمین و ربع مسکون را بیافرینی. از ازل تا به ابد تو خدا هستی" (مزمور ۹۰:۱-۲).

"خداوند، جلال و حرمت و قدرت، برازنده توست. زیرا تو آفریننده تمام موجودات هستی و همه چیز به اراده تو بوجود آمد" (مکاشفه ۴:۱۱).

ای خداوند تنها توهستی که در مسیح ما را با خود آشتی می‌دهی: "زیرا یک خدا و یک واسطه بین خدا و انسان وجود دارد، یعنی شخص عیسی مسیح" (اول تیموتائوس ۲:۵).

تنها تو هستی که در نام عیسی مسیح ما را نجات می‌دهی زیرا: "نامی جز نام عیسی به مردم عطا نشده است تا بوسیله آن نجات یابیم" (اعمال رسولان ۴: ۱۲).

تنها تو هستی که توسط عیسی مسیح ما را به نزد خود می‌پذیری. ای عیسی خداوند، تو خود فرمودی: "من راه و راستی و حیات هستم، هیچ کس جز بوسیله من نزد پدر نمی‌آید" (یوحنا ۱۴: ۶).

تنها تو هستی که بوسیله روح القدس به ما تولدی تازه در روح عطا می‌کنی و به تدریج ما را به شباهت خود در می‌آوری زیرا: "در اثر کاری که خداوند یعنی روح القدس در وجودمان انجام می‌دهد، با جلالی روز افزون، به تدریج شبیه او می‌شویم" (دوم قرنتیان ۳: ۱۸).

و تنها تو هستی که: "مر او را در کلیسا و در مسیح عیسی تا جمیع قرن‌ها تا ابدالابد جلال باد. آمین" (افسیان ۳: ۲۱).